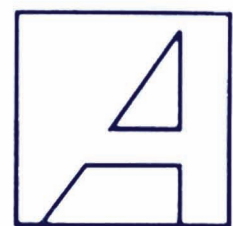




دفتر افغانستان



Konrad
Adenauer
Stiftung



Konrad
Adenauer
Stiftung

www.kas.de

احزاب اسلامی، چپی ها و
یک خالیگاه درین میان
احزاب سیاسی افغانستان از کجا آمده اند
(۱۹۰۲ - ۲۰۰۶)

توماس روتیگ

پیشگفتار

با نشریه جدید خویش توماس روتیگ (Thomas Rutting) بما کاریرا پیشکش کرده است که حقیقتاً از چندین نگاه قابل توجه و بی نظیر است. اینکار بیشتر از اینکه بر شمردن و مشخص ساختن احزاب سیاسی افغانستان باشد، خلاصه از تاریخ این کشور با تأکید مشخص روی انکشاف جنبشهای سیاسی سازمان یافته است.

این اثر خواننده را به سفری میکشاند که از روزهای ابتدائی قرن گذشته و قتیکه گروپهای مستقل کوچک متفکرین سیاسی آزاد در افغانستان برای اولین بار به توافق هم هدف سیاسی ایرا آغاز کردند و اجندای سیاسی مشترکی را پذیرفتند. توماس روتیگ، شخصیکه برای مدت بیشتر از ۲۵ سال در مورد افغانستان کار کرده است، جریان گروپ بندیهای سیاسی افغانستان را تحلیل و تجزیه میکند، و آنرا با واقعات سیاسی افغانستان در طی دهه ها بافت داده و انکشاف میدهد. با استفاده از دانش خویش در هر دو لسان دری و پښتو، مؤلف همچنان ظهور ادبیات افغانستان را روی این مضمون بما معرفی میکند. وی همچنان خواننده را بصورت مشرح و بینش عمیق به ساختار حاکم و تعیین کننده در زندگی سیاسی افغانستان آشنا می سازد. اضافه از آن، مقاله وی ما را آگاه می سازد که در تاریخ افغانستان تلاش کثرت گرایی سیاسی و دیموکراسی یقیناً صرف پنجسال پیش بعد از سقوط رژیم طالبان آغاز نمی شود. این حقیقت که بارها و تابه هنوز نادیده گرفته شده است، باید دانش ما و همبازی های بالقوه ما را در کوشش مشترکمان در اعمار افغانستان صلح آمیز وسعت بخشد.

دانش ژرف توماس روتیگ در مورد افغانستان برای خواننده در میانه منظر سیاسی این کشور، که اکثراً برای ناظرین جدید افغانستان و هم کهنه کاران این صحنه مغشوش کننده است، ضروریست تا خویشرا از دست ندهد. در جریان مأموریت خویش منحصت مشاور در سفارت جرمنی توماس روتیگ به دولت جرمنی و جامعه بین المللی در موارد مختلف مشوره های سودمندیرا ارائه داشته است. من از آقای روتیگ و بنیاد کنراد ادناور (Konrad-Adenauer-Foundation) بخاطر نوشتن و نشر این رساله سپاسگذارم، و همچنان به آنانیکه به انکشاف افغانستان علاقه مندی دارند فرصت اینرا مهیا می سازد تا یکبار دیگر از تجربه وسیع او بهره ببرند.

داکترهانس اولریش سایت

سفیر جمهوری فدرال آلمان در افغانستان

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۳.....	حرکت مشروطه خواهان.....
۴.....	احزاب عصر اول دیموکراسی: حرکت وینس زلمیان.....
۶.....	احزاب عصر دوم دیموکراسی و جمهوری داود
۱۰.....	احزاب در دوره جنگ مقاومت.....
۱۲	سیستم کنترل شده چندین حزبی نجیب الله.....
۱۴	سازمانهای سیاسی در جریان رژیم های مجاهدین و طالبان.....
۱۶	احزاب در عصر بعد از طالبان.....
۱۶	قانون احزاب سیاسی سال ۲۰۰۳.....
۱۸.....	تنظیم سنی.....
۲۳	باحضور وعدم حضور حزب اسلامی.....
۲۴	یک حزب قانونی طالبان.....
۲۴	احزاب شعیه.....
۲۵	یک تنظیم غیر جهادی: جنبش
۲۷	ملی گرایان قومی و قوم گرایان چپ.....
۲۹	چپی های حزب سابق دیموکراتیک خلق افغانستان.....
۳۲.....	دیموکراتهای جدید.....
۳۸.....	خالیهگاه اعتدال پسندان وعدم یک حزب ریاست جمهور
۴۱.....	احزاب سیاسی در جریان انتخابات ۲۰۰۴ ریاست جمهوری و ۲۰۰۵ پارلمانی.....
۴۳	نتیجه گیری: جریانات تاریخی - بعلاوه یک جریان جدید ونا پیدا.....
۴۶.....	درباره نویسنده

بعد از دوره اول مشروط خواهان، تفاوت سیاسی تنها در بین محافظه کاران که به حفظ وضع جاری علاقه مند بودند و طرفداران قانون اساسی وجود داشت. در نیمه دوم قرن گذشته روند های سیاسی تنوع پیدا کردند. سه نوع (جریان) سیاسی ظهور کرد که تا به اکنون وجود دارند: جریان اسلام سیاسی، کمونستهای چپ گرا که در بین خویش به طرفداران مسکو و مخالف مسکو منشعب شده بودند و چند جریان ملت گرای قومی^۳.

جریان اولی عمدتاً در سال ۱۹۸۰ توسط گروه هفتگانه پشاور مجاهدین سنی مستقر در پاکستان و گروه هشتگانه تهران، ایران، مجاهدین شیعه بودند. جریان دوم عمدتاً شامل حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، با دوشاخه عمده "خلق" و "پرچم" و گروه مائوئیستی که از دیموکراتیک نوین ظهور نموده بود و در نزد عام بنام "شعله" یاد می شد متشکل شده بودند. جریان سومی شامل افغان ملت با حد اقل سه شاخه پبنتونستی، ستم ملی عمدتاً از تاجکها با بعضی عناصر از بکها و ترکمنها و سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان (سازا) و حزب جدیدی بنام کنگره ملی میباشند. کدام حزب هزاره معادل این ساختار وجود ندارد، زیرا که حزب و حدت تعادل خواستهای مذهبی، سیاسی و قضائی هزاره ها را در نظر داشته است. در اواسط ماه اکتوبر ۲۰۰۶ به تعداد ۸۱ حزب و یا به اصطلاح پبنتوگونید ثبت شدند،^۴ به تعداد ۱۵-۱۰ درخواستی دیگر در روند اجرا آت قرار دارد و یک تعداد احزاب دیگر بعد از اینکه از انتخابات پارلمانی عملاً اخراج شدند از ثبت کردن خویش صرف نظر کردند.

در حالیکه بسیاری از افغانها سرکشیدن احزاب^۵ متعدد را مورد انتقاد قرار میدهد، اما این موضوع را نباید نادیده گرفت که در مرحله انتقالی^۶ نظیر افغانستان این یک امر عادی است. سوء تعبیری دیگری هم در زمینه، عمدتاً در بین خارجی ها، وجود دارد و آن اینکه احزاب سیاسی افغانستان در انکشافات بعد از طالبان بخاطر بدست آوردن هزینه تأسیس شده اند و جز اینکه یک سازمان غیردولتی باشند چیزی بیشتری نیستند که به چهره حزب سیاسی ظاهر شده اند^۷. در بعضی حالات این امر می تواند درست باشد. اما از دیدگاه بسیارها،

۳ - اسماعیل اکبر اینها را به اندک تفاوت طبقه بندی میکند (۱ جنبشهای سیاسی مذهبی، ۲ جنبش چپ گرا یا گروهها کمونست، ۳ نژادی، مذهبی (فرقه گرایان) و گروههای محلی، که سوال مذهبی را مطرح میکند، بعلاوه جنبشهای دیموکراسی. دفتر مطالعات سیاسی راه آینده. .ed. (محمد اسمعیل اکبر)، راه آینده، .n.d. (کابل ۲۰۰۶) و ص. ۱.

4 - www.moj.gov.af/dari/jlist_political_partis.com

این لست در انگلیسی وجود ندارد. در کاپی دری آن ارتباط (Link) با تمای پروگرامهای اکثر احزاب موجود است. یک مجموعه چاپ شده این اسناد نیز موجود است: وزارت عدلیه جمعوری افغانستان (ed)، احزاب سیاسی افغانستان، کابل (۲۰۰۵).

۵ - در جریان ورکشاپ (ترکیب احزاب در مقابل سیستم واحد رای دهی غیر قابل انتقال (SNTV) که به اشتراک نماینده احزاب و اعضای پارلمان در نهاد جرمن کونارد ادینور بتاریخ ۲۱-۲۰ سپتیمبر برگزار شد. اکثریت شاملین آن وقتیکه آنرا دیدند بر علیه تعدد احزاب سیاسی در افغانستان صحبت کردند.

۶ - این حقیقت بعد از سال ۱۹۸۹ در اروپای شرق نیز مشاهده شده می تواند. حتی در کشور های با ثبات تعداد احزاب بیشتر از آنست که در پارلمان نمایندگی دارند.

In Germany, there were 34 parties and lists that participated in the 2005 Bundestag elections on the federal level. See <http://www.parteien-online.de/>. In 2006, the German Bundeswahlleiter (Federal Head Election Officer) registered 107 political parties and lists in his 'address list of parties and political associations'. See: <http://www.bundeswahlleiter.de/bundestagswahl2005/downloads/anschriftenverzeichnisparteien.pdf>. The directory of U.S. Political parties lists 51 parties. See: <http://www.politics1.com/parties.htm>

7 - See the example: Rassoul Rahim, The democracy movement in Afghanistan - fragmented and in lack of funds. A political analysis by Rassoul Rahim, journalist for Deutsche Welle, [Kabul], n.d., p.2.

مقدمه:

برخلاف معرفت رائیج، در افغانستان احزاب سیاسی و جود دارد ولی تا هنوز نه به آن معنائیکه در غرب است به این مفهومی که: اکثر ایشان فاقد همبستگی و ساختار، برنامه قابل تشخیص و دیموکراسی داخلی اند. بسیاری ایشان نهایت سلسلوی و حتی محور گرا بوده و اکثراً روی گرایش های قومی سازمان یافته اند. احزاب جرمنی در سال ۱۸۶۰ لزوماً چنین خطی را دنبال میکردند. چنین گفته می توانیم که اکثر احزاب افغانها تا به هنوز در مرحله ساختار ابتدائی و پیش از وقت اکمال (proto-parties) قرار دارند. ما نمیدانیم که کدام یک از این احزاب ثبات و بقا دارند. در حالیکه یک تعداد اجزاب بطور قابل مشاهده در طی دهه ها از خود ثبات نشان داده اند.

اینهمه شگفت انگیز نیست زیرا که: به استثنای چند سال نسبتاً فضای باز سیاسی در جریان دهه ۱۹۴۰-۱۹۵۰ و تحت پوشش قانون اساسی سال ۱۹۶۴، در جریان سالهای اخیر حکومت نجیب الله، و بعد از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ رخداد، برای قوتهای سیاسی فرصت اندکی بوده است تا بتوانند بشکل باز و سازمان یافته خویشرا با مردم پیوند دهند و در جهت استقامت دادن مملکت آغاز به گفتگوهای پیشرفته کنند. اولین کوشش سازمان یابی سیاسی بیشتر از ۱۰۰ سال قبل در جریان اولین حرکت قانون اساسی (۱۹۰۹-۱۹۰۳) بوقوع پیوست که افغانها این دوره را بنام مشروطیت می شناسند. مورخ والا مقام افغانستان میر غلام محمد غبار حلقه ایرا که او و چند نفر دیگر تشکیل داده بودند بنام پارتنی ها که در دری به مفهوم حزب و اصطلاح پنبستو آن گوند است یاد کرد، چه جائیکه به نظر نمیرسد خود این گروه ها این اصطلاح را بکار برده باشند.^۲

اسمای دیگری نیز بکار رفته است: حرکت، تحریک، نهضت، جنبش، غورخنگ که همه به لسانهای افغانستان مفهوم حرکت را افاده میکند و به استفاده از کلمات عربی: اصطلاحات جبهه، محاذ، تنظیم، سازمان، قانون، جمعیت، مجموعه، گروه و یا گروه نیز بکار گرفته شده است. قبل از سال ۱۹۶۰ و یا توشیح قانون احزاب سیاسی بعضی از گروههای سیاسی ترجیح میدادند که کلمه جریان را بکار ببرند.

۱ - در جرمنی بطور مثال احزاب اولی دربرگیرنده گروههای محلی با پیوند ضعیف که با همدیگر شخصاً تفاهم داشتند. بخاطریکه چند نفر دخیل بودند. مراجعه شود به

Oskar Niedermayer, 'parties and the party System: Pluralis adn Function Change within limits', In Iudger Helm (ed): Institutions and Institution change in the federal republic of Germany, London, pp169

۲ - غبار حلقه خویشرا بنام جمعیت سری ملی یاد کرد. میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، کابل ۱۳۴۶ (۱۹۶۷)، ص. ۷۱۷. برای توضیحات عمومی در مورد مشروطیت مراجعه شود به: غبار، (ff. 716 op cit.), ص. ۷۱۶؛ عبدالحی حبیبی، جنبش مشروطیت در افغانستان، کابل، ۱۳۶۳ (۱۹۷۴)؛ میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر و جلد ۳، {کابل} .n.d. جلد ۲ ص. ۴۶۳ ff.؛ س.س. هاشیمی، افغانستان مؤثر، کابل ۱۳۵۹ (۱۹۸۰)؛

[Vartan Gregorian, The emergence of Modern Afghanistan, Standford 1968

شخص غبار در سن جوانی در جنبش مرحله دوم قانون اساسی درخیل بود. حبیبی در عصر دیموکراسی فعال بود ۱۹۴۰-۵۰

احزاب عصر اول دیموکراسی: حرکت وینس زلمیان

در سالهای ۱۹۳۰ اولین نسل روشنفکران پښتون که مربوط حکومت خاندان شاهی نبودند، و نتیجه ای از اصلاحات معارف توسط شاه امان الله بودند، حرکتی را آغاز نمودند تا لسان پښتو را ترویج دهند. این حرکت باعث تکامل نهضت اصلاح طلبانه با هدف وسیع تر در اواخر سال ۱۹۴۰، و همچنان جذب روشنفکران غیر پښتون گردید. بعضی از رهبران آن در پارلمان انتخاب شدند، نشرات و سازمانها را ایجاد کردند که برای اولین بار بنام حزب یاد کردند - نویسندگان افغان ازین دوره بنام اولین عصر دیموکراسی یاد میکنند.^{۱۶} در سال ۱۹۴۷ روشنفکران پښتون، با وجودیکه ساختار قوی نداشت، و نامش وینس زلمیان بود با بیانیه عبدالروف بینوا، شاعر پښتون^{۱۷}، حرکتی را تحت عنوان وینس زلمیان غوارو، براه انداختند. یکسال بعد در شهر کابل در ۷ جوزای سال ۱۳۲۷ (۲ می ۱۹۴۸) بتعداد ۲۲ نویسنده جوان از قندهار، ننگرهار و کابل آنرا بایک برنامه، مجالس منظم و داشتن اعضا به یک سازمان سیاسی مبدل کرده و از شاهی مشروطه، تفکیک قوه ها، انتخابات آزاد و آزادی مدنی حمایت کردند، اما آنها رهبر آنها انتخابی نبود.^{۱۸} درین مقطع، در حدود ۱۰۰ نفر بشکل گروههای فرعی در جلال آباد، قندهار و فراه فعال بودند. درعین زمان، گرسوپیهای عمدتاً تاجکهای شهری اطراف غلام محمد غبار و میرمحمد صدیق فرهنگ و مردمان عمدتاً شعبه در حلقه داکتر عبدالرحمن محمودی قبلاً از وینس زلمیان برآمده بودند. آنها بر از بیانیه بینوا بر اساس طرفداری از حکومت انتقاد نمودند. ازین تمایلات متنوع احزاب سیاسی - از نظر واحدی هسته احزاب و نظریه گفته بایکو احزاب بدوی^{۱۹} - در تاریخ افغانستان ظهور کرد. اما حرکت چندین قومی ابتدائی، روی مسایل سیاسی، به خطوط قومی از هم انشقاق یافت، خطا مهمی بود که پیوسته حرکت اصلاح طلبان افغانستان را نگران نموده است. اولین حزبیکه ساخته شد وینس زلمیان بود که توسط پښتونهای جوان و بیشتر اصلاح طلب در ۱۷ میزان سال ۱۳۲۹ (۱۸ اکتوبر سال ۱۹۵۰) تاسیس شد.^{۲۰} برنامه های آن باز هم

۱۶ - ظاهرین افغانستان در قرن بیستم، ۱۹۲۰-۱۹۰۰، تهران ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) صفحه ۸۶. واحدی، بخاطریکه به ادامه اشاره شود، آنرا بنام مشروطیت سوم یاد میکند op.cit. ص ۹۷

۱۷ - عبدالروف بینوا، وینس زلمیان غوارو، کابل نمبر ۱۳/۱۳۲۶ (۱۹۴۷)، دوم پوش. مرانامه به اساس مقاله های ۴۴ نویسنده که درین ایشان ۴ خانم است که در اوایل عین سال در کابل نشر شد (نمبرهای ۲۱۱-۲۱۲ و ۱۳۲۶ ed توسط پښتو ټولنه)، و به نهضت اسم بخشید. مراجعه شود:

Thomas Rutting, Zur Bedeutung der bürgerlichen Oppositionsbewegung der 50er Jahre unseres Jahrhunderts für die Formierung progressiver politischer Kräfte in Afghanistan, Diplomarbeit, Humboldt-Universität zu Berlin, 1985 pp. 46ff;

محمد علم بتسارکی، وینس زلمیان: د افغانستان یو سیاسی تحریک (۱۳۵۰-۱۳۲۵) و {هالند}، ۱۳۷۹ (۲۰۰۰)

۱۸ - محمد ولی خلمی، ملی مبارزی، کابل ۱۳۸۲ (۲۰۰۳)

۱۹ - واحدی... op.cit. ص ۹۷؛

Vladimir Boyko, 'The Origin of Political Parties in Contemporary Afghanistan in the light of New Archival Data', Central Asia Journal No. 46(Summer 2000), p.196

۲۰ - باتسارکی ادعا دارد که حزب از قبل در ۲۷ اسد سال ۱۳۲۸ (اگست ۱۷ سال ۱۹۴۹) تاسیس شده بود... op.cit. ص ۳۶.

که یکتعداد شان شامل جمع نخبگان می شوند، این طرز فکر یک ارزیابی نادرست و بی انصاف است. به نظر میرسد حتی بسیاری افغانها فراموش کرده اند که سازمانهای سیاسی در مملکت شان دید طولانی تاریخی داشته است. باوجودیکه نوشته های درین مورد موجود است^۸ اما این مقاله بیشتر با یک نگاه اجمالی سیستماتیک - با بنمایش گرفتن تداوم مفکوره ها و سازمان های سیاسی در تاریخ معاصر افغانستان و بحث روی اینکه احزاب در سیستم سیاسی مملکت^۹ مشروعیت داشته اند - در تلاش است بداند که احزاب سیاسی امروزی افغانستان از کجا آمده اند و در کجا موقعیت دارند.

حرکت های مشروطه خواهان

اولین مشروطه خواهان^{۱۰} نمیکوشیدند تا شاهی مطلقه را به یک رژیم شاهی مشروطه تبدیل کنند. ایشان بیشتر از یک حلقه کوچکی در داخل و خارج از دربار سلطنتی نبودند، که عمدتاً شامل روشن فکران و علمای اصلاح طلب^{۱۱} می شدند. این گروه بصورت مطلق حزب سیاسی ایرا تأسیس نکردند^{۱۲}. درست تر اینست که در مورد آغاز جریانات فکری و سیاسی همچون مصباح زاده صحبت کنیم^{۱۳}. این گروهها در سال ۱۹۰۹ با قساوت سرکوب و هفت تن از رهبران ایشان اعدام شدند^{۱۴}. از سال ۱۹۱۱ بدین طرف یک نسل جدید از مشروطه خواهان پرچم خویشرا بلند نگهداشتند که توسط یک فارغ التحصیل عثمانی (ترکیه امروزی) محمود طرزی، کسیکه عهده دار پست وزارت خارجه در دوره امان الله خان (۲۹-۱۹۱۹) بود، رهبری می شد. این گروه که بنام افغانان جوان یاد می شدند^{۱۵} باعث اصلاحات شاه امان الله شدند.

۸ - منابع افغانی عمدتاً کتابهای ریفرینس بدون ارزیابی بیشتری از لیست این گروهها است. بطور مثال مراجعه شود به مثال: الحاج محمد امین فرتن و گام به گام نهضت اسلامی افغانستان، (کابل) ۱۳۷۰ (۱۹۹۱)؛ سید محمد باقر مصباحزاده، آغاز و فرجام سیاسی در افغانستان، کابل ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) - که قبلاً در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰) نوشته شده بود اما تجدید نشده بود؛ تقی واحدی، دیروز و امروز احزاب افغانی، در: خطای سوم (مشهد)، نمر ۳-۲ (بهار/تابستان ۱۳۸۲=۲۰۰۳)، ص.ص. ۱۰۶-۹۴ همچنان مراجعه شود به: سید فدا یونس، افغانستان: احزاب سیاسی، گروهها، نهضتها، شید متحدين مجاهدین و حکومت (۱۹۹۷-۱۹۷۸).

Peshawar, n.d The major Western sources are: Oliver Roy, Islam and Resistance in Afghanistan, London and New York, 1986; Henry S Bradsher, Afghanistan Communism and Soviet Intervention, Oxford and New York, 2000; Gilles Dorronsoro, Revolution Unending: Afghanistan: 1979 the present, London 2005. On recent developments see: International Crisis Group, Political Party Assessment Afghanistan, National Democratic Institute for International Affairs, [Kabul], Spring 2006

۹- باوجودیکه این مسئله با حرکت طالبان سروکاری ندارد. درینمورد مراجعه شود به:

William Maley (ed.), Fundamentalism Reborn? Afghanistan and the Taleban, London, 1988; Kamal Matinuddin, The Taliban Phenomenon, Afghanistan 1974-1997, Karachi 1999; Ahmad Rashid, Taliban: Militant Islam, Oil, and Fundamentalism in Central Asia, New Haven, 2000.

۱۰- غبار اینرا حرکت دیموکراتیک مینامد. op.cit. ص. ۷۱۶

۱۱- از نظر غبار و حبیبی ایشان شامل سه حلقه بودند: افغانهاییکه باهم جمع شده بودند تحت نام اخوان افغان؛ معلمین هندی در لیسس حبیبیه، خویشرا بنام جان نثاران اسلام یاد میکردند؛ و بعداً گروه غلام بچه ها، فرزندان مشران قبایل که در دربار زندگی می کردند.

۱۲- شیر زمان تیزی، انقلاب ثور، پشاور، ۱۹۸۶، ص ۵

۱۳- مصباح زاده op.cit ص ۳-۲

۱۴- بعضی از ایشان زنده ماندند و با آقای طرزی در اخبار تجدید شدص سراج الاخبار کار کردند.

۱۵- حبیبی op.cit. pp. 153ff. غبار. op.ci کارگون ادعا میکند که امان الله حتی کوشید که در سال ۱۹۲۸ یک حزب سیاسی ایرا بنام استقلال و تجدد ایجاد کند.

کوشش برای ایجاد احزاب سیاسی - مشخصاً نشریک برنامه ابتدائی حزبی در جریده ندای خلق - به سرکوبی حرکت و نشریه اومنجر شد. هر دو حزب فعالیت زیر زمین داشتند و حزب وطن بدین شکل پنجسال دوام کرد.

این حزب با رهائی آقای غبار از زندان منحل شد^{۳۰}، شاید منحل شدن حزب شرط قبلی بخاطر آزادی غبار بود. علی الرغم اینکه اعضای اصلاح طلب پارلمان (نظریه ارزیابی های آنان) کاملاً موفق نبودند^{۳۱}، غبار در دوره اخیر مقننه نوشت که جبهه ملی با صداقت و اشتیاق تا آخرین لحظه تعهد خویش را بر رویه اصلاحات و آشتی بین ملت و دولت انجام داد. توانمندی ملت در راه رسیدن به حکومت دیموکراسی آشکارا بوده است^{۳۲}.

احزاب عصر دوم دیموکراسی (۱۹۶۳-۷۳) و جمهوری داود (۱۹۷۳-۷۸)

جریانات حزبی، قویتر از قبل که دربرگیرنده نسل نواز نظر سیاسی با فعالیت های از هم مجزا بود، در دوره دوم دیموکراسی بعد از آنکه ظاهر شاه به قانون اساسی سال ۱۹۶۴ و اگذاری صلاحیت کرد، دوباره عرض وجود کردند. گرچه این یک انکشاف از بالا به پائین بود، اما یک موفقیت برای مشروطه خواهان محسوب می شد که برای سه نسل بخاطر آن مبارزه کردند. بعد از تصویب و تأیید قانون لازم از مرجع اش بخاطر تأسیس احزاب سیاسی یک سلسله مکمل گروپ های سیاسی که منتظر چنین فرصت بودند، ظهور کردند که چپی ها، میانه روها، محافظه کاران و اسلام گراها را شامل می شدند. بسیاری ایشان، همچون پانزده سال قبل، در اطراف نشراتی که جدیداً ظهور کرده بودند تبلور یافتند^{۳۳}. اما بلاخره که بعد از دو سال بحث و گفتگو روی آن از پارلمان گذشت، شاه از امضای آن طرفه رفت^{۳۴}. سیقل آنرا یک اشتباه مصیبت بار میخواند^{۳۵}. طوریکه چپ گراهای افراطی و اسلام گراهای بنیادی، که شاه میخواست آنها را متوقف سازد، به رشد خویش ادامه دادند که سرانجام نظم سیاسی را تحت شعاع قرار داد. چپی ها به سه جریان تقسیم شده بودند. اول حلقات مکتب مارکسیستی بود که در آغاز بهار سال ۱۹۶۰ منحیث اولین واحد سازمان یافته^{۳۶} سر بلند کردند که باعث ظهور حزب دیموکراتیک خلق افغانستان که تره کی مقام منشی عمومی کمیته مرکزی و کارمل سمت معاونیت او را داشت در اول جنوری سال ۱۹۶۰ گردید. این گروه بخاطر نبودن قانون احزاب خود را حزب خطاب نکردند، بلکه حرکت خویش را جریان

۳۰ مصاحبه نویسنده در کابل ۱۹۸۳/۸۴

۳۱ - نطق آقای سخی امین خان وکیل دوشی وطن (کابل)، ۱۲ جدی ۱۳۳۰ (۱ جنوری ۱۹۵۲).

۳۲ - غبار، درشورا چه کردیم؟ وطن (کابل)، ۱۲ جدی ۱۳۳۰ (۱ جنوری ۱۹۵۲)..

33F - or list, see: Dupree, op. cit., pp. 602-67

۳۴ - رسولی، op. cit., ص ۲۵۳-۲۵۲

۳۵ - سیقل، op. cit., ص ۱۵۵.

۳۶ - طنین op.cit. ص. ۱۲۹ از سه ذکر میکند، یکی توسط غبار رهبری شد، Bradsher, op. cit., p.3ff lists five, اولین بار در سال ۱۹۵۶ توسط

ترکی آغاز شده بود.

روی مسایل پنبتونها تمرکز داشت - و روی همکاری با دولت ملی تأکید داشت^{۲۱} این حزب فعالانه جلب و جذب میکرد و اعضای آن تا سال ۱۹۵۱ به ۸۱۶ نفر رسید^{۲۲}. این جریان با تأسیس حزب وطن در جدی سال ۱۳۲۹ (دیسیمبر/جنوری سال ۱۹۵۱/۱۹۵۰) توسط غبار و تأسیس حزب خلق به رهبری داکتر عبدالرحمن محمودی در اوایل سال ۱۹۵۱ دنبال شد. هر دو حزب شعارهای طرفدار دیموکراسی سر میدادند: حکومت ملی، انتخابات آزاد و تأسیس احزاب سیاسی. اما حزب خلق بخاطر خواستهای حقوق دیموکراتیک با افزودن عدالت اجتماعی و مبارزه بر علیه استثمار یک اندازه دستورالعمل (اجندای) چپی داشت^{۲۳}.

بعد از آنکه حکومت جدید فضای سیاسی ایرا گشود که در ظاهر دیگر به انتخابات مداخله نخواهد کرد، پنج تن از رهبران وینب خلمیان در سال ۱۹۴۹ در ولسی جرگه پارلمان افغانستان راه پیدا کردند^{۲۴}. برای اولین بار آراء سَری بکار رفت^{۲۵}. به اثر نفوذ واقعات کشور همسایه ایران بعد از اتحاد مصدق (نخست وزیر پیشین ایران)، این پنج تن خویشرا جبهه ملی نامیدند^{۲۶} - این اولین گروه پارلمانی در افغانستان بود. این گروه با یازده عضو دیگر پارلمان وحدت کردند و از ۳۰ تا ۴۰ عضو دیگر پارلمان از اجندای اصلاح طلبانه ایشان حمایت کردند^{۲۷}. در بین پیشرفتهای عمده ایشان قانون یک اندازه ازاد مطبوعات که در جنوری ۱۹۵۱ راه را برای مثنی از انتشارات کوتاه مدت، که از اجندای کاری ایشان حمایت میکرد، باز کرد^{۲۸}. در شمال افغانستان، اتحاد و ترقی یک گروه بیشتر پیر و اندیشه های طرفدار ترکی ها که عمدتاً فعالیت زیر زمینی داشتند، و همچنان در ولسی جرگه نماینده داشتند و با جبهه متحد همکاری داشتند بوجود آمد^{۲۹}.

۲۱- د وینب خلمیان مرانامه (نشر نشده)

Boyko, op.cit.p.193

۲۲- کابل، قندهار، جلال آباد، گردیز، مزار شریف، بغلان، میمنه، پلخمیری، هرات. مراجعه شود به:

23 -Ruttig, op.cit., pp 71-72, 75ff.: Amin Saikal, Modern Afghanistan, London 2004, p. 115

۲۴ - غبار و داکتر طب شعبه داکتر عبدالرحمن محمودی اصلاً از هزاره های جاغوری ولایت غزنی، در کابل؛ عبدالحی حبیبی در قندهار؛ شاعر پنبنتو توگل پاچا الفت در ولایت شرقی و محمد کریم نزهی از شهر اند خوی شمال افغانستان مراجعه شود ته:

Rutting, op.cit.p.57ff

س۲۵- واحدی .op.cit .رحیم .op.cit.

۲۶- غبار در شورای ملی چه کردیم؟ وطن (کابل) ۱۹ جدی ۱۳۳۰ (۸ جنوری ۱۹۵۲)

27-Louis Dupree, Afghanistan, Princeton 1973, p. 494; Grassmuck, L.W Adamac and F.H. Irwin, Afghanistan: Some New Approaches, Ann Arbor 1969, p. 153

۲۸ - انگار، یا (ایمر) با فیض محمد انگار بحیث سردبیر؛ وطن، وی پدروطن، غبار بحیث ناشر و فرهنگ بحیث سردبیر؛ ندای خلق محمودی بحیث ناشر؛ وولس الفت بحیث ناشر وعلی محمد شنواری بحیث سردبیر. هیچکدام بیشتر از ۱۵۰۰ کاپی است. مراجعه شود:

Rutting, op.cit., pp. 67-73; Dupree, op. cit., pp. 67-73; Dupree, op. cit., p. 495; 'Meguyand', Watan (Kabul), 9 Jauza 1330 (29 May 1951);

محمد کاظم آهنگ و محمد ظاهر صدیق مطبوعات ته یوه کتنه، د مطبوعات ود ورغ په ویاړ، کابل ۱۳۵۱ (۱۹۷۲)؛ مصاحبه نویسنده در کابل ۱۹۸۳/۸۴. ۲۹ - توسط دو برادر، اعضای پارلمان محمد نظر نوا و ابوالخیر خیری رهبری می شد و بعداً این نهضت ستراتژی قیام مسلحانه را پیش کش کردند و گفته می شود که این نهضت مقدمی ستم ملی اند. این اسم توسط مشروطه خواهان جوان امپراطوری عثمان در سال ۱۸۷۰ استعمال شد. این گروه جدیداً در ادبیات استعمال شده است مراجعه شود به: راه آینده، 10 §. op. cit., p. 10.

آن، مساوات، شناخته می شد - توسط محمد هاشم میوند وال که در بین سالهای ۶۷-۱۹۶۵ بحیث صدراعظم ایفای وظیفه میکرد، رهبری میشد. مساوات بصورت سوسیالیست معتدل با تمایلات طرفدار سلطنت و طرفدار اسلام^{۴۱} تعریف شده که خبرگان پبنتون که قبلاً هواخواه وینس خلمیان^{۴۲} بودند به آن علاقه مندی داشتند. گروه میوندوال با افغان ملت رقابت میکرد. اسم بهتر شناخته شده سوسیال دیموکرات افغان^{۴۳} بود که در سال ۱۹۶۶ توسط غلام محمد فرهاد^{۴۴} بنیان گذاری شده بود.

افغان ملت در بین افغانها عمدتاً بخاطر حمایتش از یک افغانستان بزرگتر (یا پبنتونستان)، بنام پبنتونست و حتی توسط منتقدینش بنام فاشیست یاد می شد. رهبر آن در عین زمان بصورت قوه سومی که معتدل، ملی و مترقی است، شناخته می شد.^{۴۵} در اسلام گراهای راست، گروهی بودند که از اخوان المسلمین الهام میگیرفتند. اینها شامل آن استادان دانشگاه بودند که در اظهر قاهره تحصیل کرده بودند. در دانشگاه اظهر همه کشورهای اسلامی بشمول افغانستان سهمیه تحصیلی داشتند. اولین حلقه اسلام گراها در اطراف غلام محمد نیازی، رئیس فاکولته شرعیات دانشگاه کابل، در سال ۴۶ ۱۹۵۷ گرد آمدند. در سال ۱۹۶۹ بخش محصلین این حرکت، به رهبری عبدالرحیم نیازی تحت نام جوانان مسلمان سر در آورد، که بنوبه خویش، با عضویت منظم و یک شورای رهبری، در سال ۱۹۷۳^{۴۷} به جمعیت اسلامی تغییر شکل یافت. گروه کم جذبه دیگری بنام خدام الفرقان در اواسط سال ۱۹۶۰ از بین علما به اثر نفوذ یکی از بزرگان خاندان مجددی، ابراهیم مجددی^{۴۸}، ظهور کرد. ساختار گروه سیاسی در بین اقلیت شعبیه به حرکت رنسانس فرهنگی بر میگردد که توسط شخصیت تحصیل یافته اموردینی از ولایت جوزجان، سید محمد اسماعیل بلخی، بزودی بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد. دربیانات و موعظه های خویش وی خواستار حقوق

41- Anthony Hyman, op.cit., p. 58. Sarajuddin Rasuly, Die politischen Eliten Afghanistan: Ihre Entstehungsgeschichte, ihre Bedeutung und ihr Versagen in der Gegenwart, Europäische Hochschulschriften.

۴۲ - این حزب بعد از سقوط طالبان از سر گرفته شد. رهبر آن محمد ولی آریا سردبیر روزنامه مساوات در سال ۱۹۶۰ بود و در امریکا زندگی دارد. مصاحبه نویسنده در سال ۲۰۰۶ در کابل

نوت: نجیم آریا سردبیر روزنامه مساوات بود که در امریکا در گذشت و ولی آریا پسر آریاست که در کلیفورنیا زندگی میکند.

43 - Supported by the German SPD, it had to advocate giving an Afghan SI seat to Hezb-e Kangara, instead. The SI website currently does not list a Afghan party either as member, consultative or observer party.
<http://www.socialistinternational.org/maps/english/asia.htm>

۴۴ - در سال ۱۹۴۸ فرهاد اولین شهردار انتخابی کابل بود. از سال ۱۹۳۴ وی در آلمان نازی درس میخواند و مجذوب بعضی از پالیسی های آن شده بود. عبدالحمید مبارز، تحلیل و قایه سیاسی افغانستان ۱۹۹۶-۱۹۱۹ {کابل} ۱۳۷۵ (۱۹۹۶)

۴۵ - با سردبیری انجنیر استفالال، افغان ملت (پشاور) ۵ جنوری سال ۱۹۸۸
<http://www.afghannelat.de/farhad/Farhad.htm>

46 - M. Hassan Kakar, Afghanistan: The Soviet Invasion and the Afghan Response, 1979-1982, Berkley, Los Angeles and London 1995, p. 86.

نیازی در زمان جمهور داود اعدام شد.

47 - David B. Edwards, Before Taliban: Geneologies of the Afghan Jihad, Berkeley, Los Angeles and London, 2002, pp 200-201

48 - Edwards, op. cit., p. 255 Dorronsoro (op.cit., p. 69) writes that it emerged in the 1950s in heart under Faizani and only later moved closer to the Mujaddedi family. This seems to be incorrect. Faizani, instead, kept links to Jawanan-e Muslimin

دیموکراتیک خلق نامیدند. این حزب در اسناد خویش از ذکر اصطلاحات مارکسیست-لنینیست اجتناب کرد، اما نظریه ادعای یکی از بنیان گذاران آن، کریم میثاق هدف خویشرا که تأسیس جامعه سوسیالیستی بود پنهان نکرد^{۳۷} با آنهم حزب دیموکراتیک خلق افغانستان هیچگاهی موفق نشد به اتحاد داخلی نایل شود و دوحلقه مکتبی قبلی آن منحنیتهای گروههای عمده، خلق و پرچم، که بعد از نشریه اول جریده ایشان نام گذاری شد، دوباره ظهور کردند. در آگست ۱۹۶۰، ستم ملی^{۳۸} تحت رهبری طاهر بدخشی، که فکر میکرد ملیت گرائی نسبت به گرائیهای طبقاتی مهمتر پنداشته می شود، انشعاب کرد. ستم ملی مخلوطی از چپ گراها و ملیت خواهان بابیان مائوئیست گرایانه به بسیج روستا تأکید دارد. دوم، جریان دیموکراتیک نوین معمولاً بحیث مائوئیست^{۳۹} توضیح داده می شود. اعضای آن بعد از نشر جریده شعله جاوید، که ۱۱ شماره آن در سال ۱۹۶۸ نشر شد، بنام شعله ای شناخته می شد. جریان دیموکراتیک نوین توسط عبدالرحیم و عبدالهادی محمودی اقارب مؤسس فقید حزب خلق/نوای خلق، داکتر محمودی یکجا با دو برادرهای هزاره جاغوری، اکرم و صادق یاری، بنیان گذاری شد.

در اکتوبر ۱۹۶۵، این گروه یک سازمان پنهانی را بنام سازمان جوانان مترقی تأسیس کردند، که هیچگاهی عرض وجود نکرده و اسم آن به عام نرسید، و بلاخره موجودیت اش در سال ۱۹۷۲ به پایان رسید. سوم، یک تعداد گروههای چپ گرای میانه رو بودند. یکی از آن توسط یک مشروطه خواه مسن آقای غبار رهبری می شد که در ابتدا در آمادگیهای اولی تأسیس حزب دیموکراتیک خلق افغانستان سهم داشت، اما قبل از تشکیل رسمی حزب بیرون رفت. یک گروه گمنام دیگر توسط فرهنگ رهبری می شد که سوسیال دیموکرات خوانده می شد. وقتا که قانون احزاب توشیح نشد^{۴۰} فعالیت خویشرا توقف داد. حزب سومی که ظهور کرد بنام حزب دیموکراتیک مترقی افغانستان - در بین خوانندگان افغانی بهتر بنام نشریه

۳۷ - ظاهر طنین op.cit ص ۱۳۱ در بیانیه خویش به مناسبت بیستمین سالروز حزب دیموکراتیک خلق افغانستان کارمل حزب دیموکراتیک خلق افغانستان را بنام حزب پرولتاریائی همه کارگران افغانستان نامید یک اصطلاح لنینیستی که اعمار افغانستان را به اساس سوسیالیزم میخواست. مراجعه شود به:

Die DVPA - Triebkraft und Organisator des Kampfes des afghanischen Volkes für nationalen und sozialen Fortschritt, Rede Babrak Karmals...unofficial translation, GDR Embassy, Kabul, p. 1

۳۸ - این اسم رسمی نبود اما به خاصیت اصلی دکتربین حزب اشاره می شد، مبارزه بر علیه تفوق پشتون بالای دیگر گروههای قومی. در داخل گروه بنام محفل انتظار نامیده می شد مراجعه شود:

Überblick über die historische Entwicklung und des heutigen Kurs der Revolutionären Bewegung der Werktätigen Afghanistans (SAZA), [Kabul] Jauza 1362 (May/June 1983), working translation, GDR Embassy in Kabul

برعلاوه آن حد اقل سه گروه حزب دیموکراتیک خلق افغانستان که حزب را ترک کرده بودند و از سال س بحزب پیوستند. گروه کار به رهبری انجنیر امان الله استوار عمدتاً در بین ازبکها و ترکمنهای سمت شمال فعال بود؛ جمعیت انقلابی زحمت کشان افغانستان (JAZA) به رهبری ظاهر افق قندهاری، که حزب دیوکراتیک خلق افغانستان را بخاطر چپ افراطی بودن انتقاد قرار میداد؛ خلق کارگر به رهبری دستگیر پنجشیری و یک گروه بدون نام دیگر تحت رهبری داکتر عبدالکریم زرغون که توسط رژیم حزب دیموکراتیک خلق افغانستان کشته شد.

Author's interviews in Kabul, 1983/84; see also: Taizi, op. cit., p. 45; Bradsher, op. cit., p13

39- Hayman remarks that it was not so closely aligned to Peking as to deserve such a simplistic description'. See: Hyman, op. cit., p.59. Afghan involved with the movement insist that this was not an organization but a slogan derived from Mao Zedong's 'new democracy'!

۴۰ - فرهنگ گفت وی احساس میکند که به احزاب لیبرال با تمایلات اجتماعی نزدیکی دارد و از سوسیالیزم حزب کانگرس هند هواخواهی دارد.

See also: Hurst Büscher, 'Demokratisierung und Ansätze zur Parteienbildung in Afghanistan', Forschungsinstitut de Friedrich-Ebert-Stiftung, Vierteljahresberichte, Problem der Entwicklungsländer, Vol. 39 (1970), p.22.

بخشید^{۵۵}. به دنبال آن سرکردگان عمده اسلام گراها به پاکستان رفتند جائیکه ایشان جواب سازمان استخبارات نظامی پاکستان^{۵۶} را در مقابل برنامه شورش افزائی پبنتونها و بلوچهای^{۵۷} داود خان شکل دادند. تلاش یک قیام جدی، که هر دو احمد شاه مسعود و گلبدین حکمتیار در آن شرکت داشتند، در ۲۲ جولای سال ۱۹۷۵ شکست خورد و باعث انشعاب جمعیت اسلامی گردید. درحالیکه ربانی با این نام تنظیم خویشرا ادامه داد، حکمتیار وقاضی محمد امین و قار حزب اسلامی افغانستان^{۵۸} را تأسیس کردند. با دیدن تجسم آرمان پبنتونستا بزرگ، گروپهای اقوام غیر پبنتون و مائوئیستها مبارزه مسلحانه خویشرا در مقابل رژیم داود شدت بخشیدند. طوریکه یکی از فعالین سیاسی سابق^{۵۹} میگوید، انکشافات در حرکت بین المللی مائوئیزم و حزب کمونست چین - برخورد آن حزب به ارتباط لین بیاو - ، جنگهای چریکی امریکای لاتین و چندین گروپهای انقلابی ایرانی روی نهضت مائوئیستی در افغانستان انعکاس داشته است که نتوانست منحیت یک سازمان واحد به بقای خویش ادامه دهد و در سال ۱۹۷۲ به چندین گروپ انشعاب کردند.

احزاب در دوره جنگ و مقاومت

اسلام گراها بعد از کوتای هفتم ثور (نظر به گفته حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، انقلاب ثور)، در سال ۱۹۷۸ مشخصاً بعد از حمله شورویها در کریسمس سال ۱۹۷۹ کسب اهمیت کردند. ایشان از کمکهای وسیع نظامی و مالی ایکه عمدتاً از طرف اضلاع متحده امریکا و عربستان سعودی سرازیر میشد و از طریق آی اس آی^{۶۰} سهم بندی میگردید، واز تصمیم پاکستان مبنی به محدود ساختن جریان این کمکهای صرفاً به گروپهای سنئ مقیم پشاور، تنظیمهای نام نهاد هفتگانه^{۶۱} پشاور، بهره گیری کردند. گروپهای چپی و ملی از این ملزومات بی بهره شدند^{۶۲}. پاکستان همچنان تلاش برگزاری دولویه جرگه راکه سران قبایل را در مقابل اسلام گراها قوت بیشتر می بخشید مانع شد.

از ابتدای جنگ مقاومت اسلامیستها به تنظیمهای مختلف پارچه شدند. کوششهای امریکا و پاکستان بخاطر آوردن ایشان تحت چتریک سازمان صرف برای مدت زمان کوتاه اتحاد و بعداً تشکیل گروه جدید

۵۶ - ISI مسؤل جمع اوری اطلاعات و فهرست کردن استخبارات خارجی و داخلی، هموار ساختن همکاری بین اردوی سه گانه پاکستان می باشد. این اطلاعات استخباراتی می تواند از منابع نظارت استخباراتی (Surveillance)، گرفتن اطلاعات استخباراتی در وسط دو جانبیکه در مفاهمه اند (Interception) نظارت به جریان مخابرات، اجرای عملیات تهاجمی، جمعآوری اطلاعات یا خدمات جاسوسی در اثنای حرب باشد.

۷۵ - فرهنگ op.cit. ۵۰۰ جنگجو و ۱۵۰ قوماندان که در بین ایشان مسعود و حکمتیار در پاکستان درینفرصت در پاکستان آموزش دیده بودند. مراجعه شود به: Bradsher, op. cit., pp

۵۸ - تیوریهی هم وجود دارد که این انشعاب به علت این منازعه بود که ایا حزب سوسیالیست مترقی (گروپ میوند وال) درین مقاومت مسلحانه سهم بگیرد یا نه؟

۵۹ - مصاحبه نویسنده کابل ۲۰۰۶

Steve Coll, Ghost Wars, New York, p.344; Loretta Napoleoni, Modern Jihad: Tracing the Dollars Behind the Terror Networks, London and Sterling 2003, pp. 79-83

۶۱ - تنظیم کلمه ایست که توسط اکثر افغانها به آن احزاب مجاهدین سنئ اطلاق می شود که برعلیه رژیم حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و شورویها در بین سالهای ۱۹۹۲ - ۱۹۷۸ - جنگیدند. امروزها بعضی منابع غربی ایشانرا گروپهای جهادی مینامند.

62- Coll, op. cit, p. 165; Muhammad Isma'il Akbar, Fale-e akher, Peashwar, 1382 (2003), p. 140

مساویانه برای شیعه - موضوعیکه تا هنوز در بین فعالین بلند پایه همه شیوه های سیاسی شیعه به آن اشاره می شود - و دیموکراسی شدن کشور شد^{۴۹} بعضی از گروههای دیگر که توسط وی و نفوذ ایرانیها، بطور مثال علی شرعیتی اسلام بدون روحانی الهام یافته بودند، در دهه ۱۹۶۰ شروع شد و بعد از کودتای سال ۱۹۷۳ تبدیل به گروه مقاومت شدند. مهمترین آنها اسلام مکتب توحید تحت رهبری مولینا محمد عطاوالله فیضانی^{۵۰} و سازمان مستضعفین^{۵۱} بودند. دپری (Dupree)^{۵۲} تخمین میکند که در آن روزها خلق ۲۵۰۰، پرچم ۲۰۰۰-۱۵۰۰، مائوئیستها و اسلام گراها به عین تعداد پیرو داشتند. دوراسورو (یک نویسنده) مینویسد، در بین عناصر اسلامیستها و کمونستها غلبه قومی خاص بصورت آشکار دیده نمی شد. در حقیقت پنبتونها، تاجکها و هزاره ها در همه جریانات سیاسی موجود بودند. از جانب دیگر دسته های داخلی آنها و اکثر گروههای متجزا و اصحاً تقسیم اجتماعی را به اساس قومی، مذهبی و منطوقوی بار آوردند^{۵۳}. در سال ۱۹۶۵، بعضی از رهبران حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و اسلام گراها موفقانه در مبارزه انتخابات پارلمانی شرکت کردند، اما طوریکه ۱۵ سال قبل انجام داده بودند رسماً خویشرا بیطرف معرفی کردند. برای اولین بار ایشان مبارزه انتخاباتی ایرا با نطقها و راه پیمائی براه انداختند که باعث جذب هزارها کابلی شدند. مائوئیستها، به عقیده عدم اعتماد به پارلمان، ازین جریان دور قرار گرفتند.

دولت یکبار دیگر عکس العمل نشان داد و با انتخابات سال ۱۹۶۹ دست بازی کرده^{۵۴} و سرکوبی موج از اسلام گراها را آغاز کرد. اینواقعه سقوط سلطنت را در سال ۱۹۷۳ توسط شهزاده داود، که مقام خویشرا به اثر قانون اساسی سال ۱۹۶۴ از دست داده بود، با اتحاد با رده های رهبری عضو حزب دیموکراتیک افغانستان شدت

۴۹ - بلخی (۶۸-۱۹۲۲) به اتهام کودتا بر علیه شاه محمود خان در زندان افتاد - دسیسه نام نهاد گاو سوار در سال جدید افغانستان ۱۳۴۷/۴۸ (۱۹۴۹) و برای ۱۴ سال در زندان باقی ماند مصاحبه مؤلف در کابل همچنان مراجعه شود به:

Edwards, op. cit., p 326, M I. Akbar, Rah-e Ayenda (o.cit.) p. 2

۵۰ - فیضانی بعد از کودتای ثور احتمالاً کشته شد. برای تشریحات بیشتر مرجهه شود به:

۵۱ - این سازمان در ابتدا توسط سازمان ضد شاه، مجاهدین خلق الهام گرفته و در سالهای ۱۹۷۷/۷۸ نام مجاهدین خلق افغانستان را بخود اختیار کرد. این حزب بزودی از ان فاصله اختیار کرد و نام جدید مستضعفین را بخود اختیار کرد. این سازمان شامل سنی، شیعه و هزاره، تاجک و ازبک می شد.

۵۲ - لويس دپري درفش سرخ در فراز هندوکش

Louis Dupree, 'Red Flag over Hindu-KushPart V, AUFS report no. 28, 1982, p.3

53 - Dorronsoro, op. cit., p. 72

۵۴ - حزب دیموکراتیک خلق افغانستان حد اقل هشت نامزد داشت. بیرک کارمل رئیس حزب پرچم و رئیس جمهور سالهای ۸۵-۱۹۷۹، اناهیتا راتب زاد، وزیر معارف جمهوری دیموکراتیک افغانستان، نور محمد نور و فئضان الحق فیضان بردند؛ ترکی، امین، کستمند، و شرعی جوزجانی باختند و همچنان مجید کلکان از جمله بازنده ها بود. در بین انخاب شده فرهاد (افغان ملت) فرهنگ، و بین خلمی الفت، خانم معصومه عصمتی (دروایت قندهار) یک اسلام گرا محمد نبی محمد که بعداً حزب حرکت انقلاب اسلامی رهبری میکرد. در سال ۱۹۶۹ از حزب دیموکراتی خلق افغانستان کارمل و امین برنده بودند در حالیکه فرهنگ باخت و انتخاب میوند ممانعت شد. مراجعه شود به: رسولي op.cit ص: ۲۰۰؛ طنین... ص: ۱۴۷۴؛ مصاحبه مؤلف کابل، ۲۰۰۶ و

Büscher, op. cit., pp. 14, 16; Arnold, op. cit., pp. 31-32, 42

۵۵ - پسر کاکای ظاهر شاه که تا قانون اساسی سال ۱۹۶۴ در افغانستان تسلط داشت؛ وزیر دفاع تا سال ۸-۱۹۴۶؛ وزیر داخله در سالهای ۱۹۴۹-۵۱ صدر اعظم در سالهای ۱۹۵۳-۶۳ و بعد از آنکه سیستم سلطنتی را سقوط داد رئیس جمهور افغانستان از سال ۱۹۷۳-۷۸؛ و خود وی در کودتای ۷ ثور سال ۱۹۷۸ سرنگون شد و کشته شد.

توسط یک تاجک، بیرک کارمل بعد از حمله شورویها تعویض شد فعالیت خویشرا کاهش دادند. یکی از گروههای موفق مقاومت سازمان آزادی بخش مردم افغانستان (ساما) بود که در تابستان سال ۱۹۷۹ توسط عبدالمجید کلکانی^{۷۰} تشکیل شد. این گروه با وجودیکه مائوئیست یاد می شد، اما در حقیقت مخلوطی از شعله ها که همچو رهبر افسانوی ایشان چپ گراهای آشتی ناپذیر آشتی ناپذیر محسوب می شدند و گروه از نظر سیاسی سرکش مربوط کلکانی بود. در جنوری سال ۱۹۸۰، ساما یک پیمان وسیع تری را که در برگیرنده بعضی از شعله ای های سابق و ستمی های سابق، نشنلستهای چپی پنبنتونها، و رهبرهای مذهبی از قبیل پیروبی از هرات آغاز کرده خویشرا بنام جبهه متحد ملی افغانستان^{۷۱} نامیده و اندیشه جمهوری خواهی کلکانی^{۷۲} را دنبال کردند. ساما بزودی تحت فشار نظامی جمعیت و حزب اسلامی قرار گرفت. کلکانی در فبروری سال ۱۹۸۰ گرفتار شد و بعد از چهار ماه اعدام شد. بعضی از رهبران ساما بخاطر تسلیمی با دولت گفتگو کردند که به انشعابات بیشتر در حزب ایشان انجامید^{۷۳}. گروههای چپ گرای زیر زمینی دیگر پیکار (نام مکمل آن سازمان پیکار برای رهائی بخش افغانستان) - جانشین سرخا (سازمان رهائی بخش خلق افغانستان)^{۷۴} که توسط رژیم نابود شد، رهائی (سازمان رهائی بخش خلق افغانستان) و سازمان فدائیان زحمت کشان افغانستان (سفزا) یک شعبه از ستم ملی بودند. بعد از یک قیام با آمادگی ناقص در بدخشان در سال ۱۹۷۹ رهبران مولوی (بهاؤالدین) بحرالدين بائیس، که روش خود را یک اسلام سوسیالیست میدانست، گرفتار و کشته شد. دیگر رهبران سفزا در سال ۱۹۸۴ دوباره به حزب دیموکراتیک خلق افغانستان پیوستند^{۷۵}. در انسوی خط پیش، حزب دیموکراتیک خلق افغانستان بعد از گرفتن قدرت در ۱۱ ثور سال ۱۳۵۷ (۲۷ اپریل سال ۱۹۷۹) دولت یک حزبی را تاسیس کرد. توسط رژیم خلقی پنج گروه دشمن اعلان شدند: پرچمی ها، اسلام گراها، مائوئیستها، ستمی ها، افغان ملت^{۷۶} و همچنان خبرگان مستقل که بسیاری ایشان گرفتار و در بعضی اوقات با تمامی فامیلشان کشته یا ناپدید شدند^{۷۷}. تصفیه کاری بر علیه پرچمی ها، و بعداً وقتیکه پرچمی ها قدرت را گرفتند بر علیه خلقی ها حزب را بصورت دائمی بدو گروه منشعب ساخت.

۷۰ - نظریه راپور، گروه کلکانی قبل از قبل در سالهای ۱۹۶۲/۶۳ تحت نام جمهوری خواهان موجود بود. مصاحبه نویسنده، کابل ۲۰۰۶

71 - Dorronsoro, op. cit., pp. 213-214; Taizi, op. cit., p.114; author's interviews in Kabul, 2005/06

۷۲ - حکیم توانا وف. ندیب، شکست ستراتیژی مائوئیسم در افغانستان، {n.d. کابل، ۱۹۸۷ یا ۱۹۸۸} و ص ۴۶۶

۷۳ - مصاحبه نویسنده در کابل، ۲۰۰۵/۰۶

۷۴ - در ماه دسیمبر سال ۱۹۷۹ تاسیس شد، این گروه پیرو فدائیان خلق ایران (اکثریت) بود. توانا و ندیب op.u صاحبه نویسنده، کابل ۲۰۰۶

۷۵ - م. اکبر، فصل اخر op.cit، صفحه ۲۳؛ مصاحبه نویسنده در کابل، ۲۰۰۶

76 - Fred Holliday and Zahir Tanin, 'The Communist Regime in Afghanistan 1978-1992: institutions and Conflicts', Europe-Asia Studies, Vol.50, No.8 (Dec 1998), p. 5.

۷۷ - س در جهت اسلام گراها قضیه غلام محمد نیازی از همه برجسته تر بود، در حالیکه رهبران سه حزب چپی مخالف کشته شدند: طاهر بدخشی، بهاؤ الدین باعث، عبدالمجید کلکانی، اکرم و صادق یاری. قبلاً در زمان داؤد کشته شده بود؛ عبدالب رسول سیاف یکی از نادر خوش چانسهای بود که واضحاً به اثر مدخله و پندارش حفیظ الله امین که هر دو از قوم خروتی تبار پنبنتون و یغمانی بودند از بند آزاد شدند.

یرا نتیجه شد. حرکت انقلابی اسلامی افغانستان و اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان هر دو به مفهوم اتحاد بود اما بزودی به گروه‌های جدید مبدل شدند، که توسط محمدی و سیاف رهبری شد. دورونسورو (Dorransoro) این موضوع را بخوبی بیان میدارد که: قومیت، نی، بلکه سازمانهای سیاسی با اهداف ایدیالوژیکی و فعالیت‌های نهادینه سازی^{۶۳} بود که جنگ را بار آورد، درحالیکه تنظیمها به اساس خطوط قومی و نژادی همچنان به بسیج خویش ادامه میدهند.

مقاومت از جانب شعیه ها بدو مرحله تقسیم شده می تواند: یک حرکت موفق همگانی در بین سالهای ۸۳-۱۹۷۸، تحت رهبری شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان، و دوم مرحله در حال جنگ که از ظهور گروه‌های هزاره با پشتیبانی ایران بوجود آمد^{۶۴}. گروه‌های مقاومت شعیه شروع به از هم پاشیدگی کردند؛ برادشیرتا تابستان ۱۹۷۹ به تعداد ۳۷ گروه را برشمرد^{۶۵}. شورا، یک سازمان محافظه کار اسلامی، وقتی عرض وجود کرد که رهبر شورشیها، عمدتاً از نخبگان سلسله خانهای قدیم تقریباً از همه ساحات هزاره نشین، در سپتامبر ۱۹۸۱ با هم یکجا شدند، و یک اداره موازی را در ساحه کنترل خویش تشکیل دادند^{۶۶}. از سال ۱۹۸۳ به بعد، رهبری تهران گروه‌های پراکنده افغان طرفداران خمینی را به سمتی تحت فشار قرار دادند تا در اطراف پاسداران و نصر^{۶۷} با هم آیند. ایشان بیرحمانه شورا و اساس اجتماعی آنرا سرکوب کردند که جنگ داخلی هزاره جات را بار آورد. در سال ۱۹۸۷، تهران هشت^{۶۸} گروه عمده شعیه - به اصطلاح گروه هشتگانه یا تهران هشت را تحت نام شورای ایتلاف اسلامی افغانستان متحد ساخت که در سال ۱۹۸۹ حزب وحدت اسلامی بوجود آمد. اینحزب اولاً توسط عبدالعلی مزاری و بعداً توسط عبدالکریم خلیلی رهبری می شد. حزب حرکت اسلامی افغانستان تحت رهبر مذهبی خویش شیخ آصف محسنی^{۶۹}، بزودی حزب اکثریت هزاره را ترک کرده و یگانه حزب شیعه غیر هزاره را تشکیل داد. بداخل حزب وحدت گروه‌های سازنده آن، خصوصاً در ساحات روستائی، ارتباط خویش را حتی تا به امروز حفظ داشتند. در همه این مدت مستضعفین یک اندازه استقلالیت سازمانی خویشرا حفظ کرد. بر علاوه پشاور هفت و تهران هشت، یکتعداد از گروه‌ها مسلح دیگر مبارزه خویشرا بر علیه روسها ادامه دادند که خود باعث بقای سازمانی ایشان میشد. حد اقل در سال اول، گروه‌های مائوئیستی بجنگ شدید چریکی بر علیه رژیم ادامه دادند. در عین زمان ستم ملی سازا، خصوصاً بعد از آنکه رهبر پنبنتون حزب دیموکراتیک افغانستان

63 - Dorransoro, op. cit., p15.

64 - S.A. Mousavi, The Hazaras of Afghanistan, Richmond 1998, p. 180. See also; Niamatullah Ibrahim, The Failure of a Clerical Proto-State, Hazarajat 1979-1974, Crisis State Research Center, London School of Economics, Working Paper no. 6.

65 - Bradshir, op. cit., p.189

۶۶ - موسوی op.cit. فرزند موسس علی بهشتی، سید محمد جمال فخری بهشتی، فعلاً عضو ولسی جرگه

۶۷ - نصر قبل از انقلاب ثور ۱۹۷۸ متحد اسلام گرای انقلابی و گروه چپ اسلامی که بعداً بخاطر رد کردن مفهوم ولایت فقه خمینی اخراج شد. مصاحبه نویسنده، کابل ۲۰۰۶. همچنان به رسولی صفحه ۲۰۵

۶۸ - سازمان نصر، تحت رهبری عبدالعلی مزاری؛ پاسداران جهاد اسلامی تحت رهبر محمد اکبری؛ حرکت اسلامی افغانستان تحت رهبری آصف محسنی نهضت اسلامی تحت رهبری علی افتخاری؛ جبهه متحد انقلاب اسلامی (بذات خویش اتحاد چهار حزب) تحت رهبری یوسف علی ذکی؛ حزب دعوت اسلامی تحت رهبری شیخ حسین قره باغی؛ حزب الله تحت رهبری یزدان علی وثوقی؛ سازمان نیروی اسلامی تحت رهبری حجت الاسلام سید محمد ظاهر محقق کابلی. رجوع شود به موسوی op.cit. ص.ص. ۱۸۵، ۲۴۹-۲۴۷.

۶۹ - در ابتدا این گروه نیز تحت نفوذ اندیشه های انقلابی علی شرعیتی بود؛ و تا سال ۱۹۹۰ از ان چیزی نمانده بود. محسنی شاگرد اسماعیل بلخی بود. مراجعه شود به موسوی ۱۱

مستقل را ایجاد کرد؛ گروههای مائوئیست به حدا نفوذ کردند که عبدالحکیم توانا یکی از کادرهای پیکار رهبری حدارا بدوش گرفت.

خبرگان آزاد اندیش که از تبعید باز گشته بودند نیز کوشیدند که از زمینه جدید فضای سیاسی استفاده کنند. در سال ۱۹۸۶ ایشان اتحاد ملی برای آزادی و دیموکراسی^{۸۴} را به رهبر پروفیسور اصغر یکی از استادان اسبق دانشگاه کابل تأسیس کردند که بعد از مرگش رهبری به میر محمد محفوظ ندائی انتقال یافت، با وجودیکه بلاخره در خواست قانونی شدن ایشان رد شد. افغان ملت نیز به این سیستم توسل جست و واضحاً مقامی هم برای ایشان در دولت پیشنهاد شد. بعضی از رهبران ایشان که در بند بودند آزاد شدند و بحضور رئیس جمهور نجیب الله پذیرفته شدند^{۸۵}. بآنهم این حزب بلاخره کار کردن تحت رهبری حزب دیموکراتیک خلق افغانستان را پذیرفت. از ۶ تا ۱۵ فبروری سال ۱۹۸۸، انتخابات پارلمانی صورت گرفت. در حالیکه اکثریت چوکی ها پارلمان پیش از پیش برای یک اکثریت حزب دیموکراتیک خلق افغانستان تخصیص داده شده بود و یک تعداد دیگر چوکیها، طوری که براد شیر میگوید، برای اعضای گروههای جدید بصورت منظم^{۸۶} حفظ و اختصاص داده شده بودند. یک کابینه جدید تحت اداره نخست وزیر غیر عضو حزب دیموکراتیک خلق افغانستان در ماه جون تشکیل شد که دران وزرای از اعضای سازا و یکتعداد غیر حزبی بشمول کسانی که به حلقات سلطنت طلب در بیروم مملکت ارتباط داشتند موقف گرفتند. در همین فرصت گروه های پرچمی طرفدار کارمل یکبار دیگر فعال شدند و پالیسی نجیب الله را بنام خیانت به انقلاب رد و وی را متهم به دست نشانده بودن شوروی ها کردند.^{۸۷} در سال ۱۹۹۰، حزب دیموکراتیک خلق افغانستان اولین کنگره خویشرا بعد از سال ۱۹۶۵ دائر کرد و حزب بنام حزب پدر وطن تجدید نام شد. نجیب الله اظهار داشت که "این یک اشتباه تاریخی بوده است که زیر یک ایدیالوژی مشخص قرار داشتیم". حزب وطن در حکومت جدید خویشرا متعهد به دیموکراسی چندین حزبی ساخت.^{۸۸} بهر حال همه تیم رهبری حزب دیموکراتیک خلق افغانستان به حزب جدید انتقال یافتند.

۸۴ - همچنان بنام حزب رستگاری ملی افغانستان شناخته می شد.

۸۵ - این هیئت توسط منشی عمومی فعلی حزب، عبد الرحمن یقین یوسفزی کسیکه در سال ۱۹۸۳ توقیف شده بود. مصاحبه در تیلویزیون دولتی افغانستان در اواخر سال ۱۹۸۳ (یاد داشتهای شخصی)؛ (دکتر نجیب الله هیئت افغان ملت را می پذیرد، کابل نیوتایمز (Kabul New Times, 29 Oct 1987) همچنان مراجعه شود به کاکر، op.cit. ص ص ۱۵۵ و ۲۶۱

86 - Bradsher, op. cit., p. 166

۷۸ - شایعات در مورد سازمان نجات ملی افغانستان ظهور کرد که بطور خلاصه آنرا سینما میگفتند و آن اشاره به تاریخ حزب دیموکراتیک افغانستان بود که رهبران آنها در سینما پارک شهر نو باهم دیدار میکردند. و همچنان مراجعه شود به کاکر، op.cit. ص ۲۶۱

88 - Cit. in: Bradsher, op.cit., p. 339

۸۹ - اصطلاح قبول شده به این جنگ داخلی است، اما هسته جنگ بخاطر گرفتن قدرت بین تنظیمها بود نه بین گروهی از باشندگان مملکت. بصورت کل اکثریت نفوس مملکت از جنگ خسته بودند.

سیستم کنترل شده چندین حزبی نجیب الله

این تغییر زمانی پیش آمد که نجیب الله در موقعیت جانشینی کارمل، اول در پوست منشی عموم حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و بعد از یکسال بحیث رئیس جمهور مملکت، سیاست باز کنترل شده خویشرا منحیث یک بخش از سیاست آشتی ملی آغاز کرد. این سیاست در جنوری سال ۱۹۸۷ اعلان شد و توسط گرباچف در اتحاد شوروی تشویق شد. در ۶ جولای سال ۱۹۸۷ قانون احزاب سیاسی تصویب شد و تا جولای سال ۱۹۸۸ هفت حزب جدید ثبت نام کرد^{۷۸}. سازا تحت رهبری محبوب الله کوشانی یکبار دیگر بحیث قائم مقام عمده ستم ملی علناً عرض اندام کرد^{۷۹}. این حزب در مقابل اتحاد شوروی عملاً نجنبید ولی همزمان به آن ارتباط خویشرا با ایشان در افغانستان حفظ داشته منحیث یک ساختار نظامی مستقل خود را همچونیک نیروی چپی جاگزین احتمالی حزب دیموکراتیک افغانستان معرفی کرد^{۸۰}. سازمان زحمت کشان افغانستان (سيزا) به رهبری حمد الله گران قائم مقام گروههای جدا شده حزب دیموکراتیک خلق افغانستان در اخیر سالهای ۱۹۷۰ بود. هردو با حزب دیموکراتیک خلق افغانستان پیوستند، اما حزب را بخاطر انحصارش در قدرت مورد انتقاد قرار دادند^{۸۱}. درین جریانات، حزب عدالت دهقانان افغانستان بحیث ناظر سهم گرفت.

بصورت مؤثر، صرف احزاب دست چپی (در حالت سازا ابتدا آن بخش از حزب که در امراطلاعات استخباراتی همکاری داشت^{۸۲})، بعضی از گروههای اسلامی ایکه اجازه دریافت پیدا کردند و احزاب ممنوع شده^{۸۳} چانس حاصل کردند که علناً فعالیت کنند. درعین حال چنانیکه در کشورهای اروپای شرق واقع شد موفق به کنترل سیستم چند حزبی خویش نبود. و این وضعیت فضای فعالیت سیاسی

۷۸ - اولین آنها در نومبر سال ۱۹۸۷ سازا، سيزا، حدا شدی حزب اسلامی مردم افغانستان (حما) تحت رهبر قاری عبدالستار سیرت (باید با رهبر گروه روم مغالطه نشود که در کنفرانس بن شرکت کرد). مراجعه شود با حقیقت انقلاب ثور (کابل)، ۲۸ نومبر ۱۹۸۷. این احزاب با احزاب دیگر همچون نهضت همبستگی مردم افغانستان (فدائیان) تحت رهبری سفر محمد خادم؛ اتحاد انصارالله تحت رهبری میر سرور نورستانی؛ و حزب الله افغانستان تحت رهبری مولوی عبدالحلیم راقم - به نظرمی رسد که این حزب شعبه باشد که قسمتی از حزب وحدت بود (به ص. ۱۳ مراجعه شود)

۷۹ - احتمالاً این اسم در سال ۱۹۷۷ انتخاب شده بود. با انهم این اسم حتی به اسناد خود حزب ذکر نشده بود.

۸۰ - م اکبر، فصل آخر (op.cit)، ص. ۳۵؛ رسول، (op.cit) ص. ۱۵۵۵

۸۱ - نيس سازا برا ایتلاف پیشنهاد جدید دارد کابل تایمز ۵ سپتمبر ۱۹۸۸. در سال ۱۹۸۸/۸۹ سازمان کارگران جوانان افغانستان (کوجا) به رهبری صوفی شنا، و اتقاق مبارزین صلح و ترقی افغانستان به رهبری زمانگل دهاتی با این اتحاد پیوست.

۸۲ - سازا توسط خاد بدوبخش، تحیت رهبری حمد الله گران (رسماً شناخته شده) و سزای دیگری تحت رهبر زمانگل دهاتی که بشکل نیمه قانون باقی ماند، تقسیم شد. مصاحبه مولف در کابل ۱۹۸۸/۸۹

۸۳ - این سیستم بود که در جمهوری دیموکراتیک جرمنی رایج بود که دیگر احزاب در کنار حزب کمونست اجازه فعالیت داشتند، در حالیکه مقام رهبر حزب کمونست توسط در قانون اساسی تضمین شده بود. مشورتها جمهوری دیموکراتیک جرمنی در طرح سیستم چند حزبی نجیب الله رلی را ایفا کرد. یک رهبر سیاسی افغانستان حدا و حما چیزی بیش نمیدانست مگر اینکه شعبات حزب دیموکراتیک خلق افغانستان. مصاحبه نویسنده

می پذیرد اما پذیرفتن هیئت رهبری آنحزب را شدیداً خارج ازین امر میدانند. از زندگی تبعیدی در جرمنی، یکی از خبرگان گروههای غیر مذهبی شورای دیموکراسی افغانستان^{۹۴} رو بود، اما بزودی از هم پاشید و موفق نشد که ساختار خویشرا در افغانستان گسترش دهد. در آچین جرمنی شورای دیموکراسی برای افغانستان تلاش دیگری را در جهت آوردن همکاری بین قوتهای دیموکراتیک آغاز کرد و شورای هماهنگی ایرا ایجاد کردند که توسط عزیز گردیزی رهبری میشد^{۹۵}.

پنج گروهی که با دفتر اداره خاص سازمان ملل برای افغانستان (UNSM) در زمان طالبان در کابل رابطه ایجاد کرده بودند و در کنفرانس بن که در اواخر سال ۲۰۰۱ دایر گردید دعوت شده بودند:

- جمهوری خواهان؛
- حزب مردم^{۹۶} به رهبری محمد فرید حمیدی که از سازمانهای غیرقانونی دانشجویی در کابل و مزار شریف ظهور کرده بود؛
- نهضت آزادی و دیموکراسی افغانستان (AFDM) به رهبری عبدالرقيب جاوید کوهستانی، که مائوئیستهای سابقه، دیگر چپ گراها و مجاهدینی را که در مقابل شوروی ها جنگیده بودند و با شورای نظار پیوند داشتند، متحد ساخت.
- شورای اسلامی و ملی اقوام افغانستان، یک شبکه شورای قبائیلی ضد طالبان متمرکز کویته^{۹۷}؛ و
- اتفاق مبارزین صلح و ترقی افغانستان به رهبری زمانگل دهاتی، جانشین سازا که در حال حاضر عمدتاً در خارج وطن فعال است^{۹۸}. اگرچه تغییر در رهبری برنامه ملل متحد در اواخر سال^{۹۹} ۲۰۰۱ در آخرین لحظه مانع شرکت این گروهها بحیث یک هیئت مشترک پنجم در بن شد؛ و در عوض ایشان بصورت مشاهد تنزیل یافتند. این کار یک اثر گسترده داشت طوریکه منتج به اخراج کامل قوتهای طرفدار دیموکراسی در افغانستان از پروسه بن شد^{۱۰۰}.

۹۶ - این گروه خود را بعد بنام حزب مردم برای صلح و توسعه دوباره نام گذاری کرد، بخاطریکه حزب دیگری به عین نام قبلاً درخواستی ثبت داده بود. حزب مردم برای صلح و توسعه بعداً تصمیم گرفت که بکلی خویشرا ثبت نکند و چهره های رهبری آن به کار حقوق بشر تمرکز کردند. گروه دوم ایشان تحت رهبری عبدالقادر روفی بخاطر مشکلات در تعیین رهبر نیز نخواست که حزب را ثبت کند، معهداً به گروه سومی تحت رهبر احمد شاه اثر تحت عین نام حق ثبت اهدا شد.

۹۷ - این گروه سمیع الله صافی رهبر چپ گرای قیام قبائیلی ۱۹۷۸ بر علیه شوروی در ولایت کنر و بعداً بحیث رهبر بخش ساما، بحیث نماینده نواف (NUFA) در جلسه بن. مراجعه شود به: David B Edwards op.cit,95

صافی همچنان از اتحاد ملی مبارزین افغانستان، که بعداً تشکیل به یک حزب شد و شورای دیموکراسی در افغانستان (CfDA) نمایندگی کرد. ۲۱ نفر از ۲۹ عضو شورا بعداً تصمیم گرفتند که حزب همبستگی ملی افغانستان را تشکیل دهند که توسط قوماندان سابق ساما محمد ظریف نصیری رهبری می شد.

۹۸ - آریانی، کوهستانی، صافی و دهاتی در بن حاضر بودند در حالیکه حزب مردم توسط احمد نادر نادری نمایندگی میشد.

99 - From PRSG Frances Vendrell to SRSR Lakhdar Brahimi

۱۰۰ - با در نظر داشت حقیقتی که تکتها پرو از قبل از قبل خریدار شده بود و بعضی از اعضای ایشان در راه سفر جانب بن بودند، اخراج ایشان صرف مفهوم مانع شدن در شرکت کنفرانس را داشت. یکی از دیپلماتهای ارشد جرمنی که در سازمان دادن کنفرانس بن دخیل بود بعداً به نویسنده گفت وی فکر میکرد که این اخراج اشتباه بزرگ بود.

سازمانهای سیاسی در جریان رژیم های مجاهدین و طالبان

بعد از سقوط نجیب الله، در زمان جنگهای تنظیمی^{۸۹} و پی آمد آن حاکمیت طالبان، فضای مناسبی برای سازمانهای سیاسی وجود نداشت. درین دوره بیشتر رویارویی های نظامی اولاً بین تنظیم ها که پیوسته و حدت شان در حال تغییر بود و بعداً بین حرکت طالبان و جبهه متحد اسلامی برای نجات افغانستان که در ۱۳ حوت سال ۱۹۹۷ تأسیس شد^{۹۰} و بنام اتحاد شمال بهتر شناخته می شود، غلبه داشت. بعضی از گروههای معتدل، مثل نهضت ضد جنگ و برای و حدت ملی که در دوره حکومت نجیب الله فعال شده بودند، از خارج اول با حکومت مجاهدین و بعداً با رژیم طالبان کار کردند. مهمترین آنها شورای تفاهم ملی بود که از قوماندانان جهادی معتدل و خبرگان غیر مذهبی ابتداء در سال ۱۹۸۰ در خارج مملکت شکل گرفت^{۹۱} بالاخره این شورا بر سر تخطی در رهبری نوبتی به ناکامی مواجه شد. دوباره توسط اسحق گیلانی در سال ۲۰۰۰/۰۱ در پاکستان براه انداخته شد و بعضی احزاب معتدل بعد از جهاد مثل نهضت همبستگی ملی افغانستان از آن ظهور کرد. و از شروع سال ۱۹۹۰، در فرصتیکه جامعه جهانی علاقه مندی نداشت و یا از وجود ایشان آگاه نبود حرکتها زیر زمینی ضد طالبان انکشاف کرد. این نهضتها شامل گروه دیموکراتیک میباشد که متعهد به ارزشهای دیموکراسی و حقوق انسانی بوده و در عکس العمل به تخطی های طالبان ازین ارزشها تشکیل شده بودند. بسیاری ایشان در داخل مملکت رشد کردند مانند حزب جمهوری خواهان افغانستان. وقیتکه در سال ۱۹۹۰،^{۹۲} بنیاد گذاشته شد، به یک عمل سیمبولیک اعلامیه حقوق بشر ملل متحد را برنامه خویش اعلام داشت. همچویکی از محدود احزاب دیگر، این گروه نیز در بین گروههای مختلف قومی جامعه اعضا دارد. در طی سالها، حزب جمهوری خواهان افغانستان، مجبور بود که بمقابل تلاشهای مسلط شدن خلیقهای سابق^{۹۳} و بعداً در مقابل اتحاد سیاف، که منجر به از دست دادن بعضی از اعضای آن نیز شد، مبارزه کند. این حزب در حالیکه اعضای حزب سابق دیموکراتیک خلق افغانستان را، از عضو کمیته مرکزی به پائین، بحیث عضو

۹۰ - درین جبهه جمعیت اسلامی شورای نظار، حزب و حدت گروه خلیلی و جنبش قوتهای عمده نظامی و اتحاد اسلامی، حرکت، گروه سبوان حزب اسلامی افغانستان، جبهه نجات افغانستان و ملیشایی منصور اسماعیلیه نقش های فرعی داشتند. سازمانی را که این جبهه جانشین آن شد بنام شورای عالی دفاع از سر زمین مادری یاد میشد که در ۱۰ اکتوبر سال ۱۹۹۶ تأسیس شد. مراجعه شود به م. اکبر دور نمای سیاسی افغانستان، ص. ۷۷

Online Center for Afghan Studies (www.afghan-politics.org); Ahmad Rashid, op. cit., p 121 (German edition); Coll, op. cit., p. 344

۹۱ - بسیاری از تشکیل کنندگان سناخته شده آن کشته شدند: جنرال عبدالحکیم کتوازی، پروفیسور سید بهاوالدین مجروح، عزیز الرحمن الفت، قوماندان عبدالحق، حکیم تنی وال

۹۲ - اصلاً این حزب توسط سیاستمداران عصر داود به رهبری ضیا آریائی وزیر ری رهبری شد و توسط وزیر فواید عامه داود، غوث الدین فایق پشتیبانی شد. در ۶ مارچ سال ۲۰۰۴ بحیث اولین حزب ثبت شد.

۹۳ - رهبر حزب سنجر در سن ۱۶ سالگی عضو حزب خلق بود و در زمان وزارت گلابزوی بحیث افسر پولیس کار میکرد.

۹۴ - این شورا نشریه فریاد را نشر میکرد که در زمان حکومت طالبان بطور قاچاق داخل افغانستان می شد.

۹۵ - سهم گیرنده ها عبارت بودند از شورای نهضت دیموکراسی افغانستان (CFDA)؛ اتحاد زنان دیموکراتیک افغانستان (ADWA)، شورای رستگاری ملت افغانستان، مرکزیت جرمنی تحت رهبری اسد روستا حبیبی (محتماً گروه وابسته به سازا؛ افغان ملت؛ د پشتنو تونلینز ولسی گوند و یا حزب سوسیال دیموکرات پنبنتونها، به رهبری کبیر ستوری که در تبعید در جرمنی زندگی میکند؛ ولسی ملت، یک بخش چپ گرای حزب افغان ملت تحت رهبر پروفیسور پنبنتونیار؛ سازا و ساما. گردیزی مربوط شورای دیموکراسی برای افغانستان بود.

باشد و یا آنهاییکه بخش نظامی و یا ملیشائی داشته باشند از ثبت و رجستر محروم و یا ممنوع فعالیت خواهند شد. حسین رموز عصر بعد از طالبان را بدو مرحله تقسیم میکند^{۱۰۵}: مرحله ایکه در مورد کثرت گرائی حزبی سال ۲۰۰۶ - ۲۰۰۱ خوشبین اند و مرحله ایکه موضوع را به دلسردی نگاه میکنند. مرحله اول شامل احزاب طرفدار دیموکراسی که از شکل زیر زمینی روی صحنه ظاهر شده بودند و گروههاییکه از انشعابات احزاب اسلام گرا با عملی کردند میکانیزم اصلاحات داخلی در خویش عرض وجود کردند. نه جامعه بین المللی و نه رئیس جمهور تا به آن فرصت مطمئن نبودند که از کدام یک سیستم حزبی و یا غیر حزبی حمایت کنند. مرحله دوم بعد از سال ۲۰۰۱ آغاز شد که هر دو به قبول سیستم ترکیب احزاب در مقابل سیستم واحد رای دهی غیر قابل انتقال (SNTV) را برای انتخابات آینده قبول کردند. بدین سان احزاب سیاسی فعالیت خویشرا کمتر ساختند و میکانیزم اصلاحات داخلی تقلیل یافت. در نتیجه احزاب اسلام گرا بیشتر از پیش سنتی و یکه تاز شدند و هیچیک همایش همگانی را برگزار نکردند.

تنظیم های سنی

چهار تنظیم از هفت تنظیم هفتگانه پشاور فعالیتهای خویشرا در چارچوکت قدیم خویش پیش بردند: جمعیت؛ اتحاد که بنام تنظیم دعوت اسلامی افغانستان دوباره نام گذاری شد؛ محاذ ملی افغانستان از پیرسید احمد گیلانی؛ جبهه نجات ملی افغانستان مربوط پروفیسور صبغت الله مجددی که به جمعیت و دعوی انشعاب کرد. هر دو حزب انقلاب اسلامی افغانستان و حزب اسلامی خالص منحیث یک سازمان سیاسی جلوه ضعیف تر داشتند. حزب اسلامی حکمتیار که به کنفرانس بن دعوت نشده بود از جریان صلح خارج باقیماند و بر علیه امریکا اعلان جهاد کرد^{۱۰۶}.

جانب شعیه بدو بخش حزب و حدت اسلامی و حزب حرکت اسلامی جدا شدند. خاصتاً در داخل جمعیت تلاشهای در جهت تجدید گرائی وجود داشت. در همه دوره مقاومت، خصوصاً بعد از اینکه احمد شاه مسعود در سال ۱۹۸۵ شورای نظار شمال را مؤثراً موازی به ساختار نظامی جمعیت در داخل آن تنظیم تحت قومانده خود پایه گذاری کرد، رقابت روی رهبری وجود داشت. در حالیکه ربانی رهبر نام نهاد جمعیت و در دوره رژیم طالبان رئیس دولت افغانستان باقی ماند، اما در حقیقت امر مسعود منحیث یک رهبر ظهور کرد. بعد از قتلش یک گروه سه نفر مورد اعتماد وی به جانشینی او دست یافتند و این گروه سه نفری پنجشیری ها عبارت بودند از داکتر عبدالله وزیر خارجه، محمد قسیم فهیم رئیس استخبارات و محمد یونس قانونی وزیر داخله بودند. در جریان کنفرانس بن شخصیت سومی

۱۰۶- بعد از آنکه حکمتیار بخاطر حمله بالای قوتهای امریکائی دعوت به حملات انتحاری کرد، واشنگتن او را تروریست جهانی خطاب کرد، با آنهم حزب به لیست تروریستها در امریک قرار داده نشد. (selfmordanschlagen Guerillafurer Hekmatyar ruft zu Selbstmordanschlag)

همچنان اشاره شود به اظهارات حزب در مورد همبستگی با تهران، Afghan Islamic Press, 2 Apr 205

۱۰۷ - فهیم وزیر دفاع و معاون رئیس جمهور مقرر شد، قانونی و داکتر عبدالله وزارتهای خویش (داخله و خارجه) را حفظ کردند؛ امرالله صالح، داکتر اعتبار و عبدالحفیظ منصور به ترتیب رئیس استخبارات، رئیس قدرتمند اداره امور و رئیس رادیو تیلویزیون ملی مملکت مقرر گردیدند.

احزاب در عصر بعد از طالبان

قانون احزاب سیاسی سال ۲۰۰۳

بعد از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، دوباره سربر آوردن سه جریان عمده سیاسی - اسلام گراها، چپ گراها، ملیت گراها - و ظهور یک جریان جدید دیموکراتها - ستون فقرات سیستم چندین حزبی را تشکیل می‌دهد. در حالیکه تنظیم‌های سابقه و دیگر دسته‌های مسلح کوشیدند که خود را منحیث احزاب سیاسی تجدید سازمان دهند و در عین زمان انشعابات و تلاشهای و حدت جریان داشت. بعضاً احزاب جدید بدون کدام اشاره به تفاوت‌های برنامه‌ی و توسط رهبرانی که صرفاً به احزاب سابق خویش نفر اول

نبودند بوجود آمدند که کیت اسپننس (Kit Spence) انرا برنامه خود خواهانه نامید^{۱۱}

ولی خوش بینی قوت‌های جدید بخاطر نبودن یک برنامه کاری قانونی و فضای اطمینان بخش سیاسی، مشخصاً بخاطر ناکامی غیر مسلح ساختن گروه‌های ملیشائی، به یأس مبدل شد. افغانستان بعد از عصر طالبان میراث سیاست گروه بندیها و سیاست انباشتن سلاح توسط جنگ سالاران^{۱۲} مختلف بود که تنظیمها با قدرت سلاح اکثریت منابع و ابتکارات را در اختیار داشته و در سطوح مختلف دولت تفوق داشتند در نتیجه قوت‌های سیاسی جاگزین بصورت دو امدار در خوف اذیت و آزار بسر برده و صرف قادر اند که در شهرهای بزرگ و چند منطقه روستائی^{۱۳} فعالیت آزادانه داشته باشند. بعضی ایشان تابه هنوز در مورد افشا کردن ساختار مکمل و عضویت شان نهایت محتاط اند.

مسوده قانون احزاب که برای مدت نزدیک به یکسال در کابینه بحالت رکود قرار داشت، در ماه سپتمبر ۲۰۰۳ مورد تأیید قرار گرفت^{۱۴}.

نظربه این قانون، همه احزاب بشمول انهاییکه مدتها قبل هم تشکیل شده بودند مجبور بودند که با وزارت عدلیه ثبت نام کنند و اینکار بعوض اینکه توسط یک نهاد بیطرف صورت گیرد بعهدده این وزارت گذاشته شد. در قانون (اساسی) توضیح شده که سیستم سیاسی دولت افغانستان مطابق اصول دیموکراسی و کثرت گرائی احزاب سیاسی بنا یافته، اما احزابیکه اهداف شان با دین مبین اسلام در تناقض

101- K - it Spence, op. cit., p. 11

۲۰۲ روف روشن، تثبیت موقعیت کردن توسط احزاب جدید سیاسی در افغانستان، ص. ۱۱

۱۰۳ - یوناما (UNAMA) به همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC) کوشید که با براه اندازی بازبینی حقوق سیاسی این مشکل را علاج کند، این راپورها عمدتاً بخاطر موقف گیری یوناما که نهایت خوش محضر بود (وهمچنان در برگیرنده موارد کاملاً تحقیق شده و داشتن ارزشمندی همکاری مقامات عالی درین مورد مهم بود، که از توانمندی یوناما بعید بود) تأثیر عمیق در فضای انتخاباتی نداشت.

۱۰۴ - حداقل چهار مسوده وجود داشت. در حالیکه سه مسوده اول محدودیت کمتر داشت به این مفهوم احزابیکه به ملیشای مسلح ارتباط داشتند مانعی در پیش نداشتند، این ممنوعیت صرف در مسوده چهارم بصورت اصلاحی ذکر گردید. برای محتوای اصلی آن مراجعه شود به <http://www.ag-afghanistan.de/files/partylaw-engl.htm>. در هر دو، کمیته وزرا و شعبه مسوده های وزارت عدلیه، اکثریت جهادی موجود

بود. مصاحبه نویسنده در کابل، ۲۰۰۳

۱۰۵ - رموز خود درین دوره از نظر سیاسی فعال بود، با انستیتوت دیموکراتیک ملی و فعلاً با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در کابل کار میکند. وی اظهار نظر ذیل را در جریان مصاحبه اش با نویسنده در کابل در سال ۲۰۰۶ اظهار داشت.

جنبش کنگره و بعضی احزاب کوچک و سازمانها اجتماعی شرکت کرده بودند^{۱۰۸}. این سازمان میخواست که در مبارزه انتخاباتی یک مخالف واحد را معرفی کند، اما بخاطر جاه طلبی های متناقض چندین رهبر پیش گام که هر کدام بصورت جداگانه خود را کاندید کردند این تلاش خنثی شد. قانونی با تشکل مخالفین کرزی در اطراف خویش بزودی ابتکار را در دست گرفت. با داشتن موقف دوم در انتخابات ریاست جمهوری، او اولاً کوشید که اتحاد کاندید های شکست خورده در انتخابات را ایجاد کند^{۱۰۹}.

در ماه اپریل ۲۰۰۵، این اتحاد به ۱۲ عضو مخالف ارتقاء نمود که آنرا جبهه تفاهم ملی افغانستان نام نهادند^{۱۱۰}، و شگفت اوراینکه این اتحاد نوبا یک اظهار نظر رسمی از طرف حامد کرزی استقبال شد^{۱۱۱} بازم جبهه مشترکاً برای انتخابات کار میکردند، اینبار برای پارلمان و تأسیس سیستم پارلمانی از طریق یک تغییر بنیادی به قانون اساسی^{۱۱۲} قانونی حتی پیشنهاد ادغام طویل المدت را بداخل یک حزب اصلاح طلب^{۱۱۳} واحد نمود. اما دوتن از کاندیدان ریاست جمهوری (یعنی لطیف پدram از حزب کانگره ملی و ندائی یک چپ گرای میانه رو از اتحاد ملی برای آزادی و دیموکراسی) با انتقاد از قانونی که گویا با کرزی (که مورد حمله جبهه بود) رابطه نهانی دارد، جبهه را دوهفته بعد از تأسیس آن ترک کردند^{۱۱۴} جبهه نه تنها قادر به معرفی کاندیدای مشترک به پارلمان نشد بلکه تا به آخر روند انتخابات دوام نیاورد. احمدزی و منصور به قانونی اتهام بستند که از داعیه ایشان که گویا بخاطر تقلب کاری در انتخابات ولسی جرگه بازنده شده بودند دفاع نکرده است و به این علت از جبهه خارج شدند^{۱۱۵}. در حالیکه محقق عملاً از شخص دلخواه کرزی سیاف بخاطر ریاست ولسی جرگه بر علیه قانونی حمایت کرد. در اوایل سال ۲۰۰۶ وجود جبهه عملاً ختم شد.

۱۱۰ - جبهه تفاهم ملی افغانستان (NUF) از ۱۱ حزب و یکنفر (در ابتدا سه نفر) کاندیدای مقام ریاست جمهوری ساخته شده بود که عبارت بودند از: حزب افغانستان نوین به رهبری قانونی؛ حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان (محقق)، حزب اقتدار اسلامی افغانستان (احمد شاه احمد زی)، حرکت انقلاب اسلامی و ملی افغانستان (احمد نبی محمدی)، سازمان اسلامی افغانستان جوان (سید جاوید حسینی)، حزب اعتدال اسلامی و ملی افغانستان (قره بیگ عزتیار)، حزب صلح و وحدت ملی افغانستان (عبد القدیر ایمانی غوری)، حزب وحدت ملی اقوام افغانستان (نصرالله بارکزی) و سردبیر هفته نامه طرفدار مجاهدین پیام مجاهد، عبدالحفیظ منصور. نماینده جنبش کاملاً حضور نداشتند. میر محمود محفوظ ندائی و لطیف پدram رهبر حزب کنگره ملی صرف بعد از دوهفته آنرا ترک کردند. همچنان رجوع شود به قانونی اتحاد مخالفین را رهبری میکند، فرانپیر پوس

(Frontier post, April 7, 2007). در ماه می جنبش همبستگی ملی افغانستان (انجنیر احمد) به جبهه تفاهم ملی یکجا شد. مراجعه شود به پیام مجاهد ۱۵ ثور سال ۱۳۸۴

۱۱۱ - بیانیه مطبوعاتی دفتر رئیس جمهور، ۱ اپریل سال ۲۰۰۵، در روزنامه انیس کابل ۲۰۰۵

۱۱۲ - قانونی استدلال میکند که انتخابات قبل از برگزاری بافت داده شده بود. خبرگزاری پژواک ۲۶ اپریل ۲۰۰۵؛ رهبر جبهه مخالفین رئیس مرامنامه، اهداف و عضویت را بیان داشته است اپریل ۶، ۲۰۰۵

۱۱۳ - رئیس جبهه مخالفین نقشه عملکرد، اهداف و عضویت جبهه را شکل بندی میکند، انیس، کابل، ۶- اپریل ۲۰۰۶

۱۱۴ - میرویس هارون، جبهه تفاهم ملی در نخستین روزهای حیاتش در زبردشت، هفته نامه کابل، ۱۳ اپریل ۲۰۰۵

۱۱۵ - شناسائی چهره های جبهه سوء تفاهم بارمی آورد، چراغ، ۲۸ نومبر سال ۲۰۰۵؛ خروج احمد شاه احمدزی از جبهه تفاهم ملی چراغ کابل ۲۳ نومبر سال ۲۰۰۵؛ نجیب خلوتگر، اتحاد تحت رهبری قانونی به نظری رسد که خط پای دولت رادنیال میکند، اژانس خبرسانی پژواک ۱۳ نومبر ۲۰۰۵

قانونی) با استفاده از مهارت خویش در مذاکره کردن تسلط شورای نظار را در حکومت بعد از طالبان آقای کرزی تحکیم بخشید^{۱۰۷}. در عین زمان، خلاف وعده ایکه به رئیس جمهور مؤقت آقای ربانی (در کنفرانس بن حضور نداشت) سپرده شده بود تا کنفرانس بن در کابل نهائی شود، کنفرانس مذکور به اثر تلاش گروه سه نفری پنجشیری در شهر بن جرمنی تصمیم گیری کرد و ممکن این تلاش موافقت تلویحی غرب را نیز همراه داشته است تا بقدرت رسیدن نسل جوانتر جمعیت را محتمل سازد.

این جریان در سال ۲۰۰۳ در جهت تلاش تجدید شکل دادن جمعیت و اگر ممکن باشد تحول یک تنظیم مجاهد(ین) به یک حزب سیاسی تحت نام نهضت ملی افغانستان ادامه یافت. هدف از این حرکت حمایت از جهاد و مقاومت ملی بود. اما در داخل نهضت دو گروه بخاطر رهبری رقابت میکردند: گروه سه نفری پنجشیری ها که همه وقت به یک سمت حرکت نمیکردند، و گروه برادران رهبر فقیر احمد شاه مسعود، احمد ولی مسعود و احمد ضیا مسعود، بود. در حالیکه گروه اولی گردانندگان اصلی قدرت در شورای نظار بودند، گروه دومی به نقش خویش به میراث برادر تکیه داشتند. این نزاع برای یکسال دوام کرد، و اکثریت اعضای تنظیم، با درک اینکه ایشان پیاده های در بازی شطرنج پنجشیری ها بیش نیستند، علاقه مندی خویشرا از دست دادند. این بهم آمیختگی وقتی بحد اعلائی خود رسید که آقای قانونی به مقام ریاست جمهوری کاندید شده و خود را خود نماینده نهضت معرفی کرد، در حالیکه برادر مسعود این ادعا را علناً به چالش گرفت. بعد از انتخابات، بلاخره نهضت ثبت و راجستر شد ولی اینبار به رهبری احمد ولی مسعود؛ در حالیکه آقای قانونی هنوز از جمله بنیان گذاران نهضت بشمار می رفت، بزودی حزب خویشرا بنام حزب افغانستان نوین تاسیس کرد.

یک رشته دیگر اصلاح طلبان جوانتر جمعیت کوشیدند که این سازمان را به جهت مخالفت با کرزی بشورانند. تحت رهبری عبد الحفیظ منصور و داکتر محی الدین مهدی کوشش اولین شان در جریان لویه جرگه قانون اساسی بود، فرصتیکه منصور رهبری مخالفینی را بدوش گرفت که مخالف پلان ریاستی (سیستم ریاست جمهوری) کرزی بودند. با احساس اینکه دستبازی های در کار بوده و گروههای قومی قصداً از هم جدا شده، طرفداران سیستم پارلمانی حمایت اکثر تاجکها، ازبکها و بسیاری از هزاره ها و همچنان گروههای کوچک پښتون ها را بخود جلب کرد. این گروه تقریباً از ۴۵٪ اعضا نمایندگی میکرد که جرگه قانون اساسی را تحریم کردند و باعث شد که فعالیت جرگه برای چندین روز به حالت تعلیق در آید. بزودی بعد از این لویه جرگه منصور و داکتر مهدی خواستند که این گروه کم چسپ را به یک سازمان سیاسی توانمند تبدیل کنند. این سازمان اولاً جبهه ۱۱-جدی، تاریخیکه رای تحریم آغاز شده بود، نام گذاری شد و بعداً اسم جبهه عدالت و دیموکراسی را بخود اختیار کرد. مهدی ادعا کرد که درین سازمان از نهضت ملی، افغانستان نوین، احزاب و حدت و حرکت شعیه، همچنان

۱۰۸- مصاحبه با هفته نامه کابل ۱۹ می ۲۰۰۴

۱۰۹- در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ قانونی ۱۶٪، محقق ۱۱.۷٪، و دوستم ۱۰.۰٪ آراء را در انتخابات بدست آوردند که از برنده انتخابات با ۵۵.۴٪ فاصله زیاد داشتند. مراجعه شود به: http://en.wikipedia.org/wiki/Afghan_presidential_election%2C_2004 این سایت جدول نهائی نتیجه را که از سایت www.elections-afghanistan.org.af به آن انتقال نموده است حفظ دارد.

حزب اسلامی خالص بدو بخش مخالف و طرفدار دولت تقسیم می شود. یک بخش سابق حزب که عملاً بخش اعظم اداره ننگرهار را تشکیل میداد فعالیت خویشرا منحنیث یک سازمان تقریباً خاتمه داد. این بخش برای ثبت نام در خواست نداد اما به شرکت خویش در کمیته هماهنگی یوناما در جلال آباد ادامه داد. یک بخش دیگر حزب تحت رهبر مولوی انورالحق مجاهد فرزند رهبر تاریخی حزب مولوی یونس خالص رهبری شد و برعلیه حکومت کرسی در سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ اعلان جهاد کرد. حزب حرکت انقلاب اسلامی (HII) تقریباً از بین رفت. بعد از مرگ رهبر حزب مولوی محمد نبی محمدی فرزند او احمد نبی محمدی حزب را در دست گرفت و به نامگذاری حزب تغییر اندکی بار آورد و آنرا حرکت انقلاب اسلامی و ملی افغانستان نامید. اما درین فرصت ازین تنظیم چیز باقی نمانده بود و بعد از واسط سال ۱۹۹۰ اعضای آن عمدتاً به طالبان پیوسته بودند^{۱۲۱} یک گروه دیگر جدا شده از حزب حرکت انقلاب اسلامی حزب سعادت ملی و اسلامی افغانستان بود که تحت رهبری مولوی محمد عثمان سالک زاده مراکز حزب را در شمال مملکت به اختیار خویش گرفت^{۱۲۲} چیزیکه از حزب حرکت انقلاب اسلامی باقی مانده د خدام الفرقان جمعیت است و ادعا دارند که گروه اسلامی احیا شده از حرکت سال ۱۹۶۰ میباشد. این حرکت صرف چند روز بعد از سقوط رژیم طالبان توسط بعضی از رهبران بلند رتبه حزب و دیپلوماتها^{۱۲۳} اسماً تحت رهبری یک چهره مذهبی بنام محمد امین مجددی براه انداخته شد. گروه مذکور در ۹ دسیمبر ۲۰۰۱، در اسلام آباد خود را بخش طالبان معتدل معرفی کرده و حمایه خویش را از روند سازمان ملل بخاطر لویه جرگه به شرط سهم داشتن در روند سیاسی اعلام داشت. در مرانامه حزبی خویش (مانیفیست) اعلام داشت که مرد و زن دارای حقوق مساوی بوده، اما شریعت اسلامی، قرآن و احادیث باید یگانه مرجع تدوین همه قوانین در جمهوری اسلامی افغانستان باشد^{۱۲۴} در ماه جون ۲۰۰۴، قبل از انتخابات، او خواست که حزب خویشرا ثبت و راجستر کرده در کابل دفتر خویش را بگشاید^{۱۲۵} یکبار دیگر این حزب از ادامه فعالیتهای قتل و تخریب که در افغانستان قوت میگیرفت دوری اختیار کرده و اعلان داشت که ما بهیچ صورت دیگر به طالبان پیوندی نداریم. با آنهم در خواست ثبت و رجسترايشان از طرف مقامات رد شد. اسلام گراها در برنامه ها و حتی در عملکرد خویش قویاً ازین حرکت حمایت کردند که افغانستان جدید باید دولت اسلامی باشد و خویشرا مدافع حقوق مجاهدین (که رهبران ایشان بخاطر قساوتهای سالهای ۹۶ - ۱۹۹۰ تحت انتقاد شدید هوا خواهان حقوق بشر قرار گرفته اند) معرفی کردند. حتی آنهایکه خود را اعتدال پسند معرفی میکردند همچون آقای قانونی رئیس ولسی جرگه تاکید برآن داشت که اسلام و سیاست از هم جدا شده نمیتواند.

121 - Fazal-ur-Rahman Marwat and Parvez Khan Toru, op. cit., p. 45.

۱۲۲ - سالکراده از ولسوالی سرپل است.

۱۲۳ - در بین ایشان ارسلا رحمان است که اول عضو شورای اجرائیوی اتحاد اسلامی سیاف، وزیر ارشاد اسلامی، در زمان حکومت ربانی در سالهای ۱۹۹۰ و بالاخره عضو انتصابی مشرانو جرگه (سنا) توسط حامد کرسی؛ رحمت الله واحدیار وزیر امور مهاجرین در زمان حکومت مجددی و معین وزارت در زمان حکومت طالبان و همچنان عبدالرحمن هوتک (در امور اطلاعات و فرهنگ)، عبد الحکیم سفیر سابق طالبان در ملل متحد.

۱۲۴ - نشریه مطبوعاتی ۹ دسیمبر سال ۲۰۰۱ (اسلام آباد) د خدام الفرقان جمعیت؛ د خدام الفرقان جمعیت مانیفیست دسیمبر ۹ سال ۲۰۰۱ (اسلام آباد)

۱۲۵ - وقتا که مولف در ماه سپتمبر ۲۰۰۶ خواست با حزب حرکت انقلاب اسلامی در تماس شود موفق به دریافت او نشد و صرفاً به اعضای خدام الفرقان معرفی شد. همچنان مراجعه شود به گروههای مجزا شده از طالبان از حکومت کرسی پشتیبانی میکند

(Taliban splinter group backs Karzai government, Frontier Post (Peshawar), 3 May 2005)

در یک گزایش جدید در دسامبر ۲۰۰۵، قانونی با ربانی رابطه حسنه ایجاد کرد. در یک مجلس مشترک رهبران جمعیت اسلامی و حزب افغانستان نوین و بشمول یک بخش شورای رهبری نهضت ملی اعلان داشتند که احزاب جدا شده از پیکر جمعیت اسلامی راههای یکی شدن را جستجو میکنند و ادعا کردند که رسیدن به این ارمان غیر قابل اجتناب است، و ربانی را چوکات مخالفین در مقام رهبری قرار داد که به اثر آن جانشین قانونی شد. در عین زمان از طرف ربانی پیشنهاد شد که قانونی کاندیدای مخالفین در مقام ریاست ولسی جرگه باشد.

اعضای همه احزاب که جبهه را ساخته بودند سوگند اسلامی یاد کردند و به ربانی بیعت دادند^{۱۱۶} اما غیابت برادر مسعود از جلسه نا میمون بود. شگاف دیگر در جمعیت اسلامی از طرف حزب اتحاد ملی و اسلامی افغانستان احساس شد که در ابتدا فکرمی شد در صورت ثبت و رجستر نکردن حزب افغانستان نوین این حزب چاره بعوض او باشد.

تنظیم عملاً بسیار فعال دیگر محاذ ملی و اسلامی برای آزادی افغانستان (NIFA) است. این تنظیم توسط دوتن از پسران پیر گلانی با اتحاد با افغان ملت تحت قیادت داماد پیر، آقای انور الحق احدی^{۱۱۷} وزیر مالیه مملکت رهبری میشد که توانستند یک اتحادیه قوی طرفدار کرزی را در بین پبنتونها بشمول اسلامیهستهای بنیادی از دعوت اسلامی و بخش قانونی شده داخلی حزب اسلامی (مراجعه شود به به پارا گراف بعدی) ایجاد کنند. در عین زمان محاذ ملی و اسلامی برای آزادی افغانستان (NIFA) میکوشد که یک جبهه معتدل اسلامی با تفاوت کمتر از تنظیمها را پیشکش کند. شکست معاون رهبری حزب حامد گیلانی در انتخابات سال ۲۰۰۵ در پکتیا جائیکه حزب ادعای نفوذ در انجا را داشت نشان داد که حزب ضعفهای دارد^{۱۱۸}. جبهه نجات ملی افغانستان مربوط مجددی همیشه یکی از تنظیمهای ضعیف در بین تنظیم هفتگانه بوده که توسط یک شخص نمایندگی می شد و تأثیر چندانی منحصیث یک حزب نداشت. تنظیم دیگر یکه تغیر چندانی نکرد اتحاد اسلامی مربوط سیاف بود که موفقانه در رده های فرعی دولت راه یافت. قبل از انتخابات ریاست جمهوری معاون سیاف احمد شاه احمدزی شخصیکه دارائی فراوانی در داخل و اطراف کابل دارد حزب سیاف را ترک کرده، حزب خویشرا بنام حزب اقتدار ملی افغانستان تأسیس کرد^{۱۱۹}. اما در خواست ثبت و رجستر این حزب بخاطر نشر یک راپور در یکی از خبرگزاری های افغانستان در اوایل سال ۲۰۰۶ رد شد و این راپور برخلاف فرضیات بود که

گویا حزب با یوناما و دولت موافقت کرده تا از گروههای مسلح حمایت نخواهد کرد^{۱۲۰}

۱۱۶ - توافق نامه جمعیت اسلامی افغانستان و حزب افغانستان نوین و نهضت ملی افغانستان، پیام مجاهد، ۱ جدی ۱۳۸۴ (۲۱ دسامبر ۲۰۰۵). در حالیکه در اوسط اکتوبر هر سه حزب بصورت جدا گانه عمل میکردند.

۱۱۷ - این ارتباط قبلاً موجود بود که در دوره جهاد به افغان ملت تحت پوشش () در پاکستان اجازه فعالیت داده شده بود. مراجعه شود به کاکر op.cit. § 104. احدی همچنان عضو هیئت پیر (گروه پشاور) در کنفرانس بن بود.

۱۱۸ - به مشاهده بی نظمی های عمیقیکه توسط مولف در منطقه مشاهده شد، نشاندهنده آنست که دیگر گروهها به دستکاری در نتیجه انتخابات موفق بوده اند.

۲۱ ۱۱۹ - در انتخابات ریاست جمهوری وی رای ناچیزی، صرف ۰.۸ فیصد بدست آورد.

۱۲۰ - دوحزب جدید سیاسی اجازه فعالیت دریافت داشتند، آژانس خبرسانی پژواک ۳- جنوری سال ۲۰۰۶. اسم حزب از نسخه دست نویسی حذف شده بود. ولی از لست چاپی ایکه از وزارت عدلیه بدست آمد دیگر در لست رسمی سایت انترنتی وزارت عدلیه ظاهر نشد.

دارند. حزب بایک دسته بندی قوی (اما نه رسمی) در پارلمان هنوز حالت دوگانه دارد. در یک مصاحبه با نویسنده این اثر یکی از اعضای بلند پایه این حرکت تأکید بران داشت که رهبری ایشان یک موقف غیر قابل برگشت نسبت به حکمتیار دارد اما با آنهم به ملاحظه به درجات رهبری و سوابق حزب این ادعا پذیرفتنی نیست که گویا ایشان یک سازمان حزبی علیحده باشند. در عین حال گروه فاروقی ادعا کرد اعضای سابقه حزب برای برگزاری یک شورا با شرکت آمرین ولایتی سابق حزب در ماه سپتمبر سال ۲۰۰۶ آمادگی داشتند. بسیاری از ناظرین افغانی بنابر ان معتقد اند که این انشقاق یک عامل تخریب کننده ایجاد شده در داخل اداره کرزی می باشد.

حزب اسلامی انشعاب را قبلاً هم تجربه کرده است. در سال ۱۹۸۸، معاون رهبری حزب قاضی محمد امین وقاد حزب را رها کرده و رهبری اتحاد شش گروه کوچک بنام داعیه اسلامی مجاهدین افغانستان را بدوش داشت^{۱۳۰} در سال ۱۹۹۴، وحیدالله سباون رئیس استخبارات حکمتیار، حزب را ترک کرده به اتحاد شمال پیوست. سباون حزب خویشرا در سال ۲۰۰۶ تحت نام حزب متحد اسلامی ثبت و رجستر نمود. دو حزب دیگر بنام های حزب ملی اسلامی افغانستان تحت رهبری روح الله لودین و حزب متحدین ملی اسلامی افغانستان به رهبری عبدالمحمد صادق برای ثبت و رجستر در خواست دادند اما تاهنوز امر آنرا در یافت نکرده اند. در صورتیکه حزب اسلامی نتواند تحت نام اصلی خویش ثبت شود، ثبت نام این گروه های زاده شده از حزب ممکن تلاشی باشد که غیابت حزب اسلامی را از صحنه مؤقلاً چاره سازی کنند. عبدالقادر امامی غوری، یکی از رهبران سابق حزب از ولایت غور و فعلاً وکیل در ولسی جرگه، نیز حزبی را تحت نام حزب صلح و وحدت ملی افغانستان ثبت نام کرده است^{۱۳۱}.

یک حزب قانونی طالبان

در سال ۲۰۰۴ کوششهای - یک اندازه مشابه به تلاشهای حزب اسلامی - در جهت ایجاد یک حزب قانونی طالبان وجود داشت. مولوی محمد عارف حقانی کرزی که تا کنون شناختی در مورد آن موجود نیست در خواستی ثبت نام حزبی را بنام د افغانستان مدنی اسلامی ملی تنظیم با این پلان پیشکش کرد که همه دسته های طالبان را تحت پالیسی ای سازمان دهد که کاملاً مغایر آنچه طالبان سخت گرا عملی می نمود باشد. اما بار دیگر درباره آن حزب شنیده نشد^{۱۳۲}.

۱۳۱ - این حزب در ماه مارچ ۲۰۰۶ وقتیکه امامی غوری بخاطر عدم توجه به تصامیم حزب اخراج شد دوچار یک سلسله تغییرات در رهبری حزب شد و امامی توسط دکتر نصیر احمدزی (مسؤل ارتباطات حزب) تعویض شد.

۱۳۲ - سالم مندوخیل په هیواد کښی د علماو او طالبانو گوند اعلان شو هفته نامه کابل ۲۳ ثور ۱۳۸۳ (۱۲ می ۲۰۰۴). تخلص دوم رهبر حزب - کرزی - اشاره داشت که وی از عین منطقه رئیس جمهور کرزی است اما صرف این مطلب در بخش دری/پښو هفته نامه کابل ذکر شده بود.

در افغانستان برای حکومت سیکولریزم و هیچ سیستمی غیر از اسلام قابل قبول نیست^{۱۲۶}. ولی بعضی از افغانها معتقد اند که از اسلام منحیث یک وسیله استفاده شده است. این مسئله توسط نشریه آفتاب ۲۰۰۳ که تحت عنوان فاشیزم مقدس رهبران جهادی را بخاطر سوء استفاده کردن ایشان از اسلام منحیث و سیله رسیدن به قدرت مورد حمله قرار داد. در نتیجه مدیر مسول این نشریه به هشت سال زندان محکوم شد، اما مجبور به اختفا شده و بلاخره فرار از وطن شد^{۱۲۷}.

باحضور و عدم حضور حزب اسلامی

حزب اسلامی افغانستان تحت رهبری گلبدین حکمتیار یک قضیه جداگانه است. بایرون بودن از کنفرانس بن، این حزب به مبارزه مسلحانه برضد حکومت کرزی و پشتیبانان خارجی اش پرداخت. ولی بسیاری از کادرهای سابق حزب، راه همکاری به حکومت کرزی را انتخاب کردند^{۱۲۸}. در ماه می ۲۰۰۴، بعد از یکسال گفتگوهای مقدماتی یک گروهی که ادعا میکردند از حکمتیار و پالیسی هایش بریده اند، علناً اعلان کردند که حکومت کرزی را تأیید میکنند و موافقه کردند که در چوکات قانون اساسی کار کنند و از خشونت، دهشت و بذر خشخاش (مواد مخدر) دوری جویند. ایشان تحت رهبری خالد فاروقی قوماندان سابق حزب اسلامی در ولایت پکتیا، ادعا کردند که از تمامی حزب اسلامی نمایندگی میکنند^{۱۲۹}. با آنهم این افتراق آنان رخ نداد. ابتداء این گروه یک در خواست ثبت نام را تحت عین نام و نشان حزب (بشمول تاریخ اصلی حزب) اسلامی حکمتیار را تقدیم داشتند که در فورمه در خواستی جای رهبر حزب خالی گذاشته شده بود. در خواستی ایشان رد شده و خواسته شد که باید حزب نام خویشرا تغییر دهد و اسم رهبر آن در فورمه مشخص شود تا معلوم شود اینکار یک چاره مؤقت برای حکمتیار نبوده است. باوجودیکه از جمله شرایط فوق تنها یک در خواست یعنی مشخص شدن رهبر حزب عملی شده بود، بازهم حزب ثبت و راجستر شد. حکمتیار از آنها فاصله اختیار کرده ایشان را گروه گمنامی خطاب کرد که مجبور ساخته شده اند که حمایت خویشرا از کابل و حکومت امریکا اعلام

۱۲۶ - قانونی در عین مصاحبه برای آینده افغانستان یک اسلام معتدل و تحمل پذیر را فرا میخواند.

Sayed Saleem Shahzad, 'The opposition face of Afghanistan', Asia Times online, 21 Sept 2005

, Asia Times online, 21 Sept 2005

[Sayed Saleem Shahzad, The opposition face of Afghanistan

۱۲۷ - میرحسین مهدوی، فاشیزم مقدس آفتاب نمبر ۲۰ تاریخ ۲۱ جوزا ۱۳۸۲ (۱۰ جون ۲۰۰۳). همچنان مراجعه شود به:

Danish Karokhel, Blasphemy Editor Unrepentant (سردبیر کفرگویی توبه گار نیست) Institute war & peace reporting, ARR No.76,1 Oct 2003

۱۲۸ - به نویسنده لست بیش از ۲۰۰ نفر کادر های سابق حزب نشان داده شد که در اداره کرزی سهیم بودند و توسط یکی از اعضای بلند رتبه حزب اسلامی رهبری میشد.

۱۲۹ - مراجعه شود به: پشتیبانی شورای تصمیم گیری حزب اسلامی از دولت، انیس (کابل)، ۱۴ ثور ۱۳۸۳ (۴ می ۲۰۰۴)؛ اعلامیه هیئت با صلاحیت شورای تصمیم گیری حزب اسلامی افغانستان؛ ibid بعضی از نویسنده ها عقیده دارند که معاون رهبر حزب قطب الدین هلال که به افغانستان برنگشته است در عقب این گروه قرار دارد. همچنان مراجعه شود به:

Sayed Saleem Shahzad, Assault on Afghanistans political soul, Asia Times online, 21 Apr 2004

ایجاد شد. از وقت سقوط طالبان بدین سو این حزب در بین دولت و جانب مخالف در نوسان بوده است. در حالیکه ساختار داخلی آن همانند تنظیم در تسلط جنرال عبدالرشید دوستم است، اما طوریکه گیوستوزی (Giustozzi) می گوید این سازمان صرفاً اتحاد سست نظامی نیست بلکه همچنان شامل احزاب و گروههای سیاسی می شود. در بین آنها چپ گراهای سابق (از حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، گروه کار، فعالین سزا و حتی مائویستهای سابق) یعنی آنهاییکه با در نظر داشت طرز فکر غیر مذهبی جنبش بعد از سقوط رژیم حزب دیموکراتیک افغانستان / حزب وطن در سال ۱۹۹۲ به آن روی آوردند، ملیت گراهای از بک و ترک نژاد و همچنان اسلام گراها بود که مانع از آن شدند تا جنبش بتواند یک هویت مشخص سیاسی و ایدیالوژیک بخود اختیار کند. همچنان این حزب یک هویت مشخص ملی هم ندارد. از نظر گیوستوزی (Giustozzi) تا وقت تشکیل لویه جرگه های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ رهبر جنبش بطور فزاینده تأکید روی مسئله ملیت نمود. اما هیچگاهی جنبش در مورد مشخصه ترک نژاد خواهی خویش اعلامیه ایرا در اختیار عام نسپرد (.....) برای رهبران محلی و ملی جنبش یک عمل معمولی بود که در جرو بس های خصوصی و بین مردم خویشرا مدافع حقوق ازبکها و ترکمنها در افغانستان و انمود کنند. گیوستوزی این موضوع را چنین تعبیر میکند: ادعای نمایندگی کردن رهبران جنبش از ازبکها در شرایط که از بکها در حکومت مرکزی نمایندگی کمتر دارند و در سال ۲۰۰۲ این کمبود چشمگیر تر بود، باز هم موقف دوستم را تحکیم بخشید^{۱۳۴} در عین زمان امتزاج^{۱۳۵} جنبش در سال ۲۰۰۵ با حزب مبارزین ملی دیموکرات صلح افغانستان، یک حزبی با پیروان محدود پنبتونها در شرق افغانستان تحت رهبری ژان (خان) بادشاه شنواری برای جنبش چانس بیشتر داد که خود را یک حزب برای همه افغانها معرفی کند.

در عین زمان چندین تلاش ناموفق داخلی جنبش منجر به فاصله گرفتن رهبران دست دوم جنبش گردید^{۱۳۶} بعد از آنکه دوستم در دفتر ریاست جمهوری به مقام تشریفاتی و یا سیمبولیک لوی در ستیز قوای مسلح گماشته شد اعلان داشت که در طی چند ماهی از مقامش منحیث رهبر حزب کنار رفته و بعوض وی معاونش سید نورالله سر پرستی رهبری حزب را بدوش خواهد گرفت^{۱۳۷} افشار برای تغییر وقتی در ماه جون سال ۲۰۰۶ افزایش یافت که جنبش مواجه به افتضاح لت و کوب یکی از نمایندگان پارلمانی خویش گردید و نماینده مذکور نظر داده بود که دوستم از مقام رهبری حزب کناره گیری کند و جنبش منحیث یک سازمان عصری سیاسی بخود تجدید سازمان دهد^{۱۳۸}. معلوم

134 - Antonio Giustozzi, The Ehtnicisation of an Afghan Faction: Junbesh-i-Milli from its Origins to the Presidential Election, Crisis States Programme, Working paper series no. 1, London School of Economices, Working Paper no. 67, pp.2,14-16

۱۳۵ - تیلویزیون آئینه جوزجان ۱۵ جون سال ۲۰۰۵

۱۳۶ - نظریه گفته فعالین پیشقدم جنبش شش تن از هشت معاون جنبش. در بین ایشان داد فرو قرقین بودند که به اردوگاه رئیس جمهور نزدیک شدند اما رابطه خویشرا با دوستم و جنبش نزدیک نگاه کردند. مصاحبه نویسنده در کابل و مزار سال ۲۰۰۵/۰۶

۱۳۷ - دوستم از حزب خویش استعفا داد، چراغ ۵ اپریل ۲۰۰۵

۱۳۸ - این افتضاح اولاً در نیویارک تایمز در ۳۰ جنوری سال ۲۰۰۵ به نشر رسید و بعد توسط نشریه افغان دنبال شد. بعضی از اعضای پارلمان تقاضای بازجوئی رسمی رانمودند.

احزاب شعیبه

بزرگترین حزب شعیبه، حزب وحدت اسلامی، قبلاً در زمان طالبان بدو بخش تقسیم شده بود: گروه استاد محمد اکبری با طالبان به موافقه دست زد که به اثر آن - البته تحت نظر بعضی از قندهاریها - به کنترل بعضی ساحات هزاره جات دسترسی پیدا کرد، ولی گروه خلیلی متحد اتحاد شمال باقی ماند. به استفاده از موقعیت قوی خویش در شمال و مرکز مملکت، محقق و کاظمی گروههای خویش را بدون ترک کردن حزب و وحدت قبل از سال ۲۰۰۳ رشد دادند. در جریان هردو انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی محقق به عنوان یگانه کاندید هزاره در مقابل کرسی مؤثرانه توانست که جامعه هزاره ها را بسیج سازد. آقای محقق در انتخابات ریاست جمهوری مقام سوم و در انتخابات پارلمان مقام دوم را در بین کاندیدان کابل داشت ۱۳۳. که بعد از نتیجه گیری انتخابات جانب دولت را گرفت. زمانی که محقق در انتخابات ریاست ولسی جرگه راه حمایت از سیاف را در مقابل قانونی در پیش گرفت وی نفوذی را که قبلاً کمائی کرده بود یک اندازه از دست داد. یک شعبه دیگر حزب وحدت، حزب وحدت اسلامی ملت افغانستان به رهبری قربانعلی عرفانی ساخته شده بود. حرکت نیز بدو بخش تقسیم شد: رهبر حزب آقای محسنی همچنان با نام اصلی و بخش دفتر داری خویش ادامه داد و در حالیکه بخش سید حسین انوری حزب خویشرا حرکت اسلامی مردم افغانستان نامیده بیشتر به بخش نظامی و سیاست غیر مذهبی تکیه کرد. در ماه فبروری سال ۲۰۰۵ محسنی از رهبری حزب کناره گیری کرد و رهبری حزب را به حجت الاسلام سید محمد علی جاوید، یکی از وزرای کابینه کرسی که در سال ۲۰۰۱ در بن تشکیل شده بود، سپرد. تلاشهای زیاد صورت گرفت که احزاب شعیبه، حداقل گروههای منشعب از حزب وحدت، در یک جانب قرار گیرند اما همه کوششها ناکام شد. در ماه سپتیمبر سال ۲۰۰۴ خلیلی کانگره دوباره سازمان دهی حزب خویشرا در کابل برگزار نمود، اما وقتیکه واضح شد رهبر تاریخی حزب حاضر نیست که نقش خویشرا در حزب کنار گذاشته و به چهره های نوظهور اجازه رهبری دهد، هیچ یک از رهبران دعوت شده از دیگر گروهها و یا افراد مستقل به آن شرکت نکردند. در حقیقت خلیلی به شرکت کنندگان بیان داشت که شورای مؤسسين حزب تصمیم خویشرا در مورد انتخاب دوباره وی گرفته است و وی دونفر معاونین خویشرا نامزد کرد.

یک تنظیم غیر جهادی: جنبش

در حالیکه جنبش ملی و اسلامی افغانستان مثل سائر تنظیمها یک سازمان نظامی - سیاسی است، این سازمان بخاطر سوابق متفاوتش میباید علیحده مطالعه شود. جنبش که در ابتداء یک ملیشای طرفدار دولت های خلقی بود در سال ۱۹۹۲ با اتحاد شمال متحد شد. بعد از این تاریخ جنبش رسماً به صفت حزب

۱۳۳ - وی ۵.۶٪ از قانونی جلوگیری داشت.

دیگری به رهبری قدرت الله حداد اند که از صحنه کنار رفته اند. حزب کنگره ملی افغانستان که بنام حرکت بسوی کنگره ملی افغانستان در زمستان ۲۰۰۱/۰۲ در بلجیم تاسیس شده بود، در سال ۲۰۰۳ تجدید نام کرد و رسانه‌ها آنرا خوب می‌شناسد. رهبر شاعر و صریح‌گفتار حزب لطیف پدرام، علناً هر دولویه جرگه را منحيث نهادهای غیر دیموکراتیک مورد انتقاد قرار داد، و احداث پایگاه‌های نظامی امریکائی را در قلمرو افغانستان و همیاری ستراتیژیک افغانستان با امریکا رار د میکند. با آنهم وی در انتخابات ریاست جمهوری ۱/۴٪ رای را بدست آورد که در بین کاندیدان کوچک موفق بهتر داشت. در سال ۲۰۰۴ حزب بخاطر انتقاد بعضی از رهبران حزب از تسلط پدرام در حزب و لهجه ثقیل او بر علیه پنبنتونها انشعاب کرد. سازاتاهنوز در بین طبقات تحصیل یافته و روستانشینان در شمالشرق و شمال افغانستان پیروانی دارد، و نظربه راپور ها بعضی از گروههای مسلح که طرفدار حکومت داکترنجیب الله بودند با ایشان یکجا بود و در جلای وطن بنام نهضت دیموکراسی تجدید نام شده است. در موقع کنفرانس آچین در جون ۲۰۰۱ رهبر حزب محبوب الله کوشانی با هر دو حرکت چپی اعضای سابق حزب دیموکراتیک خلق افغانستان (مشخصاً شاخه کارملیستها یعنی نهضت میهنی) و گروههای معین مائوئیستهای سابق رابطه ایجاد کرد. بعد از سقوط طالبان، سازا دوباره در داخل افغانستان فعال شد، یکی با پیمان کابل پیوست ۱۴۵، دیگری برای مدتی با نهضت همبستگی ملی افغانستان (NCPDA) ۱۴۶ متحد شد و در حالیکه تایک زمانی گروه سومی ظاهراً مستقلانه به فعالیتهای خویش ادامه داد. موضوع قابل تبصره اینکه در همه این واقعات سازا باملیت گراهای سابق پنبنتون همکاری داشت تا روی منشأ بعضی خصلت های ملیت گرائی نژادی حزب خویش سرپوش گذارد. سازا طوریکه تا به هنوز به ثبت نام خویش تأکید ندارد و نظر به گفته کوشانی که میگوید این حزب میخواهد اقبال خویشرا برای پیش بینی یک حزب بزرگتر بآزماید. و این حزب همچنان بسیاری از جریانات فعلی را بنام اینکه اصالت دیموکراتیک ندارند مردود میدانند ۱۴۸. دو حزب چپ نژاد گرای دیگر یعنی گروه کار و سفزانیز فعال اند. گروه کار در تمامی مدت سالهای ۹۰ با دوستم در تماس بود اما یک گروه از اعضای آن تاسیس حزب جدید یرا تحت نام جنبش همبستگی ملی افغانستان تحت رهبری انجنیر احمد براه انداخت. موجودیت سافزا رسماً در سال ۱۳۸۴ ملیشائی کوچک در ولسوالی درواز بدخشان دارد ۱۴۹. یک حزب دیگر بنام حزب پیوند ملی افغانستان از ترکیب یک اقلیت شروع شد و چرخ سیاسی آن بخاطر حمایت از اقلیت اسماعیلیه بغلان بحرکت در آمد که رهبر آن منصور نادری بود و فرزندش در رژیمهای مختلف یک گروه کوچک ملیشائی را بخاطر

۱۴۵ - مراجعه شود به فصل دیموکراتیک جید

۱۴۶ - درباره نهضت میهنی، آچین، پیمان کابل و نهضت همبستگی ملی افغانستان NCPDA، مراجعه شود به فصل دیموکراسی جدید.

۱۴۷ - مصاحبه مؤلف در کابل، ۲۰۰۶

۱۴۸ - نباید با حرکت همبستگی ملی اسحق گیلان مغالطه شود؛ هر دو حزب از اصطلاحات جداگانه کلمه حرکت در دری استفاده میکنند.

۱۴۹ - در سال ۲۰۰۴ در ولسوالی دواز، ملیشای هر دو سازمانهای سازا و سافزا تحت برنامه خلع سلاح سازمان ملل (DDR) خلع سلاح شدند.

می شود که این واقعه گروه عصری سازان حزب را بر انگیزت که با احتیاط بدون اینکه دوستم را یک سره به جانب مخالفین سوق دهند به تغییرات درون حزب در کنگره سوم جنبش که از مدتها قبل پلان شده بود آمادگی گیرند. اعضای رهبری حزب برای مدت دو سال جلسه نکرده بودند^{۱۳۹}. بخش نظامی و طرفدار دوستم که با گروه کوچک ولی پر سرو صدای اعضای سابق حزب اسلامی تقویت می شد در مقابل اصلاح طلبان با قدرت مساوی، آینده جنبش را متعادل ساخت. بهمین صورت منازعات پیهم با حزب آزادی افغانستان تحت رهبری جنرال عبدالملک در شمال افغانستان ادامه داشت و وقوه شدیدترین برخورد های گروهی زمان بعد از طالبان افغانستان را به یاد گار گذاشتند. حزب آزادی عبدالملک متهم بود که منحنی وسیله بخاطر تضعیف حوزه انتخاباتی دوستم توسط جمعیت استفاده می شد^{۱۴۰}. اظهارات ضرار احمد مقبل در وسط آگست سال ۲۰۰۶ به مفهومی که این احزاب بخاطر داشتن شاخه نظامی باید منحل شوند^{۱۴۱}، توسط این احزاب در روشنی ای دیده شد که گویا این وزارت در پروسه غیر مسلح سازی ملیشای احزاب بر خورد انتخابی (تبعیض امیز) دارد.

ملی گرایان قومی و قوم گرا چپ

در بین ملی گرایان قومی، افغان ملت وسیعاً جانب دولت بوده و نقش عمده را در قوم پنبنتونها دارد. حزب با رهبر خویش انورالحق احدی در مقام وزیر مملکت و ۱۰ عضو در پارلمان^{۱۴۲} از موقعیت خوب و امکانات بهتر برخوردار است. یک شبکه سازمانهای غیردولتی نزدیک به حزب امکان آنرا فراهم ساخته است که حمایت مردم را نه تنها در ولایات پنبنتون نشین بلکه در دیگر ولایات ها نیز بسیج نماید. در حالیکه اکثریت اعضا پنبنتون اند، اما میکوشد که شهرت طرفدار قوم پنبنتون را از خود دور کند و تلاش مینماید که اقوام دیگر را نیز به دور خود بسیج کند^{۱۴۳}. دو گروه دیگری به رهبری شمس الحق شمس (در دیسیمبر ۲۰۰۵) بحیث رهبر، شمس فرزند خویش انجنیر اجمل شمس را در معاونیت خویش تعیین کرد^{۱۴۴} و

۱۳۹ - مصاحبه نویسنده در کابل سال ۲۰۰۶

۱۴۰ - جنرال ملک معاون سابق دوستم برای مدت کوتاهی در سال ۱۹۹۷ بعد از آنکه وی دوستم را یکسال قبل متهم به قتل برادرش رسول پهلوان نمود جانبداری طالبان را نمود. بعد از آنکه وی دریافت طالبان قصد آنرا ندارند که ملک را فرمانروای سمت شمال بسازند وی از طالبان برگشت و با همکاری حزب وحدت طالبان را از مزار شریف بیرون راند. طالبان اسیر شده قتل عام شدند. بعد از یک سال که مزار را طالبان دوباره تسخیر کردند، ملک بخارج فرار کرده در جریان حکومت طالبان در امریکا زندگی میکرد و چنین درخواست شد که وی بعبوض اسامه بن لادن به طالبان داده شود. بعد از سقوط طالبان ملک بکابل و بلاخره تحت حمایت عطا والی بلخ حریف عمده دوستم و متحدین کابلی اش به مزار رسید.

۱۴۱ - سید یعقوب هاشمی، وزارت داخله افغانستان با گروههای مسلحه معامله میکند

Institute for War and Peace Reporting, IWPR Afghan Recovery Report, No. 228, 1 Sept 2006.

۱۴۲ - در ماه اکتوبر رهبر حزب گفت که حزب افغان ملت ۱۴ عضو مکمل و ۹ هواخواه در پارلمان دارد. مصاحبه نویسنده، کابل ۲۰۰۶

۱۴۳ - رئیس بخش زنان این حزب یک خانم تاجک است. بطورمثال مصاحبه مؤلف در کابل، ۲۰۰۶. معلوم می شود که این گرایش قبلاً در اواسط

سال ۱۹۸۰ شروع شده بود. مراجعه شود به: Bucherer-Dietschi and Jentsch (eds.), op. cit., p.368

۲۷ ۱۴۴ رهبر افغان ملت شمس الهدا شمس فوت نمود، The new International, 6 Dec. 2005. گروه شمس از کاندیدی آصفی در انتخابات ریاست جمهوری بمقابل کرزی حمایت کرد.

با فریاد های همد یگر را رفیق خطاب میکردند^{۱۵۵} و قتیکه حزب برای ثبت نام درخواست نمود این وضعیت مشکلاتی را ایجاد کرد. در ماه آگست ۲۰۰۳ دادگاه عالی کشور به درخواست پنج تن از رهبران جهادی^{۱۵۶} راجع به باز داشتن فعالیت حزب وطن بعد از سقوط داکتر نجیب الله در ماه می سال ۱۹۹۲ در زمان حکومت مجاهدین^{۱۵۷}، اقدام کرده آنرا ممنوع قرار داد. بلاخره ثبت نام حزب، برخلاف شرایط قانونی که باید سه ماه را در بر میگرفت، ۱۴ ماه را در بر گرفت^{۱۵۸}. در حالیکه بسیاری از چپ گرایان سابق براه انداختن این حزب را به باد انتقاد گرفتند. زیرا که کارآمدگی و بلاخره طرح ریزی آن با شرکت ۲۱ تن از اعضای گروپهای چپ گرائیکه تنها محدود به اعضای سابق حزب دیموکراتیک خلق نمی شدند، دو سال را در بر گرفت. بسیاری دیگر پروسه تشکیل حزب را طولانی تر و از پائین به بالا میخواستند و علومی را متهم می ساختند که به تنهایی به پیش می رود. در عاقبت ۱۸ تن از شرکت کنندگان اولی از حزب بیرون شدند^{۱۵۹}. بزودی سه گروپ دیگر که توسط خلقی های سابق رهبری می شد ظهور کرد: حزب ملی افغانستان مربوط وزیر سابق عبدالرشید آرین^{۱۶۰}، افغانستان سولی غورخنگ مربوط وزیر دفاع سابق شهناز تگی^{۱۶۱} و ملی یووالی گوند تحت رهبری عبدالرشید جلیلی وزیر در دوره حکومت امین. در مقایسه با علومی این احزاب مشکلی به سرعت ثبت نام حزب خویش نداشتند. در جولای ۲۰۰۵ این سه حزب قصد خویش را مبنی به ایجاد یک حزب ملی وسیع، با قدرت، در سطح ملی و مستقل اعلان داشتند و موافقه کردند که به اساس یک مرامنامه (Platform) مشترک جبهه ایرا تشکیل دهند که بروی احزاب و افراد ملی، مترقی و دیموکراتیک دیگر باز بوده، وهم در اثنای انتخابات مشترکاً عمل کنند^{۱۶۲} بعضی از احزاب کوچک با سابقه عمدتاً پرچمی کوشیدند تا با احزاب دیموکراتیک جدید اتحاد کنند. مهم ترین اینها حزب ترقی ملی به رهبری بکتاش (NPP)،^{۱۶۳} که خود از الحاق ۱۷ گروپ ساخته شده بود، و حزب رفاه مردم افغانستان به رهبر میا گل واثق بود^{۱۶۴} هر دو بر میگردد به قوت های چپی بنامهای اکثریت خاموش و نهضت ضد

156 - BIA News Bulletin, 16 Aug 2004.

157 - 'Leadership Council Abolishes Communist Structures', Radio Afghanistan, 6 May 1992, cit. in: BBC Summary MEASURES; FE/1375/C1/1; 8 May 1992. See also Rasuly, op.cit., p.320

۱۵۸ - نظریه بند ۵ (۱) قانون احزاب سیاسی در صورت جواب مثبت و یا منفی در ظرف دو ماه احزاب می توانند که درخواستی خویش را دوباره تقدیم کنند. مراجعه شود به مقررات دولتی ثبت نام احزاب سیاسی.

(See; <http://www.ag-afghanistan.de/files/partylaw-engl.ht>,

۱۵۹ - در عین زمان علومی ادعا میکند که بسیاریها بعداً که دریافتند جریان به پیش می رود دوباره برگشتند. در حقیقت حزب در ساحه بیشتر مملکت حضور داشت.

۱۶۰ - این حزب اسم سابق حزب دیموکراتیک خلق افغانستان را تا سال ۲۰۰۳ استفاده کرد. مصاحبه مولف در سال ۲۰۰۳ در کابل
۱۶۱ - تنی در سال ۱۹۹۲ بصورت غیر موفق کوشید که در مقابل داکتر نجیب الله کودتای کند و به تعقیب آن به پاکستان فرار کرد، جائیکه بسیاری از کادرهای پنبتون وی با طالبان پیوستند.

۱۶۲ - دیووالی په لور. op. Cit. ...

۱۶۳ - حزب ترقی ملی از ۱۷ گروپ تشکیل یافته بو که در ابتدا توسط اعضای خاندان سلطنتی علی .ا. سراج پشتیبان می شد

۱۶۴ - در سالهای ۰۲ / ۲۰۰۱ این حزب بنام حزب نجات ملی افغانستان خوانده می شد. یک گزارش کوتاه سوابق تاریخی حزب رفاه مردم افغانستان {SIC}، رساله چاپی، {کابل نومبر سال ۲۰۰۴}

محافظت از اجتماع آسیب پذیر خویش رهبری میکرد. گروه اصلی بنام جبهه روشنفکران یاد می شد و در برگیرنده بعضی چپ گراهای سابقه بشمول ظهور رزمجو عضو بیروی سیاسی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان میشود. وزارت عدلیه از ثبت نام حزب تحت این نام خود داری کرد و مجبور ساخته شدند که نام خویشرا تغییر دهند.

چپی های حزب سابق دیموکراتیک خلق افغانستان

چپی های حزب سابق دیموکراتیک خلق افغانستان امروز بیشتر از هر وقت دیگر به چند پارچگی مواجه اند. در حدود ۱۵ حزب ثبت نام کرده اند که توسط مقامات سابق حزب دیموکراتیک خلق افغانستان رهبری میشوند و تقاضای رجعت به اصل خویش را دارند. در جریان این گروه بندی سازمانی به اساس شگاف سابق خلق و پرچم فرقهها عمیق تر شده میرود و تمایلات امین گراها، نجیب گراها و کارمل گراها را انعکاس میدهند. در عین زمان این احزاب ادعا دارند که ایشان گذشته را عقب گذاشته اند. بعضی ایشان ادعا دارند که هیچگاهی کمونست نبودند اما وطن پرست^{۱۵۰} بودند و خود را اعضای غیر ایدئالوژیکی^{۱۵۱} حزب معرفی میکنند و اقتصاد مارکیت آزاد^{۱۵۲} را حمایت میکنند. بعضی از ایشان میگویند که ایشان همیشه ترقی اجتماعی را حمایت کرده اند بطور مثل مراجعه شود به گفتار نورالحق علومی: ما ترقی میخواستیم و همان چیز است که تا به هنوز میخواستیم^{۱۵۳}. عبدالکبیر رنجبر رهبر حزب دیموکرات اعلان داشت که: من به گذشته خود افتخار میکنم بخاطریکه من همیشه در خدمت مردم بوده ام^{۱۵۴}. اولین حزبیکه از انجام این صف بندی سیاسی در آگست سال ۲۰۰۳ بیرون آمد حزب متحد ملی افغانستان (NUPA) است که توسط یک جنرال سابق نورالحق علومی تاسیس شد. آنچه که بعداً مؤسسين حزب مجلس خویشرا نامیدند، در ابتداء کنره مجلس موسسان حزب اعلان شد. دران اهل خبره، شخصیتهای ملی و اعضای سابق حزب وطن شرکت داشتند. درحالیکه سخنگوی رسمی حزب تأکید بران داشت که حزب از گذشته خود آموخته است و آن اشتباهات دوباره تکرار نخواهد شد در حدود ۸۵۰ نفر اعضای پائین رتبه حزب در فرصتهائیکه ذکر از حزب وطن و یا داکتر نجیب الله میشد^{۱۵۰} - ایشان به حقیقتی اشاره میکنند که امین توسط مهاجمین شوروی کشته شد اما فراموش میکنند که امین اعلان کرده بود که افغانستان مودل انقلاب دوم است. مصاحبه نویسنده در کابل ۲۰۰۳

۱۵۱ - مراجعه شود به (بطور مثال e.g) اعلامیه حزب کدام پایگاه ایدئالوژیکی ندارد تصویر کوتاهی از حزب ترقی ملی، بیانیه مطبوعاتی، (کابل، نومبر ۲۰۰۴)

۱۵۲ - مراجعه شود به (بطور مثال e.g) دیووالی به لور و اعلامیه مشترک احزاب سابقه حزب دیموکراتیک خلق افغانستان ملی یووالی، حزب ملی و د سولی غورخنگ، ۲۱ است ۱۱۳۸۴ (۳۱ جولای ۲۰۰۵)

153 - Graeme Smith, Afghans may vote in Communists they drove out, Globe and Mail(Toronto), 22 Sept 2005

۱۵۴ - مصاحبه با رادیو آزاد افغانستان ۲۹ نومبر سال ۲۰۰۵. درحقیقت تعداد روبه افزون افغانها تحسین میکنند و به بعضی جنبه های حکومت حزب دیموکراتیک خلق افغانستان پی برده اند. مشخصاً زنها حد اقل در مناطق شهری از حقوق بهتری برخوردار بودند.

۱۵۵ - مولف وضعیت را در جریان کنفرانس موسسان حزب بتاریخ ۲۲ آگست نظاره میکرد.

که در داخل مملکت بنام نهضت فراگیر دیموکراسی و ترقی افغانستان ثبت نام شده است. این حرکت با رهبران رده دوم حزب سابق دیموکراتیک خلق افغانستان شیرمحمد بزگروسلیمان کامجوهماهنگ شده بود. در یک اعلامیه ای که در ۲۵ فبروری سال ۲۰۰۶ صادر شد، نهضت وطن پرستی برنامه و موقف نهضت فراگیر را تأیید کرده انحلال سازمان خویش را در وجود یک سازمان اعلان داشت. در عین زمان، رهبران سابق حزب دیموکراتیک خلق افغانستان با الهام از حرکت وطن پرستان اعلان داشتند که ایشان تقاضای مقام رهبری را در حزب جدید ندارند. تا کنون ثبت نام نهضت فراگیر توجه عامه را جلب نکرده است.^{۱۶۹} جدا از اینها یک تعداد گروپها در جلای وطن بسر می برند. جالبترین ایشان حزب تجدید شده وطن است که در جلای وطن اولین کنفرانس خویش را بتاريخ ۲۸ جون سال ۱۹۹۷ در میونخ برگزار کرده و محمد عیسی جسور یک عضو جوان حزب وطن را بحیث رهبر انتخاب کردند. حزب خود را تداوم حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و حزب نجیب الله به عین نام معرفی کرده پالیسی آشتی ملی انرا تمجید میکند اما ناکامی های او را با ارائه یک خط واضح نشانی کرده آنرا راجع می سازد به انحرافات و افراطیت گذشته ۱۷۰ این حزب در کانگره دوم خود در شهر فرانکفورت/مین جرمنی در ماه نومبر سال ۲۰۰۰ فراتر از آن رفت و همه رهبران سابق حزب دیموکراتیک خلق افغانستان را به شمول ببرک کارمل و آن اعضای بلند پایه حزب که در کودتای ضد نجیب در سال ۱۹۹۲ با دوستم ارتباطات داشتند خائنین ملی اعلان کرده از حزب اخراج کرد^{۱۷۱}. با آنهم این واضح نیست که به چه اندازه این حزب در داخل افغانستان فعال است.

آنانی که قبلاً حزب دیموکراتیک خلق^{۱۷۲} را رها کرده بودند یعنی سازمان کارگران جوان افغانستان (KoJA) دوباره تحت رهبری صوفی محمد شینا بنام اتحاد ازادی مردم افغانستان (AAMA) فعال گردید. بصورت کل یک جانشین زنده از بین احزاب بعد از حزب دیموکراتیک خلق افغانستان ظهور نکرده است^{۱۷۳}.

دیموکراتهای جدید

در عصر بعد از طالبان از حرکت های جلای وطن و پنهانی یک جریان جدید سر در آورد که از آن بنام دیموکراسی نوین یاد می شود. این نسل جدید فعالین سیاسی عمدتاً از اردوگاه چپ، هردو گروپهای

۱۶۹ - حزب ادعا دارد که در پارلمانی ۵ عضو دارد این معلومات از گیوستوزی (A.Giustozzi) بدست آمده است.

۱۷۰ - کمیته مرکزی حزب وطن افغانستان، پیام اولین کنفرانس سراسری حزب وطن در خارج کشور با احزاب، سازمان و نیروهای صلح دوست جهان، وطن ()، شماره ۲ سال اول ۱۳ سنبله ۱۳۷۶ (۳ سپتیمبر ۱۹۹۷)

171 - See: Green Left Weekly, Broadway NSW (Australia), no. 364, 9 June 999; author's interview with Mr. Jassur in Martin Ling, Afghanistan: Auf der Suche nach einer Dritten Kraft', Neues Deutschland (Berlin), 29 March 2001; John Inshiyama, 'The Sickle and the Minaret: Communist Successor Parties in Yemen and Afghanistan after the Cold War', MERIA Journal Vol. 9, No. 1 (March 2005), p.17

۱۷۲ - این گروه حزب دیموکراتیک خلق افغانستان را در سال ۱۹۸۸ رها کرد بخاطریکه اینحزب فیصله جنیوارا نپذیرفت؛ مراجعه شود به پورقی ۸۰

جنگ که در حالت تبعید در سال ۱۹۹۰ در پاکستان ایجاد شده بودند و بخاطر یک اتحاد وسیعتر باهم پیوسته بودند. حزب تفاهم و دیموکراسی افغانستان (AUDP) به رهبری معاون صدراعظم سابق احمد شاهین ادعا دارد که قبلاً در سال ۱۹۸۹ ساخته شده بود و در حالیکه حزب محمد زبیر پیروز بنام حزب سعادت مردم افغانستان (APWP) تحت نام جبهه متحد ملی افغانستان^{۱۶۵} در سال ۱۹۸۹ آغاز یافت. ولی جریان این ائتلاف بین اعضای سابق حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و مخالفین آنوقت ایشان بر سراینکه آیا واقعه ۷ ثور کودتا بوده و یا انقلاب، مختل شد. این مسئله باعث رکود دیگر کوشش های ماه جولای سال ۲۰۰۶ گردید که هدفش بهم آوردن در حدود ۲۵ گروهی بود که مربوط به حزب سابق دیموکراتیک خلق افغانستان، شعله ای ها و احزاب جدید با سابقه دیموکراتیک می شدند. در حال حاضر حد اقل سه تلاش در جریان است که یک ائتلاف چپ گراهای حزب سابق دیموکراتیک خلق افغانستان را ایجاد کند. دو تلاش آن از سوی آن سیاست مداران حزب دیموکراتیک خلق افغانستان پیش برده میشود که در حالت جلا وطنی بسر می برند و منظمأ از افغانستان بازدید میکنند. در ماه جون نجیبیستهای داخل مملکت و خارج مملکت، که بحیث حزب ثبت نام نکرده بودند، سازمان برای دیموکراسی در افغانستان و کمیسیون موقت انسجام اعضای حزب وطن را تحت رهبری وزیر و عضو کمیته مرکزی سابق حزب دیموکراتیک خلق افغانستان انجنیر نظر محمد انسجام داده و پروتوکولی همکاری را منحیث اولین قدم در جهت هماهنگی و گردهم آوردن اعضای حزب وطن و همه آنهایکه از نظر سیاسی علاقه مند دستیابی به اتحاد سازمانی و تشکیلاتی اندامضاً کردند. ایشان باهم کمیسیون موقت انسجام اعضای حزب وطن و کلیه نهادهای ملی و وطندوست را ایجاد کردند. این وحدت طرفدار یکمودل مرکزی بخاطر تشکیل یک جبهه متحد ملی غیر قومی و غیر منطوقی و سرتاسری از همه قوتهای وطندوست میباشد^{۱۶۶}. در ۷ سپتمبر ۲۰۰۶ اعضای ۱۲ احزاب کوچک و گروپهای ثبت نام نکرده عمدتاً از داخل افغانستان تصمیم گرفتند که تحت نام یک حزب متحد شوند^{۱۶۷}. حرکت سومی از جانب کارملیستها بنام نهضت میهنی دیموکراسی و ترقی افغانستان در خارج تاسیس شده بود^{۱۶۸}،

۱۶۵ - به پاورقی ۴ مراجعه شود.

۱۶۶ - اعلامیه مشترک سازمان دیموکراسی برای افغانستان و کمیسیون موقت انسجام اعضای حزب وطن {کابل} ۲۵ جوزا ۱۳۸۵ (۱۴ جون ۲۰۰۶)
 ۱۶۷ - این احزاب و گروپها قرار ذیل اند: حزب ترقی ملی؛ حزب تفاهم و دیموکراسی افغانستان؛ حزب سعادت مردم افغانستان؛ شورای مصلحت ملی تحت رهبر محمد صدیق خاوری؛ یک گروپ ODA به رهبری عبدالرشید جانباز؛ سازمان افغانستان نوین (عبد العزیز میهن پور یک انشعاب از حزب تگی، دسولی غورخنگ)؛ حزب افغانستان واحد (محمد واصل رحیمی)، شورای انسجام حزب واحد (محمد اکبر اوریان)؛ شورای صلح و دیموکراسی برای افغانستان (سید سرور تابش)، شورای انسجام دیموکراسی برای افغانستان (میر محمد اکبر ظفر)، اتحاد ملت افغانستان (خانم عادلہ کوهستانی) و بخش اکثریت اصولگرا و وحدت خواه حزب ملی افغانستان تحت رهبر عضو پارلمان سید محمد گلابزوی وزیر داخله در زمان حلقی ها که اخیراً از حزب ملی تحت رهبری آرین انشفاق یافته است.

مصاحبه مؤلف با داکتر بکتاش بتاریخ ۱۰ سپتمبر سال ۲۰۰۶. درین مورد تاهنوز اسنادی در دست نیست.

۱۶۸ - شرکت رهبران بلند پایه حزب دیموکراتیک خلق افغانستان محمود بریالی، نور احمد نور، نجم الدین کاویانی، فرید مزدک و غیره.

همانند اسماعیل و قسیم اخگر، یکی از فعالین غیر وابسته بود که در سال ۲۰۰۴ کوشید تلاشهای را در طی مجالس خاص در سرتاسر مملکت در چوکات روشنفکران مستقل و یا بعضی وقت آنرا خط سوم یاد میکردند، انسجام بخشید. در نومبر همانسال بعد از انتخابات ریاست جمهوری، اینگروپ علناً از کرسی بخاطر ائتلافش با جنگ سالاران انتقاد کرده و از او خواستند که کابینه مرکب از افراد کارآگاه و مناسب را تعیین کند تا بتوانند به حاکمیت تفنگ پایان بخشند^{۱۸۱}. در افغانستان، گروپهاییکه بحیث ناظر در کنفرانس شرکت کرده بودند قدمهای همکاری و نزدیکی هرچه بیشتری را برداشتند. صرف چند هفته قبل از لویه جرگه اضطراری در ماه می سال ۲۰۰۲ چهار عضو ایشان^{۱۸۲} شورای مدافعان صلح و دیموکراسی (CDPD) را تشکیل دادند. در عین زمان یک ائتلاف قابل ملاحظه از فعالین حزب اسلامی، سازا، مستضعفین و چپ گراهان مستقل از شمال دور هم جمع شده شورای ملی صلح و دیموکراسی افغانستان را به رهبری انجنیر عثمان طارق^{۱۸۳} ایجاد کردند. هر دو گروپ از سرحدات خطوط تفکیکهای قومی و گرایشهای سابق سیاسی عبور کردند. با انتخاب خانم غیر مذهبی سیما ثمر وزیر امور زنان و مائوئیست سابق اعظم داد فر از تبار ازبک در مقام معاونین ریاست لویه جرگه قانون اساسی (رویدادیکه نشان داد قوتهای طرفدار دیموکراسی نیروی قابل ملاحظه ایرا تشکیل داده اند) با وجود آنهمه کاندیدان جهادی این گروپها را تشجیه کرد که نمایندگان خویشرا در لویه جرگه قانون اساسی کاندید کنند. با هماهنگی با دیگر قوتهای طرفدار دیموکراسی، ایشان اتحاد غیر رسمی ایرا ایجاد کردند که اسمش را ائتلاف نیروی ملی و دیموکراتیک افغانستان گذاشتند و با اعضای از بک و هزاره اتحاد به تماس شدند تا کاندیدان مشترک را در یابند. در اخیر که این شیوه کار گروپ واقع نشد ایشان به تنهایی اقدام کردند و با سرپرست معینیت وزارت معادن و صنایع آقای ندائی^{۱۸۴} کظه در آخرین دقایق آرزوی کاندید اتوری خویش را اعلام داشته بود، به تماس شدند. ندائی در انتخابات نامزدی خویش ۸۹ رای بدست آورد و بعضی دیگر از دیموکراتها تصمیم گرفتن که برای یگانه کاندیدای زن مسعوده جلال رای دهند. نتیجه چنان شد که دیموکراتهای جدید، صرف با چند تن اعضا در بین ۱۵۰۱ عضو در مجمه هیئت لویه جرگه انتخابات ریاست جمهوری قدرت نفوذ در مجلس را نداشتند. انکشافات قبل از لویه جرگه هم به سود شان نبود. این گروپ جدید فعالیتهای خویشرا در سطح همگانی به انتظار تصویب قانون احزاب، بخاطر ثبوت نیت ایشان که برای تأسیس حکومت قانون جدی اند، کاهش دادند. اما این عمل باعث نا آشنائی مردم از ایشان شد. گروههای مسلح هنوز در سرتاسر مملکت حاکم بودند. قتل وزیر هوانوردی داکتر عبدالرحمان در فبروری سال ۲۰۰۲ که نظریه شایعات از شورای نظار جدا شده بود و حزب طرفدار سلطنت^{۱۸۵} را ایجاد میکرد

۱۸۱ - هیواد (کابل)، ۲۳ نومبر ۲۰۰۴. خبرگان همچون انجنیر محی الدین مهدی از شورای نظار نیز شرکت کرد.

۱۸۲ - تا اینوقت اتفاق مبارزین کاملاً در داخل افغانستان تشکیل نشده بود.

۱۸۳ - همچنان مراجعه شود به م. اکبر، فصل اخیر (op., cit.)، ص. ۷۵-۷۶

۱۸۴ - کاندید ابتدائی حزب محمد نور سهیلی موافقه کرد که بنفع کاندیدای مسن تر آقای ندائی کنار برود. ندائی علی الرغم اینکه خودرا کاندید نماینده این ائتلاف معرفی کرد، اما از ارائه بیانییه آماده شد کوتاه آمد و چانس معرفی کردن قوتهای دیموکراتیک را به یک کتله بزرگتر مردم از دست داد.

همچنان مراجعه شود به م. اکبر، فصل اخیر (op., cit.)، ص. ۸۲۴

۱۸۵ - همچنان مراجعه شود به م. اکبر، فصل اخیر (op., cit.)، ص. ۷۴-۷۷. داکتر عبدالرحمان در زمان طالبان معاون احمد شاه مسعود بود. کرسی اینواقعه را قتل خطاب کرد و گفت که مقامات بلند پایه در قضیه دخیل بوده و امر دستتیر ایشانرا صادر کرد، اما بزودی تحقیقات برهم خورد و متهم بدون کدام تبصره از قید رهائی یافت.

سابق حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و مائوئیستهای سابق، وهمچنان از بین مجاهدین سابق که میخواستند از خط فارقه سابق سیاسی تجاوز کنند تکمیل شده بودند. چهار حزب از همه جالب که از بطن این جریان بروز کرد و تقریباً همه این چهار حزب فعالین جوان دارد و در خون ریزی های سابق حصه نداشتند عبارتند از: حزب کار و توسعه افغانستان (ALDP)، حزب همبستگی ملی جوانان افغانستان (HaMJA)، حزب جمهوری خواهان، و نهضت آزادی و دیموکراسی (AFDM)^{۱۷۴} میباشند. حزب کار و توسعه افغانستان با اسم جدید حزب آشتی ملی افغانستان (HAMA) در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد. رهبری آنرا یکی از خبرگان جوان هزاره بنام ذوالفقار خان امید مربوط یکی از خاندان بانفوذ خانهای دایکندی بدوش داشت که در شورای اتفاق در سال ۱۹۹۰ سهم داشت. وی با بعضی از گروههای خبرگان سازمان یافته در تهران و حتی حزب سبز افغانستان به رهبری خانم معصومه محمدی متحد بود^{۱۷۵} اسم اصلی وی بخاطر ثبت نام حزب به دلیل اینکه آشتی ملی صورت گرفته و به حزبی تحت این نام چه ضرورت خواهد بود، توسط وزارت عدلیه رد شد^{۱۷۶} سوابق کار و توسعه افغانستان به این حزب حیثیت پل طبیعی را بین دیموکراتیک های جدید و دیموکراتیزه شدن قوتهای سابق جهادی میدهد و این حزب همچنان مجبور به چنین کاری شد. با در نظر داشت تیم رهبری کاملاً ترکیب یافته از هزاره ها^{۱۷۷} برای این حزب دشوار است که موقف خود را به دیگر گروهها و سعت بخشد، بدین لحاظ حزب کار و توسعه افغانستان در ایجاد وحدت قومی در بین حزب فعالانه سهم گرفت. در سال ۲۰۰۶، هزاره ها از حزب کنگره ملی بریدند و با حزب کار و توسعه افغانستان پیوستند. در کنفرانسیکه در تابستان سال ۲۰۰۶ با شرکت ۴۷۰ عضو برگزار شد محمد ایوب باران بحیث صدر حزب کار و توسعه اجتماعی انتخاب شد. این اولین باری بود که در افغانستان بعد از طالبان یک رهبر حزب به اساس رای و انتخابات مقام خویش را از دست داد اما حزب را ترک نکرد^{۱۷۸}. حزب همبستگی ملی افغانستان از جوانان عمدتاً پښتون در سال ۱۹۹۸ در کویته ظهور کرد. این حزب که توسط جمیل کرزی رهبری می شود تا به هنوز به سازمان دادن جوانان تاکید دارد. این حزب خویشرا یک اعتدال پسند معرفی کرده، در بین تأیید و انتقاد از رئیس جمهور در نوسان است^{۱۷۹} کنفرانس آچین در سال ۲۰۰۱ به تأسیس پیمان کابل در اواخر سال ۲۰۰۲ بداخل خود افغانستان انجامید. شش گروه چپ گرای سابق را گردهم آورده و خویشرا، با هدف تأسیس یک حزب دیموکراتیک (اجتماعی) غیر قومی و مربوط همه اقشار افغانستان، مشروطه خواهان نامیدند^{۱۸۰} همزمان به آن سپانتا،

174 - For Republican and Afghan Freedom and Democratic Movement (AFDM), see above

۱۷۵ - درباره این گروه معلومات بیشتر در دست نیست.

۱۷۶ - و با تفاهم با امید، کابل ۲۰۰۳

۱۷۷ - حزب ادعا میکند که اعضای آن ۳۳٪ غیر هزاره ها اند.

۱۷۸ - ما خیال اینرا به سرداشتمیم که یک انتخابات بزرگ در برگزیده همل احزاب باشد، اما بودجه ما نا کافی بود. با تفاهم با امید، کابل ۲۰۰۶ تغییر رهبری در حزب جمهوری خواهان در اواخر ۲۰۰۲ از آریائی به سنجر از طریق انتخابات باعث بیرون شده رهبر سابق حزب، از سیاست شد. تغییرات در سازمان صلح و وحدت ملی سازمان صلح و وحت ملی (PNUPA) در سال ۲۰۰۵ به اساس تصمیم رهبری حزب بود. دومورد (LDP) رهبر سابق حزب حرکت حزب را بخاطر توسعه سازمانی آن بدوش دارد.

۱۷۹ - جمیل کرزی کاکا زاده رئیس جمهور است.

۱۸۰ - گروههای شامل شورای نهضت دیموکراسی افغانستان (CFDA)، سازا، حزب عدالت و رفاه افغانستان (JWPA) به رهبری شیر پاچا قیام، ولسی ملت و دوگروه عمدتاً فعال در غرب افغانستان، شورای انسجام ملی و مردمی افغانستان، و انجمن و فاق ملی. مصاحبه مؤلف در ۲۰۰۳-۲۰۰۴

دیگری را متحمل شدند. اعظم داد فر توسط بعضی از ازبکها و هزاره‌های غیرمذهبی و دیموکراتها بحیث نماینده انتخاب شده بود. در مقابل این توافق، سخنگوی جبهه ملی برای دیموکراسی در لویه جرگه قانون اساسی خواجه شیرپاچا قیا مخود را برای معاونیت ریاست کاندید کرد و هشت رائیکه او بدست آورد داد فر را در بین دو معاون بدون چون و چرا در مقام دوم قرار داد. این واقعه وحدت جبهه ملی برای افغانستان را در جریان جرگه اختتام بخشید که این خود وسیعاً سبب از دست دادن اعتبار آن در بین متحدین بالقوه آن شد^{۱۹۳}. لویه جرگه قانون اساسی شگاف بیشتری بین کرزی و دیموکراتها که تا آنوقت از او حمایت میکردند ایجاد کرد. خصوصاً ایشان وقتی بیشتر متأثر شدند که در بین ۵۰ نماینده انتصابی کرزی یکی هم دیموکراتیک نبود و در عوض کرزی پسندید که با سیاف و جنگ سالارها ائتلاف کند. درین هنگام جبهه فرصتهای با ارزش را برای ایجاد ساختار سرتاسری در مملکت برای انتخابات سال ۲۰۰۴ از دست داده بودند. در نتیجه هیچ یک از قوتهای دیموکراتیک کاندیدای خویش را معرفی نکردند^{۱۹۴} باز هم، بعد از آنکه کرزی برنامه (اجندای) اصلاحات خویش را اعلان داشت جبهه از کرزی حمایت کرد. درین هنگام جبهه ثابت ساخت که بیش از حد بزرگ ولی غیر مؤثر است، و فعالیت آن بزودی ناکام شد و همچنان نهضت همبستگی ملی افغانستان (NCPDA)^{۱۹۵} درین فرصت از هم پراکنده شده و در داخل شورای مدافعان صلح و دیموکراسی (CDPD) تنش موجود بود. با وجودیکه مرگ جبهه هیچوقت رسماً اعلان نشد بعضی از نیروهای محرکه آن تلاش جدید را برای وحدت آن صرف چند روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری از سر گرفتند. بتاريخ ۱ اکتوبر سال ۲۰۰۴ بتعداد ۱۵ حزب کمیسیون مشاورت ملی و دیموکراسی (AC-NDP)^{۱۹۶} را، در قدم اول برای شش ماه ایجاد کردند، تا از اشتباهات گذشته خود آموخته از طریق دسترسی به انتخابات پارلمانی هماهنگ از انتخاب نمایندگان حقیقی مردم مطمئن شوند. اتحاد جدید با اصرار از کرزی خواستند تا کابینه مسلکی ایرا تشکیل دهد و استدلال کردند که کامیابی وی در

۱۹۳ - در جبهه دیموکراسی برا افغانستان به این امر موافقت شده بود که قیام باید از چانس خویش به نمایندگی جبهه استفاده کند ولی بعداً به نفع دادفر بگذرد. که در نتیجه دادفر نیز عین رای میداشت که کاندید سیاف آقای کشف (که در آنوقت مقام معاونین سوم حایز شد) بدست آورده بود. قیام بعداً با شورای نظار همکاری کرد.

۱۹۴ - ندائی خود را کانندی کرده بود اما به شورای نظار نزدیکی داشت.

۱۹۵ - همچنان مراجعه شود به م. اکبر فضل آخر (op., cit) ص. ۷۷-۷۵

۱۹۶ - بصورت رسمی این کمیسیون یک ماه بعد اعلان شد. اعلامیه مطبوعاتی کمیسیون مشورتی ملی و دیموکراتیک افغانستان ۱۰ عقرب ۱۳۸۳ (۱ نومبر ۲۰۰۴). اعضای مؤسس: حزب همبستگی ملی جوانان افغانستان (به رهبری جمیل کرزی)؛ حزب جمهوری خواهان افغانستان (سبغت الله سنجر)؛ حزب کار و توسعه (ذولفقار خان امید)؛ حزب رفاه مردم افغانستان (میا گل واثق)؛ حزب همبستگی ملی اقوام افغانستان (محمد ظریف ناصری)؛ دملی یووالی گوند (عبد الرشید جلیلی)؛ سازمان اسلامی افغانستان جوان (سید جواد حسینی)؛ حزب آرمان مردم افغانستان (سراج الدین ظفری)؛ حزب تفاهم و دیموکراسی افغانستان (احمد شاهین)؛ حزب ترقی ملی افغانستان (آصف بکتاش)؛ حزب سعادت مردم افغانستان (محمد ذبیر پیروز)؛ حزب لبرال افغانستان (اجمل سهیل)؛ حزب همبستگی افغانستان (عبد الخالق نعمت)؛ نهضت آزادی و دیموکراسی افغانستان (عبد الرقیب جاوید کوهستانی)؛ حزب آزاد خواهان مردم افغانستان (فدا محمد احساس). ذالفقار امید سخنگوی ولایت آن مقرر شد. حزب رسالت مردم (نور آقا روئین) و حزب افغانستان واحد (محمد واصل رحیمی) بعداً به کمیسیون مشاورت ملی و دیموکراسی پیوست.

وهچنان دوماه بعد بازداشت کتلوی فعالین حزب اسلامی در کابل پیام آگاهی برای دیموکراتها بود. در لویه جرگه انتخابات ریاست جمهوری گروپهای مسلح بذات خود میدان بازی را کلاً در اختیار داشتند، که همه والیها بدون استثنا به ایشان در ارتباط بوده و در ساحات مربوط خویش قبل از قبل بخاطر ممانعت راه یافتن اشخاص نامطلوب (از نظر ایشان) در لویه جرگه از قدرت خویش استفاده کرده بودند^{۱۸۶} و قتیکه سازمان ملل و نماینده امریکا و رئیس جمهور کرزی به کمیسیون مستقل لویه جرگه بر علیه قوانین قبول شده با معرفی ۵۰ نفر عضو در مجلس مذکور اعمال فشار کردند، برای این گروپ برخلاف توقع امتیازی اعطا شد که در لویه جرگه انتخابات غلبه داشته باشند. در خیمه لویه جرگه خدمات استخباراتی در کنترل شورای نظار بود که علناً اعضای مجلس را تهدید میکردند^{۱۸۷} بعد از شکست شان در لویه جرگه انتخابات رئیس جمهور، گروپ های دیموکراتیک قدم بعدی را برای ایجاد یک ایتلاف امادگی انتخابات ریاست جمهوری برداشتند. در ماه جنوری سال ۲۰۰۳ نمایندگان یازده گروپ در یک نشست کاری در اسلام آباد دیدار کردند و تصمیم گرفتند که جبهه ملی برای دیموکراسی افغانستان (NFDA)^{۱۸۸} را با درخواست شرکت دیگر قوتهای دیموکراتیک ملی و خبرگان تاسیس کنند. برنامه طوری بود که یک اجندای کاری را تا به انتخابات ۲۰۰۴ ایجاد نمایند. پلان عمومی جبهه چنین بود که با ایجاد رابطه با نهضت همبستگی ملی افغانستان (NCPDA) و دو ایتلاف دیگر یعنی ایتلاف نیروی ملی و مترقی افغانستان (CNPEA)^{۱۸۹} و شورای ملی حمایت از صلح و دیموکراسی (یک گروپ انشعابی از NCPDA که عمدتاً با اعضای مستضعفین و سازا متحد بود)^{۱۹۰} دیموکراتیزه شدن افغانستان را تعریف کند. و قتیکه این جبهه در ۱۱ مارچ ۲۰۰۳ با ۴۰ گروه سیاسی از زنان، دانش آموزان و سازمانهای جوانان وهمچنان شورای علمای دین، رهبران قبایل و اقلیت ها (که نیمی از ایشان در رژیم طالبان نیز فعال بودند) رسماً تاسیس شد، نهضت همبستگی ملی افغانستان NCPDA نیز سهم گرفت. پیمان کابل روی این مسئله انشعاب کرد. طوریکه دو گروپ آن در جبهه سهیم شدند ولی گروپهای ایتلاف نیروی ملی و مترقی افغانستان (CNPEA) و اتحاد ملی برای آزادی و دیموکراسی NUFD^{۱۹۱} مربوط ندائی از این جبهه بیرون ماندند. در لویه جرگه قانون اساسی دیموکراتها با بدست آوردن ۳۸ تا ۴۰^{۱۹۲} چوکی شکست

۱۸۶ - رسماً هشت کاندید لویه جرگه انتخابات قبل از جلسه آن کشته شدند و مقامات سازمان ملل (UN SRSG) مایل نبودند که این موضوع را به اطلاع عام برسانند. صرف چند روز قبل از شروع جلسه لویه جرگه در مورد یک کنفرانس مطبوعات برگزار شد. مراجعه شود به:

Act Kandidaten für afghanische Loja Dschirga im Mai ermordet', AFP 27 May 2002

178 - ee also: Omar Zakhilwal and Adeena Niazi, 'The Worlds Win in Kabul', New York Times, 21 June

۱۸۸ - آنانیکه سهیم بودند چهار گروپ شورای مدافع صلح و دیموکراسی (CDPD) بودند: کانترس ملی افغانستان NCPDA؛ شورای ملی ترقی خواهان افغانستان (NPCA) تحت رهبری عبد الاحرار رامز پور یک بخش انشعاب از آزاد خواهان افغانستان (ALP)؛ یک گروپ اطراف نشریه مشعل دیموکراسی تحت رهبری فضل الرحمن عوریا؛ حزب عدالت و رفاه افغانستان (JWPA)؛ کانون دیموکراتهای افغانستان تحت رهبری انجنیر محمد نور سهیلی؛ اتفاق مبارزین و اتحاد سرتاسری زنان افغانستان (AAWA) به رهبری ثریا پرلیکا، یک عضو برجسته سابق حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و مبارز حقوق زنان.

۱۸۹ - یک گره از ۱۶ چپ گرا که تحت یک پوشش از پشاور کار میکردند و بعداً به چهره حزب مترقی ملی NPP ظاهر شد.

۱۹۰ - و قتیکه اعضای پینتون کانترس ملی افغانستان NCPDA پیشنهاد رهبری را به یک قوماندانی نظامی از لوگر پیش کش کردند این گروه انشعاب کرد.

۱۹۱ - احیا شد در سال ۱۹۹۴، موفقانه کوشیدند که جبهه دیموکراتیک وسیع تری در سال ۱۹۹۸ تحت نام جبهه متحد مردم افغانستان را احتمالاً یکجا با دیموکراتهای مترقی تاسیس کردند. بعضی وقت آن گره عین اسم را استعمال می کند.

۳۵ ۱۹۲ - در یک حرکت بخاطر تغییر نام رسمی افغانستان در مسوده قانون اساسی از جمهور اسلامی به جمهور افغانستان از ۵۰۲ عضو هیئت لویه جرگه صرف ۱۵۱ امضا بدست آوردند. این نشان میدهد که دیموکراتها در لویه جرگه تنها نبودند. حتی رئیس لویه جرگه آقای مجددی امضاً کنندگان این خواست کافر خطاب کرده و از گذاشتن این درخواست بخاطر رای گیر اجنتاب کرد. در یک مصاحبه با نویسنده یک از این امضا کنندگان گفت که دیموکراتهای باید همدست شوند.

JoschkaFischer سجوشکا فیشر از افراطیت به چپ میانه رومتکامل شده اند. ساما یک رهبری نهانی در خارج دارد. این سازمان باور ندارد که انکشافات دیموکراتیک برگشت نا پذیر است و از روشن شدن تشکیلات باقیمانده خویش ابا و ورزیده و رفقای خویشرا که راه ایجاد احزاب قانونی را پسندیده اند به باد انتقاد گرفته است. بعضی از گروهها در سال ۲۰۰۴ حزب کمونست (مائوئیست) افغانستان را ایجاد کردند. چنین به نظر میرسد که این گروه عمدتاً بیرون از وطن فعال است، جائیکه ایشان به نشر دوباره شعل جلود پرداخته اند ۲۰۱.

خالگاه اعتدال پسندان و عدم یک حزب ریاست جمهوری

از وقتیکه شاعر دربار و مشاور ظاهرشاه، خلیل الله خلیلی، در اواسط ۱۹۶۰ موفق به تأسیس حزب اتحاد ملی نگردید، تلاش دیگری بخاطر تأسیس یک حزب اعتدال پسند سازمان یافته به عین وضعیت غیر چپی و غیرمذهبی ایجاد نشده است. حرکت سلطنت طلبان یعنی تحریک وحدت ملی افغانستان (NUMA)، حرکتیکه از روم ظهور کرد و به هردو گروه رهبران قبائیلی غیرمذهبی (اسلامی) و خبرگان اعتدال پسند مطرح شد، می توانست که این خالیگاه را پر کند. وقتیکه این حرکت منحیث یکی از اولین احزاب با ۲۰۰۰ نفر عضو در ۹ آگست سال ۲۰۰۳ در یک سالون عروسی در غرب کابل براه انداخته شد توجه زیادی را بخود جلب کرد. یازده عضو شورای مؤسس این حزب بشمول عزیزالله واصفی سخنگوی گروه روم، شخصیکه قبلاً در سال ۱۹۷۳ از توطئه داود بر علیه شاه حمایت کرد، پروفیسور عبدالشکور رشاد، رسول امین و عبدالستار سیرت، کسیکه از گروه روم در کنفرانس بن رقیب کرزی بود، و حتی شهزاده میرویس و مصطفی نیز در لست این افراد شامل بودند. عضودیگر خاندان شاهی، سلطان محمود غازی، فرزند صدر اعظم سابق شاه محمود، رهبر حزب انتخاب شد و در حالیکه معاون استخبارات عبد الحکیم نورزی، یک کمونست سابق که وظیفه خویشرا ترک کرده بود، انسجام دهنده عمده درین حزب شد. با سابقه ایکه داشت این حزب می توانست که وسعت غیر عادی حاصل کند و یکجا با دیموکراتهای جدید خالی چپ کهن و راست اسلامی را پر کند ۲۰۲.

۲۰۱ - این گروه متشکل از چهار سازمان مائوئیستی (در بین ایشان پیکار) می باشد. این گروه مربوط حرکت انقلابی بین المللی، یک روندیکه شامل سیندیرو لومینوسو

(Sendero Luminoso) در پیرومیباشد. در سال ۲۰۰۴ بیان داشت که حزب هدف آغاز جنگ ملی مقاومت مردم رادر مقابل قوای اشغالگرواضلاع متحده امریکا را دارد. نفوذ این گروه در داخل افغانستان روشن نیست. همچنان مراجعه شود به: <http://www.sholajawid.org>

۲۰۲ - بسیاری از چهره هائیکه میتوانستند تشکیل کننده بالقوه این حزب باشند از قبل توسط اسلام گراهای افراطی بقتل رسیدند، بطور مثال پروفیسور سید بهاؤالدین مجروح و عزیزالرحمن الفت فرزند رهبر وینب خلمیان. همچنان مراجعه شود به کاکر op., cit. ص. 2677.

انتخابات نشانه روشن رد افراطیت و جنگ سالاری توسط مردم بوده و همچنان پالیسی شریک کردن قدرت و روش آشتی جویانه ویرا با جنگ سالاران نفی میکند.

بصورت عموم در بین احزاب ترکیب کننده جبهه ملی برای دیموکراسی افغانستان حس عدم اعتماد متقابل و طرز تفکر مبالغه آمیز از توانمندی بعضی اعضای حزب موجود بود که بلاخره مانع ترتیب یک لست مشترک نامزد های انتخاباتی برای پارلمان شد. حتی در روز انتخابات بعضی احزاب کمیسیون را ترک کرده بودند. حزب جمهوری خواهان از جرو بحث های خسته کننده دوری اختیار کرده و روی ساختار طویل المدت خویش تمرکز کردند. حزب ملی یووالی پیشنهاد برای تعویض رهبر خویش جلیلی^{۱۹۷} را رد کرده با دیگر خلقی های سابق همدست شدند. سازمان همبستگی جوانان افغانستان (YSP) مربوط جمیل کرزی در پی متحد نیرومند تر به اردوگاه رئیس جمهور پیوست چه جائیکه گروه افغانستان جوان مربوط حسینی نیز چنین شیوه ایرا دنبال کرده، در عین حالیکه با جبهه کمیسیون مشاورت ملی و دیموکراسی (AC-NDF)^{۱۹۸} باقیماند، با قانونی یک جا شد. در نتیجه کمیسیون مشاورت ملی و دیموکراسی (AC-NDP) رای خود را در سرتاسر افغانستان تقسیم کرد. تنها در کابل رهبرده گروه ایشان بعلاوه چهار عضو سابق حزب با هم رقابت کردند^{۱۹۹} به استثنای یکی از آنها یعنی جمیل کرزی دیگران عمیقاً شکست خوردند. در حال حاضر کمیسیون مشاورت ملی و دیموکراسی (AC-NDP) بکار خویش به سطح پایین ادامه میدهد در حالیکه احزاب دیگر همزمان به آن دیگر راههای وحدت و ایجاد ائتلاف را به کاوش گرفته اند. به این ادعا که ایشان که بالای هشت عضو پارلمان که هوا خواه ایشان است کنترل داشته باشند و یا اینکه این اعضای پارلمان بین خویش هماهنگی دارند تضمین کمتری وجود دارد. جدا از نداشتن تجربه پارلمانی، تاکنون برای ایشان نهایت دشوار است که در برابر جاذبه های فرقه گرایی ای گروههای مسلح که روی مسایل قومی انسجام یافته است مقاومت کنند. قوتهای دیموکراتیک راه درازی در پیش دارند تا قدرتی باشند که روی آن حساب کرد.

از بین گروههای مائوئیستی سابق بعضی از ایشان فعال باقی مانده اند، اما این روشن نیست که اگر این گروهها به صفت سازمانهای مستقل باقی مانده باشند. سازمان رهائی که در غرب افغانستان فعال بود، معلوم می شود که تا به هنوز در انجا طرفدارانی دارد. بعضی از ایشان با گروههای سابق مجاهدین حرکت نوپائی را بنام حزب همبستگی افغانستان ایجاد کرده بودند و یکی از اعضای کمیسیون مشاورت ملی و دیموکراسی (AC-NDP) بود، دست بهم داده اند. نقطه نهایت قابل توجه اینکه بعضی از اعضای بلند

پایه آن از قبیل سپانتا و دادفر^{۲۰۰} همچو سیاستمدار اروپا Jose Manuel Barraso جوز مانوئیل براسو و

۱۹۷ - کمیسیون مشاورت ملی و دیموکراسی تصمیم گرفته بود که هیچ یک از اعضای آن از اعضای سابق رهبری در رده عضو بیوروی سیاسی و عضو کابینه رژیم خلق نباشند تا از حملات مجاهدین در جریان مبارزات انتخاباتی در امان باشند.

۱۹۸ - صرف حزب همبستگی ملی جوانان افغانستان به رهبری جمیل کرزی رسماً عضویت خویش را با کمیسیون مشاورت ملی و دیموکراسی با اعلامیه بتاريخ ۱۷ جدی ۱۳۸۳ (۶ جون ۲۰۰۵) خاتمه بخشید. حزب حسینی از یک تصمیم کمیسیون مشاورت ملی و دیموکراسی، که احزاب عضو اجازه دارند که همزمان با متحدین دیگر یکجا شوند، استفاده کرد. یکی از اعضای رهبری حزب به نویسنده گفت یگانه دلیل در تغییر ائتلافات هزینه های مالی است که می شود از دیگر منابع بدست آورد.

۱۹۹ - روئین، ناصری، بکتاش، نوریه حقنبار، واثق، رحیمی، پیروز، سبحانی، شاهین، وحسینی بعلاوه جمیل کرزی، سنجر، رامز پور و قیام.

۲۰۰ - مراجعه شود به کوششهای ایشان به تأسیس یک حزب سوسیال دیموکراسی. هر دو زمانی عضو رهائی بودند

شمال فاصله اختیار کرده اعلان داشت که حکومت ائتلافی فعلی در تطبیق اصلاحات مؤفق نبوده است و وی برای بار دوم در یک حکومت ائتلافی شرکت نخواهد کرد. این اظهارات در بین رهبران جهادی ایجاد ترس کرد و بخاطر انتخاب کاندیدای خویش یک سلسله نشستهای داشتند. ولی بعد از اینکه آقای ربانی قبل از وقت علناً اظهار داشت که وی بحیث کاندید این گروه انتخاب شده و دیگر اعضا این موضوع را رد کردند این تناقض باعث بی نظمی در بین ایشان گردید.

به تعقیب آن برادر رئیس جمهور قیوم کرزی مسؤلیت بهم آوری اعتدال پسندان و قوتهای اصلاح طلب^{۲۰۹} را از سه گروه اجتماعی رهبران قومی، تحصیل یافتگان با طرز فکر دیموکراسی (قسماً تحت گروههای سیاسی تنظیم شده) و جوانان بدوش گرفت. و این گروه بنام شورای مصلحت ملی یاد می شد. کرزی (قیوم) گروه جوانان را براه انداخت و با پیام کابل و جبهه ملی برای دیموکراسی در تماس شد. یکجا با دیموکراتها مسوده نامه مشترکی را ترتیب دادند که در آن روی یک اصل دیموکراسی به معیارهای قبول شده بین المللی حقوق بشر و ایجاد یک حکومت ملی به اساس اصول دیموکراس تعهد شده بود. یک تیم هماهنگی پنج نفری انتخاب شد که شامل قیوم کرزی، سه نفر خبرگانیکه جدیداً از خارج بازگشته بودند (رنگین دادفر سپاندا، نجیب روشن، اعظم دادفر که به پیمان کابل ارتباط داشتند) و حسین رموز از جبهه ملی برای دیموکراسی^{۲۱۰} می شد. این حرکت به قوتهای دیموکراتیک انگیزه جدید بخشید. به دعوت حزب آشتی ملی افغانستان (HAMA)، که توسط یک گروه از نخبگان هزاره های جوان غیر جهادی پیش برده می شد، بتاريخ ۱۳ اکتوبریک تلاش هماهنگ را آغاز کردند که نه تنها شامل هسته مرکزی جبهه ملی برای دیموکراسی می شد همچنان شامل سلطنت طلبان (NUMA)، حرکت همبستگی ملی (NSM) اسحق گیلانی، افغان ملت و گروه کوچک دیگر نیز میشد. اما این تلاش بزودی دوباره بخاطر غیابت دوامدار صدر نشینان آن و شاید مهتر از همه بخاطریکه از دیگاه برادر کرزی صرف مردمان نا مطلوب - چپی های سابق یا طوریکه ایشان از آنها یاد مینمایند، کمونستها - علاقه مند آن بودن شکست خورد. تقریباً موازی به آن، اما با چرخش ۱۸۰ درجه اردوگاه رئیس جمهور بشمول بعضی پنبتونهای تکنوکرات، گروه پنجشیریه (بشمول برادرهای مسعود) و رهبر حزب وحدت کریم خلیلی تشویق شدند که حزب رئیس جمهورئ نهضت ملی را بسازند. بعد از اینکه کرزی تصمیم گرفت اسم فهیم را از ردیف معاونیت خویش در انتخابات حذف کند این حرکت نیز شکست خورد. در ماه اپریل ۲۰۰۴ یک فدراسیون کم جاذبه از ۶۰ گروه اجتماعی و سیاسی، و افراد و شوراهای محلی که خویشرا هسته یک حزب سیاسی آینده اعتدال پسند سرتاسری عاری از گرایشهای ملیت خواهی معرفی میکردند به حمایت کرزی ایجاد شد^{۲۱۱}.

۲۰۹ - م. اکبر، فصل آخر (op., cit) ص. ۱۲۸-۱۲۹

۲۱۰ - مصاحبه نویسنده بخ رموز، کابل؛ و همچنان مراجعه شود به م. اکبر فصل آخر (op., cit) ص. ۱۲۸

۲۱۱ - مصاحبه مؤلف کابل ۲۰۰۴

اما وقتیکه ظاهرشاه در لویه جرگه انتخابات ۲۰۳ مجبور ساخته شد که از آرزوهای سیاسی خویش صرف نظر کند، حزب اولین ضربه را متحمل شد و انتخاب سلطنت طلبان بخاطر احیای سلطنت در جریان لویه جرگه قانون اساسی ۲۰۰۳/۰۴ بلاخره کنار گذاشته شد. در اوایل ۲۰۰۶ بسیاری از پیشگامان این حرکت به اردوگاه کرسی پیوستند، در حالیکه نوزدی حزب خویش را بنامد افغانستان د ملی وحدت گوند تأسیس کرد ۲۰۴. یگانه گروپ کوچک به رهبر همایون شاه آصفی مستقل باقی ماند. رهبر حزب محمود غازی باز نشسته شده در فرانسه زندگی میکند ۲۰۵. وجود یک حزب رئیس جمهوری (که از نظر بسیاری خیلی ضروری بود) میتوانست تطبیق برنامه اصلاحی کرسی را که اعلان داشته بود اسانتر بسازد ۲۰۶. آما کرسی چندین مرتبه عدم علاقه مندی خود را نسبت به احزاب سیاسی علناً ابراز داشته است. طی یک مصاحبه با بی بی سی (BBC) در ماه اکتوبر سال ۲۰۰۳ وی گفت که افغانستان بخاطر اجندهای سیاسی احزاب غیر ملی، بخاطر ستیزه جوئی های ایشان و بخاطر جنگهای بین خودی ایشان تخریب شد، زجر دید و مصیبتهای فراوان را سپری کرده است. افغانستان میخواهد از آن حالت فراغت حاصل کند. وی به گفتار خویش چنین ادامه داد: من فکر نمیکنم که یک حزب سیاسی را رهبری کنم اما مطلقاً یک حرکت در بین مردم را بدوش خواهم گرهت ۲۰۷. این مطلب را در بیانیه گشائیش لویه جرگه قانون اساسی تکرار کرده احزاب و گروپهای مسلح را در مجموع ضعیف و فاقد پیرو چشمگیر در اجتماع مردم خواند. قبل از انتخابات پارلمانی و دو مرتبه اکیداً از مردم خواست به کاندیدانیکه به احزاب ارتباط دارند رای نداده و بین صداقت و استقلالیت کاندیدان رابطه ایجاد نمایند ۲۰۸. ولی با آنهم درسه مورد کوششهای در جهت ایجاد یک حرکت طرفدار کرسی صورت گرفته است. در جریان سفر خویش در خزان سال ۲۰۰۳ در کانادا و اضلاع متحده امریکا رئیس جمهور اعلام داشت که بخاطر انتخاب دوباره خویش وی نه یک حزب بلکه یک حرکت را در بین مردم رهبری خواهد کرد. بتاريخ ۵ اکتوبر، وی برای بار اول از اتحاد

۲۰۳ - در حقیقت نماینده خاص امریکا در افغانستان خلمی خلیلزاد بود که در یک کنفرانس مطبوعات در ۹-جون ۲۰۰۲ اعلان داشت که: شاه سابق در روز بعد روشن خواهد ساخت که حاضر نیست که مقام رهبری مملکت را بدوش گیرد. شاه همین کار را کرد اما شخصاً نه، بلکه سخنگوی او پیامش را خواند. در عین زمان نماینده امریکا فشار زیاد وارد کرد تا کدام پنبتون بعوض کرسی معرفی نشود. مراجعه شود به: Logistics and politics delay Afghan grand council, The guardian, 10 June 2002

۲۰۴ - و اصفی که در سال ۱۹۷۳ در کودتای داود بر علیه سییتم شاهی دخیل بود به تعقیب آن وزیر شد و فعلاً مشاور کرسی است (در جمله دیگر مسایل روی قانون شورای ولایتی). ولی نوزدی یک مقام سابق خلقی دوباره معاون اداره امنیت ملی مقرر شد.

۲۰۵ - در انتخابات رئیس جمهوری در سال ۲۰۰۴، اصفی صرف ۰.۳٪ آراء را بدست آورد.

سلطان محمود غازی در ورجنیای اضلاع متحده امریکا زندگی میکند.

۲۰۶ - اولویت های مهم کرسی که اعلان داشته بود مبارزه با قاچاق مواد مخدر، اصلاحات بنیادی و بسط قدرت دولتی و پروژه های انکشافی در ۳۴ ولایت افغانستان بودند. مراجعه شود به

Ahmad Rashid, 'Peaceful Afghanistan election marred by irregularities' The Nation (Pakistan), 13 Oct 2004
207 - BBC Interview, 1 Oct 2003.

۲۰۸ - اولاً در کنفرانسیکه با شرکت ۳۵۰ نماینده از شوراهای (NQP) از سرتاسر افغانستان بتاريخ ۸ سیپتیمبر، و بار دوم از طریق رادیو.

See: Amir Shah, 'Afgans Urged Honest Conditates', Associated Press, 13 Sept 2005. For a discussion why the President is so adamant in rejecting to found his own party, see: Citha D Maass, Afghanistan without Political Parties: Can the New Parliament Function?, SWP Comments 6, March 2006.

گردد^{۲۱۵}. رئیس جمهور مملکت از موقف خویش بدون تغییر بعد از چند روز تقاضای مجلس کابینه را نموده و به حمایت سیستم واحد رای دهی غیر قابل انتقال (SNTV) رای دادند.

ناظرین بین المللی با احزاب هم‌نوائی داشته از سیستم واحد رای دهی غیر قابل انتقال (SNTV) چنین انتقاد کردند^{۲۱۶}. که: احزاب سیاسی برای ایجاد یک دیموکراسی پارلمانی موفق^{۲۱۷} حیاتی بوده و اخراج مؤثرایشان از انتخابات به انکشاف بیشتر سیستم دیموکراتیک افغانستان، که منحصیث هدف سیاسی در دیباچه کنفرانس بن از آن ذکر گردیده است، مضر تمام می شود. و این هدف سیاسی عبارت است از: تأیید حقوق مردم افغانستان برای تعیین نظامی سیاسی آینده ایشان مطابق به اصول اسلام، دیموکراسی، کثرت گرایی و عدالت اجتماعی^{۲۱۸} می باشد. سید راومیدلبروک (Mark Sedra and Peter Middlebrook) به کوتاه ترین عبارت این مطلب را چنین بیان میدارد: این سیستم طوری انتخاب شده بود که باعث دلسردی تشکیل احزاب سیاسی گردد^{۲۱۹}. بعد از دو روز در ۱۸ سپتیمبر ۲۰۰۵ مطابق سیستم واحد رای دهی غیر قابل انتقال (SNTV) انتخابات برگزار شد. نظر به احصائیه ارائه شده از طرف ملل متحد صرف ۱۲ درصد کاندیدان ولسی جرگه یعنی از ۲۳۸۱ نفر کاندید صرف ۳۸۱ نفر تحت هویت یک حزب سیاسی ثبت نام کرده بودند که نظر به تعبیر سازمان ملل عدم معرفت احزاب را در بین مردم نشان میداد. در حقیقت این رقم (درانوقت) بالاتر از آن بود، به مفهوم اینکه از ۷۲ حزب ثبت نام کرده ۵۳ حزب آن کاندیدای خود را تحت نام و هویت خویش معرفی کرده بودند^{۲۲۰}. روی مقاصد امنیتی احزاب دیموکراتیک صرف بعضی از کاندیدان را از روزنه حزبی خویش معرفی کردند و متباقی بحیث کاندیدان مستقل شرکت نمودند که در مورد جبهه ملی برای دیموکراسی ۱۹ کاندید از نام حزب استفاده کردند و باقی ۱۲۰ نفر دیگر بشکل کاندیدای مستقل به انتخابات شرکت کردند. بسیار از احزاب مجاهدین صرف یک کاندید داشتند و یا هیچ کاندید را تحت هویت حزب خویش معرفی نکردند. بطورمثال تحت نام حزب افغانستان نوین مربوط آقای قانونی و تنظیم جمعیت هیچ کاندید معرفی نشده بود. کمیسیون بین المللی حقوق بشر افغانستان

۲۱۵ - اعلامیه احزاب سیاسی افغانستان در مورد انتخابات پارلمانی، اعلامیه، کابل، ۲۷ جدی ۱۳۸۳ (۱۶ جنوری ۲۰۰۵). صرفان مجددی از جبهه نجات ملی رئیس جمهور و سیستم واحد رای دهی غیر قابل انتقال SNTV حمایت کرد. قبلاً، احزاب شرکت کننده این را واضح ساختند در حقیقت ایشان طرفدار یک سیستم مخلوط، با چهار حزب صدر جدول ثبت نام (جمهوری خواهان، جوانان افغانستان)

(YSP)، سلطنت طلبان و ملی یووالی) بودند. تقاضای ایشان این بود که صرف ۴۹ چوکی از ۲۴۹ چوکی ولسی جرگه تحت نام چوکی های ملی باید به کاندیدان شامل لست احزاب تعلق گیرد. در جنوری ۲۰۰۵ احزاب عضو AC-NDP درباره سیستم مخلوط صحبت کرده تقاضا کردند که ۷۰٪ چوکی ها به اعضای حزب تعلق بیذیرد. مراجعه شود به اعلامیه مشترک چهار حزب سیاسی دولت انتقالی اسلامی افغانستان به رسمیت شناخته شده و اعلامیه مطبوعاتی کابل ۲ می ۲۰۰۴؛ اعلامیه مشترک کمیسیون ملی و دیموکراتیک احزاب سیاسی افغانستان در مورد انتخابات آینده در مملکت، کابل ۱۲ جنوری سال ۲۰۰۵

216 - On SNTV, see: 'Afghanistan: From Presidential to Parliamentary Election', International Crisis Group, Asia Report ? 88, 23 Nov 2004, p. ii; Andrew Reynolds and Andrew Wilder, Free, Fair or Flawed: Challenged for Legitimate Election in Afghanistan, AREU Briefing Paper, Sept. 2004, p. 3, 12ff; 'Statement of NDI Pre-Election Delegation to Afghanistan', National Democratic Institute, Kabul, 1 July 2005, p. 3; European Union Democracy and Election Support Mission, Afghanistan: President Election 9 October 2004, Final Report, p. 31.

217 - Reynolds and Wilder, Free, Fair op. cit., p. 17

218 - 'Agreement on Provisional Arrangement in Afghanistan Pending the Re-establishment of Permanent Government Institutions', www.un.org/News/dh/latest/afghan-agree.htm; highlight by the author.

219 - Mark Sedra and Peter Middlebrook, op. cit., p. 2. For the arguments of the other side, see one paper that circulated in Kabul during the pre-decision making period: 'Its [sic] true that SNTV will weaken the power of the parties in Afghanistan, but if the parties are not democratic, are in fact informal militia groups in sheep's clothing, that may not be a bad thing.' This argument overlooks the fact that not all of the parties are 'informal militia groups'. Tim Meisburger: PR vs SNTV. Election System in Developing Democracies. The Asia Foundation, November 18, 2004.

حلقه اطراف رئیس جمهور بلاخره در خزان ۲۰۰۴ پیشنهاد را دریافت داشتند اما گروه مذکور از یک فدراسیون به یک مجرای تنزیل یافت که از آن طریق ابتکارات آن به کاندیدان مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۵ پارلمانی توزیع شد. چهره ارشد درین فدراسیون مشاور امور فرهنگی رئیس جمهور آقای خلمی هیواد مل بود. اینکه این ساختار بتواند از اردوگاه رئیس جمهور بصورت دوامدار حمایت کند سوال برانگیز است.

احزاب سیاسی در جریان انتخابات ۲۰۰۴ ریاست جمهوری و انتخابات ۲۰۰۵ پارلمانی

نظریه توافق بن، انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی می بایست که همزمان صورت گیرد اما دولت افغانستان تصمیم دیگری گرفت. این واقعیت نشاندهنده آن بود که رئیس جمهور کرسی و پشتیبانان عمده خارجی اش میل نداشتند که قدرت او توسط مجمع قانونگذاری انتخاب شده به چالش گرفته شود. در نتیجه، اکثر احزاب سیاسی از این تصمیم انتقاد کردند و آن ارتباط میگیرد به انتقاد تند از مذاکره رئیس جمهور کرسی با جنگ سالاران. در حالیکه کرسی خود را کاندیدن مستقل اعلام داشت، صرف سه کاندیدان رقیب او تحت نام یک حزب به مبارزه پرداختند: آقای قانونی از حزب نهضت ملی که توسط برادر مسعود مورد سوال قرار گرفت بود ۲۱۲، پدرام از کنگره ملی و غلام فاروق نجرابی از حزب کوچک استقلال افغانستان ۲۱۳ بودند. رهبران احزاب عمده از قبیل محقق، دوستم، گیلانی، احمدزی و آصفی خویشرا کاندیدان مستقل معرفی کردند.

در پهلوی عدم مسؤلیت موضوع عمده دیگر یکه در جریان انتخابات روی آن بحث می شد این بود که کدام سیستم انتخاباتی پذیرفته شود. قانون تعیین حوزه انتخاباتی در ۲۷ می ۲۰۰۴ تصویب شد و سیستم واحد رای دهی غیر قابل انتقال (SNTV) را بدون کدام نقش به لست احزاب پیش بینی کرد ۲۱۴. این تصمیم بوضاحت تخطی از بند ۱۲ قانون بالقوه احزاب بود به این تفصیل که یک حزب سیاسی ثبت نام شده باید دارای حقوق ذیل باشد: کاندیدان خویشرا در همه انتخابات معرفی کند؛ و همچنان مطابق بند ۴۷ یک کمیسیون انتخابات مستقل باید لست احزاب ثبت نام شده واجد شرایط و کاندیدان مستقل بشمول لست نهائی کاندیدان هر حزب را جمعآوری کرده ارائه بدارد.

باوجود این موافقه که تصمیم با مشوره احزاب گرفته شود، اما این مشوره بسیار ناوقت و منحیث یک عمل رسمی صورت گرفت - چه جائیکه احزاب این موضوع را روشن ساختند که ایشان عقیده خویشرا قبل از آن اظهار داشته بودند. مهمتر اینکه در جنوری ۲۰۰۵ بتعداد ۲۵ حزب از همه طیف های سیاسی تقاضای ترمیم قانون انتخابات را نمودند تا انتخابات به اساس سیستم تناسب نمایندگی صورت

۱۲۲ - برادر دیگر، ضیاء مسعود در مقام معاون اول کرسی کاندید شده بود.

۲۱۳ - وی ۰.۳٪ رای را بدست آورد.

۲۱۴ - کدام لست احزاب وجود نبود. یگانه امکان موجود این بود که کاندیدان در ورق رای دهی عضویت حزب کاندیدی و معلومات در مورد ثبت نام

۴۱ آنرا به منظور معلومات احصائیوی میتوانستند نشانی کنند.

مذهبی راعمیقاً ضد اسلام می پندارند و در نتیجه فوراً از موقعیت استفاده کرده از طریق سیستم قضائی ایشان را سرکوب خواهند کرد، این طرزفکر در برنامه های ایشان انعکاس پیدا نکرد - چه جائیکه قانون اساسی مملکت و همچنان قانون احزاب، احزاب را از پیگیری اهدافیکه مخالف اصول مقدس اسلام باشد ممنوع ساخته بود^{۲۲۳}. ما (سیاست) غیرمذهبی بودن را در برنامه حزب خویش پذیرفته نمی توانیم و ما علناً این مطلب را چندین مرتبه تذکر داده ایم، این مطلب را داکتر مسعود متین سخنگوی حزب تأیید کرد^{۲۲۴}.

جبهه ملی دیموکراسی برای افغانستان در اسناد خویش در هر دو طرز دید یعنی آزادی بیان، اندیشه و مذهب و جدائی اسلام از سیاست جسورتر بودند^{۲۲۵}. مرزبندی دومی بین احزاب دوره مقاومت برعلیه رژیم تحت حمایت شوروی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و دیگر اعضای ترکیب دهنده آن بود. اما گروههای مربوط حزب دیموکراتیک خلق افغانستان در هر دو جانب اسلام گراها و غیرمذهبی های امروزی موجود است. بلاخره مرزبندی سومی در برنامه فیدرالی بعضی از احزاب مربوط اقلیت های قومی و محور گرای بعضی تنظیم ها و ملیت گرایان پنبنتون مشاهده می شود.

در مرکزطیف سیاسی خلاء وجود دارد. احزاب اسلامی معتدل اقوام، سلطنت طلبان یعنی تحریک وحدت ملی افغانستان (NUMA) که یکجا با دیموکراتهای جدید می توانستند این خلاء را پر کنند، بعد از لویه جرگه قانون اساسی از هم جدا شدند. به اثر دشمنی کرزی و اطرافیان در مقابل احزاب در مجموع نبودن فضای آزاد برای ایجاد ائتلاف، یک حزب جانبدار کرزی و طرفدار اصلاحات هیچگاهی عرض وجود نکرد^{۲۲۶}. جدا از تدوام سازمانی و مرانامه در مورد چهار جریان (و حتی در مورد بعضی از احزاب نیز چنین است)، تداوم شخصیتها نیز وجود دارد. بعضی از مشروطه خواهان پیشین در عصر اول و دوم دیموکراسی به فعالیت خویش ادامه دادند. فعالین وینس وینس ویا دوستان واقارب ایشان تقریباً در بین همه جریانات سیاسی اخیر چشم می خورد. و همچنان آنهائیکه در مقابل شورویها، طالبان و مکرراً بین خود جنیندند اخیراً در دورخ فضای باز سیاسی بعد از سقوط طالبان به فعالیت خویش ادامه دادند.

بسیاری از احزاب با دسته بندیهای عصری شیوه غربی هماهنگی ندارند. اگر آنهائیکه توسط نیدرمایر (Niedermayer)^{۲۲۷} تشریح شده موقوف حزب سیاسی را در افغانستان دریافت دارند، خاصیت برجسته ایکه از آنها ظهور میکند اصول پیروی از رهبر و ساختار سلسلوی سختگیرانه خواهد بود. صرف چند حزب، عمدتاً جوانترهای ایشان، از طریق یک انتخابات اصیل رهبری حزب خویش را تعیین کرده اند.

۲۲۳ - بند (۱)۶، قانون احزاب سیاسی. <http://www.ag-afghanistan.de/files/partylaw-engl.htm>

۲۲۴ - مصاحبه نویسنده، کابل ۲۰۰۶

۲۲۵ - در اسناد مرانامه جبهه ملی برای آزادی افغانستان ()، {کابل، ۲۰۰۳}

226 - William Maley, *Rescuing Afghanistan*, London, 2006, p. 48
227 - See e.g.: Niedermayer, op.cit., pp. 1660169

(AIHRC) تخمین میکند که ۶۰٪ کاندیدان به احزاب سیاسی ارتباط داشتند، که در کابل این رقم به ۹۰٪ می‌رسید. عقیده بر اینست که در حدود ۲۰۰ نفر از ۲۴۹ عضو ولسی جرگه هواخواه احزاب سیاسی اند. این ۲۰۰ نفر عضو پارلمان از ۳۳ حزب نمایندگی می‌کنند که ۱۹ حزب اسلامی، هفت دیموکراتیک جدید، ۴ حزب چپ‌گرا و ۳ حزب ملی‌گرای نژادی را در ترکیب خود دارد.^{۲۲۱} یک پش‌بینی دیگر نیز در مورد سیستم واحد رای دهی غیر قابل انتقال (SNTV) حقیقت بود و یک نویسنده بنام مالی (Maley) درباره آن حقیقت چنین می‌نویسد: سیستم انتخاباتی ای که در سال ۲۰۰۵ استفاده شد مستقیماً برخلاف احزاب عملی شد، اما یک دست‌آورد برای آنها بود که در انزمن برای کسب حمایت به قوم‌گرایی متوسل می‌شدند و ارزیابی طرح ریزی ممانعت در پارلمان را در چوکات یک قانون تدوین شده داشتند.^{۲۲۲} آنچه واقع شد چنین بود: تنظیم‌های سازمان یافته و پرهزینه مجاهدین که عمدتاً به اساس قومیت بنا یافته بودند کنترل ریاست اکثریت کمیته‌های مهم را بدست آوردند. در مسئله انتخاب رئیس ولسی جرگه موضوع قومیت بر علیه اردوگاه ریاست جمهور عمل کرد که کاندید رئیس جمهور سیاف به اندک تفاوت شکست خورد.

نتیجه‌گیری: جریان‌های تاریخی - بعلاوه یک جریان جدید و نا پیدا

در عصر بعد از طالبان سه جریان تاریخی سیاسی - ایدئولوژیکی دوباره حتی فرقه‌گراتراز قبل ظهور کرد. بعلاوه یک تعداد احزاب تاریخی هنوز با ساختار سابق خود ظهور نموده از چرخش گروه‌های عمده احزاب جدید سردر آوردند. اما این سه جریان هنوز در چشم انداز احزاب سیاسی افغانستان بحیث استخوان‌بندی دورنمای سیاسی این کشور قابل دید است.

همچنین جریان چهارمی یعنی ظهور دیموکراتهای جدید است. پدیده مشترک در بین آن عناصر، تشخیص فرصتی است که یک واقعیت جدید را آغاز کرده و از مرز موانه ایدئولوژی‌های کهن عبور کرد. قدرتهای عمده درین جریان جدید عبارتند از جبهه کمیسیون مشاورت ملی و دیموکراسی (AC-NDF) حزب جمهور یخواه، سازمان همبستگی جوانان افغانستان (YSP) و پیمان کابل که اکثریت ایشان در حال حاضر راه‌های و حدت را جستجو میکنند. مرز بندی حقیقی در بین دو گروه وجود دارد. یکی دیموکراتهای جدید، چپ‌گراهای بعد از حزب دیموکرتیک خلق افغانستان و اکثر ملی‌گرایان نژادی و دیگری گروه اسلام‌گراها، که هر دو جناح به ارتباط دولت و مذهب که اسلام است موقوف سخته‌گیرانه متفاوت دارد. در حالیکه گروه دوم از جمهوری اسلامی حمایت میکردند و دسته پیشین جانب‌داری از دولت غیر مذهبی داشتند. این طرز فکر ایشان، از ترس اسلام که نظرات (سیاست) غیر

221 - Author's interviews, Kabul 2005. For more details on Wolesi Jirga composition, see: Andrew Wilder, A House Divided? Analyzing the 2005 Afghan Elections, AREU, Kabul, Dec 2005. This author contributed to this paper. See also: Noman Dost, 'Why intellectuals and technocrats failed', Pajhwak Afghan News, 13 Nov 2005. For the 'accommodationist stance' (Sedra and Middlebrook, op.cit., p. 9) on candidates' vetting for links to illegal militias, see: 'A Glass Half Full - An Opportunity Wasted', The Economist, 15 Sept 2005. 'Right Body Warns of Warlords' Success in Elections', IRIN, 18 Oct 2005

222 - William Maley, 'Fledgling democracy a target for destruction', The Australian, 12 Sept 2006.

درباره نویسنده

توماس روتینگ فعلاً یک عضو سیار در (Stiftung Wissenschaft und Politic)، انستیتوت اموریین المللی و امنیتی در برلین جرمنی است. در بین سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۰، وی بحیث آمر سیاسی در دفتر اداره خاص سازمان ملل برای افغانستان (UNSMA) و یوناما (UNAMA)، معاون نماینده خاص جامعه اروپا و مشاور سیاسی در سفارت جرمنی در افغانستان کار کرد. آقای روتینگ در دانشبندهای هومبولت (Humboldt) برلین جرمنی و کابل درس خوانده است و در هر دو لسانهای پنبتو و دری صحبت میکند.

شخصیتها در پهنه چشم انداز سیاسی حزب غلبه داشته و دفتر مرکزی حزب بالای حزب تسلط دارد. به بنیاد حزب، با فرق جزئی ولی فزاینده بین اعضای حزب و هوا خواهان آن، موقعیت بالقوه حزب را در حوزه انتخاباتی تعیین میکند، این در صورتی است که صرفاً احزاب بتوانند در انتخابات جایگاه بگیرند (کاندیدان از یک حزب نمایندگی کنند). اما این واقعیت در ترکیب رهبری، برنامه حزبی و پالیسیهای عملی احزاب نفوذ کمتر داشته است. غالب اوقات افراد غیر در مجالس احزاب مختلف شرکت میکنند که اینواقع موقعت رهبری را دشوار می سازد تا بداند حقیقتاً ایشان بالای کی می تواند حساب کنند. برخلاف حقیقتی که بعضی از رهبران احزاب در مقامات دفتری، پارلمانی و یا حتی در کابینه حضور دارند اما یک حزبیکه حکومت را تشکیل داده باشد ناپدید است. برنامه های حزبی نقش چندانی ندارد و کدام فوق العادگی از هم ندارند. تکیه کلام همه را استقلالیت، وحدت ملی، دیموکراسی و چه بسا اوقات حقوق بشر و حقوق زنان تشکیل میدهد. تفاوت زیرکانه در طرز بکاربرد اصطلاحات موجود است بطور مثال تأکید روی کلمه عدالت اجتماعی گروپهای چپی را مشخص می سازد (چنانکه گروپها اسلامی نیز این اصطلاح را بکار می برند اما با یک توارد ذهنی یا معنای مختلف) در حالیکه تأکید روی حقوق مجاهدین جانبداری اسلام گراها را مشخص می سازد. گروپهای دیموکراتیک جدید و غیر مذهبی تأکید روی رزشهای دیموکراتیک و حاکمیت قانون دارند. اما چیزیکه یک حزب را در نگاه مردم افغانستان برجستگی می بخشد تاریخ گذشته حزب و رهبر آنست، چنانکه یکبار حزبی دیگر همیشه حزبی. سیستم حزب در افغانستان طوریکه در بالا ذکر شد بین راست (احزاب اسلامی) و منظر غیر مذهبی قطب بندی شده و نسبتاً از هم پاشیده است. بیشتر از ۳۰ حزب در ولسی جرگه نمایندگی یا هوا خواه دارد. این احزاب هنوز طوری موقف گیری میکنند تا از طریق حمایت مردم کسب مشروعیت کنند. این مامول وقتی برآورده خواهد شد که فرهنگ جدید کثرت گرائی سیاسی که در قانون اساسی و قانون احزاب طرح شده، پذیرفته شود. احزاب سیاسی افغانستان در حقیقت کوششهای سازمان یافته بخاطر قدرت بوده اند. تا به امروز، تهدید بزرگی که در سر راه تحقق دیموکراسی در سیستم سیاسی افغانستان وجود دارد و توسط کنفرانس بن پیش بینی شده است در مجموع ناشی از تسلط قوتهای است که هنوز سلاح در اختیار دارند. حالا وقت آن رسیده است که خصلت های گذشته خویشرا که گرفتن قدرت و رسیدن به هدف از طریق زور و مهره های قومیت است، کنار گذارند. در عوض این قوتها باید خویشرا در رقابت صلح آمیز اندیشه های سیاسی دخیل ساخته و حوزه انتخاباتی بالقوه خویشرا از آن طریق اعمار نمایند. به اصطلاح افغانهای که مورد استعمال زیاد دارد: احزاب باید واقعاً ملی باشند. بعضی از احزاب از قبل درین استقامت گام نهاده اند.